

فارسی  
باستان  
فارسی  
مسیانہ  
زبان کی  
دری

یام سپند اگرچہ بر آتش ہی گنڈ  
از ہر چشم تا نرسد مرا درا گنڈ  
اورا سپند و آتش ناید ہی بکار  
باروی ہچ آتش و باخال چون پند  
عقلمند

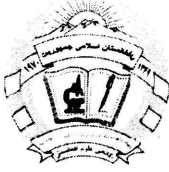
سر محقق دکتور خلیل اللہ اورمر

کابل۔ افغانستان ۱۳۶۰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

د = م





جمهوری اسلامی افغانستان  
آکادمی علوم  
معاونت علوم بشری  
مرکز دایرة المعارف

زبان دری

فارسى میانه

فارسى باستان

سر محقق دکتور خلیل الله اورم

کابل - افغانستان

سال: ۱۳۹۰ شمسی

همه حقوق طبع و نشر محفوظ است



مصححات:

---

نام کتاب: زبان دری، فارسی میانه، فارسی باستان  
نویسنده: سر محقق و کتور خلیل الله اورمر  
ناشر: آریاتا دایرة المعارف، اکادمی علوم  
کپوز و دیزاین: محمد مجتبی بملیون  
تیراژ: ۵۰۰ جلد  
محل چاپ: مطبعه تعلیمی نبراسکا کابل - افغانستان  
سال چاپ: ۱۳۶۰ شمسی.

## فهرست

صفحه	عنوان
الف	۱. پیشگفتار
ج	۲. مقدمه
۱	۳. زبان دری
۸۹	۴. فارسی میانه
۱۳۳	۵. فارسی باستان
۱۴۲	۶. مأخذ

## پیشگفتار

دری زبان ادبی و نوشتاری منطقه به شمول افغانستان، ایران، تاجکستان، ترکیه، عراق و حتی نیم قاره هند است. منشأ این زبان به گواهی تاریخ، بلخ و مناطق شمالی و غربی افغانستان بوده و به علت فصاحت و سهولتهای هجایی که در این زبان موجود است، بر سایر زبانهای محلی منطقه فایق آمده و بالاخره به شکل منطقه شمول امروزی خود درآمده است که میتوان آن را زبان میانجی منطقه شمرد.

اکنون که طبع جدید دایرة المعارف آریانا بعد از سالهای متمادی در دست تدوین و نشر است، ریاست این مرکز مطابق پلان مطروحه مصمم است منشأ و تاریخچه زبان دری، فارسی، فارسی میانه و فارسی کلاسیک را با در نظر داشت تحقیقات جدید در این عرصه در جلد چهارم دایرة المعارف آریانا دور دوم طور مستند و علمی چاپ و نشر نماید. برای رسیدن به این مأمول مرکز لازم دید تا یکی از دانشمندان متخصصان اکادمی علوم در بخش زبانشناسی، مقاله مورد نظر را به گونه علمی و تحقیقی تکمیل نماید؛ چنانچه سرمحقق دکتر خلیل الله اورمر یکی از دانشمندان فرهیخته این نهاد علمی که در رشته زبانهای کلاسیک دکتورا دارد به کمال علاقمندی از مدت دو سال به این سو با استفاده از منابع جدید، علمی و معتبر تحقیقات مبسوطی را در زمینه انجام داده و با یافته‌های بیشتر به نوشتن مقاله مورد نظر جهت نشر در دایرةالمعارف جدید آریانا همت گماشته است. ریاست مرکز دایرةالمعارف آریانا به این زحمات شان ارج گذاشته و بسیار آرزومند است در این برهه‌یی از زمان در مورد ریشه زبانی که در این خطه باستانی از قرن‌ها به اینسو به آن

تکلم می‌کنند و می‌نویسند؛ مانند زبان فردوسی، زبان مولانا، زبان بیدل و سایر شیرین سخنان زبان دری بالاخره جواب علمی، دقیق و مستند را با ذکر منابع و مآخذ ارائه نماید.

مرکز دایرةالمعارف آریانا سعی به عمل آورد تا در یک مباحثه علمی رویاروی تفاهم میان متخصصان رشته را در رابطه با مقاله علمی - تحقیقی ذکر شده حاصل و مقاله را به طبع بسپارد، ولی با تأسف به این آرمان بزرگ موفق نگردید. بنابراین مرکز لازم دید مقاله ترتیب شده را در یک جزوه جداگانه به نشر بسپارد تا اگر دانشمندان، اسناد علمی و موثق جهت غنامندی مقاله مذکور در دسترس داشته باشند، کتباً به ریاست مرکز دایرةالمعارف، اکادمی علوم افغانستان، واقع چهار راهی شیرپور، جوار معینیت سواد حیاتی الی اخیر ماه اسد سال ۱۳۹۰ خورشیدی ارسال دارند، زیرا این اداره اراده نموده است واقعیت‌های تاریخی و علمی - تحقیقی را در مورد زبان دری در جلد چهارم دایرةالمعارف دور دوم تحت عنوان «زبان دری، فارسی میانه و فارسی کلاسیک» برای امروز و فردای کشور تقدیم و به چاپ رساند. تا باشد مسؤولیتهای علمی، ملی، تاریخی و فرهنگی خویش را در قبال وطن و نسلهای آینده ادا و برای زبان این خطه باستانی خدمتی نموده باشد.

اداره مرکز دایرةالمعارف از توجه دانشمندان و اهل رشته در مورد، قبلاً اظهار سپاس و امتنان نموده و از تمام متخصصان رشته صمیمانه می‌طلبد تا جهت نیل به این مأمول مسؤولانه و صادقانه همکاری نموده هرچه زودتر پیشنهادات و نظریات علمی، تحقیقی و مستند شان را ارسال نمایند. متن‌های تحریری، مستند، دقیق و علمی متخصصان رشته با ذکر منابع معتبر علمی جهت غنی سازی مقاله ارائه شده به کمال امتنان پذیرفته میشود. با احترام

رئیس مرکز دایرةالمعارف آریانا

سرمحقق ثریا پوپل

## مقدمه

زبان به عنوان مهم‌ترین وسیلهٔ پیام‌رسانی و برقراری ارتباط در جوامع بشری، پدیدهٔ اجتماعی خاصی است که همانند دیگر نهادهای اجتماعی، صورت ثابتی نداشته و همواره در حال تحول و دگرگونی است. باید دانست که دور شدن یک صورت زبانی از اصل و فرم قدیمی آن، یا تغییر یکی از صورت‌های زبانی، خطا و غلط شمرده نمی‌شود، بلکه این دگرگونی‌ها معلول رویدادهای اجتناب‌ناپذیر زمان است. محققین خارجی زبانشناسی تاریخی، تحقیقات قابل توجهی بر روی زبان‌های آریانی انجام داده‌اند که در پیشرفت زبانشناسی اندواروپایی نقش بسیار مهمی ایفا کرده است، ولی آنچه کمتر مورد توجه آنان بوده، بررسی پیوسته و منسجم تاریخ زبان دری است که تحقیق مستقل، جامع و مبسوط در این زمینه صورت نگرفته است. این بخش از علوم بشری بخصوص در میان محققان افغانی معرفت‌های نوپا محسوب می‌شود، به همین دلیل تحقیق در تاریخ زبان دری یک ضرورت مبرم است.

در دایرة المعارف آریانا دور اول، سال ۱۳۳۵ شمسی جلد پنجم صفحه ۴۰۰ مقاله تحت عنوان دری (زبان) و در جلد سوم صفحه ۴۲۸ الی ۴۳۰ تحت عنوان زبان دری، ادبیات آن، مبدأ و پرورشگاه زبان دری به قلم دانشمند و مؤرخ مشهور کشور مرحوم احمد علی کهزاد تحریر یافته است. [صورت تخلیص لغت نامهٔ دهخدا، مگر با اضافات غیر علمی که بدان اشاره خواهد شد] من به تمام مسایل تاریخی و ادبی که درین مورد نگارش یافته موافق هستم و تمام نکات مثبت آن را در این رساله گنجانیده‌ام. اما مسألهٔ مبدأ زبان یعنی اینکه یک زبان از کجا منشأ می‌گیرد، در

زبان‌شناسی یک مسأله تخصصی است و مربوط به آن‌عهده زبان‌شناسانی میشود که به زبان‌شناسی تاریخی سروکار دارند. بسیاری از زبان‌شناسان بخش‌های دیگر زبان‌شناسی به آن پی نمی‌برند و مؤرخ نمیتواند صورت تکامل و تحول یک زبان را در ادوار مختلفه تاریخ بررسی کند، زیرا او نمیداند کدام صدای زبان باستانی در کدام هجا به کدام صدای زبان معاصر تکامل و یا تحول نموده است. هر زبان برای خود قوانین تکاملی دارد دیده شود به صفحه (۸۵-۸۰) این رساله. این دانشمند حتی دسته بندی زبانهای آریانی را در نظر نگرفته است که کدام زبان در کدام گروپ قرار دارد، زیرا موصوف در صفحه ۴۲۹ ستون دوم سه سطر آخر چنین نوشته است «ملتفت باید بود که دری در قرن پیش از اسلام و محتملاً در قرن اول هجری شکل ابتدایی داشت که باید آن را صورت متوسط سغدی و پهلوی پارسی خراسانی خواند».

مشاهده میگردد که مؤرخ به مسایل گروپ بندی زبانهای آریانی که از قرن ۱۹ بدینسو در بین زبان‌شناسان جهان تثبیت و قایم شده است توجهی نکرده است. زیرا زبان سغدی متعلق به گروپ شرقی دوره میانه زبانهای آریانی و زبان پارسی به گروپ شمال شرقی دوره میانه زبانهای آریانی تعلق دارد و زبان دری در گروپ جنوب غربی دوره معاصر آریانی است. دیده شود دایرة المعارف آریانا دور اول، سال ۱۳۳۵ جلد سوم صفحه ۷۹۱.

نظر علمی که در مورد موقف زبان دری از قرن ۱۹ میلادی تا امروز در بین زبان‌شناسان قابل قبول است، در دایرة المعارف آریانا دور اول، سال ۱۳۳۵ شمسی جلد سوم صفحه ۷۹۱ به قلم زبان‌شناس شهیر فرانسه ایمل بنونیست<sup>۱</sup> به ترجمه زبان‌شناس افغانی دکتر عبدالغفور روان فرهادی تحت عنوان «السنه افغانستان» نوشته شده است. ایمل بنونیست در مورد زبانهای افغانستان خصوصاً در مورد زبان دری به وضاحت

---

۱. این دانشمند کتبه های زبان باختری را نیز رمز کشایی و ترجمه نموده است.

گفته است « برای شناختن السنه قدیم لوحه نخستین (مقابل صفحه ۷۹۰) را در « السنه جهان» باید مطالعه کرد از سه دسته السنه «اندوایرانی» نمونه هایی موجود است. از دسته معروف به (جنوب غرب) فارسی (دری) و از دسته معروف به (شمال غرب) بلوچی و کردی و از دسته (شمال شرقی) پشتو اورمیری پراچی و السنه پامیر (غلچه) یعنی کوهی شنیده می شود».

در نوشتن این رساله از تازه ترین آثاری که در مورد خاستگاه، مبدأ و منشأ زبان دری در دسترس بود، استفاده شده است. این رساله شامل آخرین نظریات در مورد مبدأ و منشأ زبان دری است که در آن طور مستند یک صد و پنجاه کلمه اصیل زبان دری ریشه یابی شده و منشأ زبان دری نشان داده شده است. همچنان گوشه های تاریک بعضی از مسایل ریشه شناسی و موقف زبان دری در مدخل های (زبان اوستا، فارسی باستان (فرس باستان)، سانسکریت، لاتین، یونانی باستان، خوارزمی، باختری، ساکی، پشتو، آستی، زبان های پامیری، اورمیری پراچی) که در آریانا دایرة المعارف دور دوم توسط اینجانب نوشته شده واضح گردیده است.

نا گفته پیداست که بخش ریشه یابی این رساله بسیار تخصصی است و خواندن آن نیز جز برای متخصصان قابل فهم نخواهد بود.

با توجه با آنچه که گفته شد رساله حاضر نخستین گام در راه بررسی تاریخ زبان دری است و چون ساختمان عظیم زبان به اساس فونیم ها (Phoemes) و اصوات (Sounds) زبانی بنا شده، درین قسمت تنها به بررسی تحولات فونیم های زبان دری پرداخته شده است.

دری در کنار زبان پشتو زبان رسمی دولت اسلامی افغانستان و از خانواده وسیع و گسترده زبان اندو اروپایی است، اما در تحقیق آن باید از روش های جداگانه استفاده کرد زیرا:

۱. سیر تحول زبان دری را می توان در کنار زبان فارسی و تاجکی از دوره های قدیم



تاریخ تا امروز بررسی کرد، زیرا این سه زبان به سه لهجه بزرگ فارسی کلاسیک که «فارسی نو و فارسی دری» هم گفته میشود، تکامل نموده است که تحولات آن را میتوان بصورت متوالی باز شناخت. زیرا ازین زبانها در مقاطع تاریخی، اسناد و آثار مکتوبی به رسم الخط های متنوع در دست است که قواعد تحول آن را در طول ۲۵۰۰ سال روشن میکند.

۲. در بررسی زبان دری آثار مکتوب آن از زمانه های قدیم تا امروز در نظر گرفته میشود.

زبانشناسان برای زبانهای آریانی سه دوره تکاملی را قایل شده اند که برویت آن زبان دری در موقف ذیل قرار دارد:

- دوره باستان از ورود آریائیان به آریانا و فارس تا سقوط هخامنشیان که آثار تاریخی آن درین دوره کتیبه های فارسی باستان به خط میخی است.
  - دوره میانه از نظر تاریخی، با روی کار آمدن اشکانیان شروع و در حدود سه قرن پس از انقراض ساسانیان خاتمه می یابد. برای پژوهش اسناد تاریخی این دوره از متون بازمانده پهلوی ساسانی که اصطلاحاً زبان «فارسی میانه» نامیده می شود
  - و دنباله طبیعی و صورت تحول یافته فارسی باستان است و همچنان از متون پهلوی اشکانی که پارسی نیز نامیده می شود میتوان استفاده کرد.
  - آثار مکتوب به رسم الخط فارسی - عربی نماینده گی از دوره معاصر زبان دری، فارسی و رسم الخط سریلیک برای زبان تاجکی است.
- زبان دری یگانه زبان آریایی است که اسناد تاریخی این سه دوره را دارا میباشد.

والسلام

دکتور خلیل الله اورمې

کابل ۱۳۹۰

## زبان دری

دری، تاجکی و فارسی زبانهایی هستند توانا، آسان و زیبا که پیشینه کاربردی آن در نوشتن تا حدود ۲۵۰۰ سال پیش شناخته شده است. کهن ترین نوشته‌یی که از آن در دسترس است از آریارمنه (Ariaramna) پدر نیای داریوش بزرگ است. این زبانها رفته رفته دگرگونیهای بزرگ یافته و ساده‌تر و آسان‌تر شده است. این زبان در روزگار شاهنشاهی هخامنشیان سه جنس و سه شمار داشت و به پایان نامهای آن در هشت حالت دستوری پی بندهایی افزوده میشد. دستگاه گردان اسما، صفات، ضمائر، اعداد و فعلهای آن پیچیده‌تر و گسترده‌تر بود، مگر زبان فارسی کلاسیک که دنباله مستقیم فارسی میانه است، بعد از مرحله دوره میانه از نظر قواعد دستوری با فارسی میانه چندان اختلاف نداشت، اما از سه جهت متمایز بود:

اول) از جهت تغییر برخی از آواها.

دوم) از جهت داشتن کلمات جدید برای بیان مفاهیم جدید که یا وضع شده و یا از عربی وام گرفته شده بودند.

سوم) از جهت تغییر معنا از کلماتی که به اثر تغییر اوضاع سیاسی، اجتماعی و دینی به وجود آمده بود.

میدانیم که از روزگاران کهن در آبادیها و شهرهای کوچک و بزرگ آریانا زمین به لهجه‌هایی سخن گفته میشد که دنباله‌هایی از آنها تا امروز باقی مانده است، تنها

آثار دست داشته زبان پارتی گواهی از دوره میانه یی این زبان را میدهد. ولی هیچگونه معلومات مستند به دوره ما قبل و یا ما بعد آن وجود ندارد. لهجه‌های فراوان آریانی دوره حاضر؛ مانند: پشتو، کردی، اوزمیری، پراچی، بلوچی و اخی، اشکاشمی، یغنوبی، یزغلامی، شغنی و غیره تا امروز شناخته شده اند، اما از پیشینه آنها در دوره میانه و باستانی معلوماتی در دست نیست.

دری، تاجکی و فارسی یگانه زبانهایی اند که پیشینه تاریخی روشن دارند.

آریانی مادر تقریباً ۱۴۰۰ ق.م.		
زبانهای غربی (پرسیگ)	زبانهای شرقی (باختری)	دوره های زبانهای آریانی
میدی، فارسی باستان	اوستا، ساکی	دوره باستان
پارتی، فارسی میانه	باختری، سغدی، خوارزمی، ساکی	دوره میانه
فارسی کلاسیک	-	دوره کلاسیک
تاجکی، دری، فارسی	پشتو، اورمیری، پراچی، آسی، یزغلامی، و اخی، اشکاشمی، یغنوبی، شغنی...	دوره معاصر

### نظریات متفاوت دانشمندان در مورد منشأ و ریشه زبان دری

قبل از آنکه به نظریات متفاوت دانشمندان پرداخته شود لازم است بعضی از اصطلاحات و نامگذاری مروج در فلولوژی آریانی که از طرف زبان‌شناسان وضع گردیده یاد آور شویم:

- دری: زبان رسمی جمهوری اسلامی افغانستان.

- تاجکی: زبان رسمی جمهوری تاجکستان.
  - فارسی (فارسی معاصر): زبان رسمی جمهوری اسلامی ایران.
  - فارسی کلاسیک (فارسی ک.ک.): یا فارسی نو که فارسی دری هم گفته میشود بعد از آمدن اسلام رواج یافت. اساساً دنباله فارسی میانه یا یکی از گونه‌های آن است که در اواخر دوره ساسانی به صورت زبان گفتاری در تیسفون رایج شده بود. فارسی نو یا فارسی کلاسیک که بعد از فارسی میانه (بعد از قرن نهم میلادی) یعنی بعد از رسمیت یافتن آن در دوره حکومت صفاریان به سال ۸۶۷م. تا به وجود آمدن سه لهجه بزرگ (دری، تاجکی و فارسی) به میان آمد که در منابع عربی، به نام فارسی (fārsī, pārsī) و پارسی دری (pārsī-yi dari) یاد میگردد. در منابع تحقیقی دانشمندان غرب به نامهای مختلف؛ چنانچه: در فرانسه وی به نام فارسی کلاسیک (Persan classique)، در زبان جرمنی «Das Neupersische»، «Neu persische Schriftsprache» در زبان روسی به نام فارسی نو «Hobonepcudckuu» و در زبان انگلیسی «New persain» یاد میگردد.
  - فارسی میانه (فارسی م.) دنباله زبان فارسی باستان است که از قرن دوم تا اوایل دوره اسلامی (قرن هفتم میلادی) دوام داشت.
  - فارسی باستان (فارسی ب.) در جنوب غرب ایران معمول بوده و کتیبه‌های شاهان هخامنشی (قرن ششم تا ۳۳۱ ق.م.) بدان نوشته شده است.
- (Encyclopædia Iranica, Vol. I, p. ۵۰۲; A. Efimov, V.S. Rastargueva, E.N. Sharova; in: Osnova iranskogo jazykoznanja Novo iranski jazyki. Moskva, ۱۹۸۲, p. ۵; Osnova iranskogo jazykoznanja Drevne iranski jazyki. Moskva. ۱۹۸۲, p. ۱۸; M.U. Oranskii, ۱۹۸۹, p. ۲۶-۳۳; Lazard ۱۹۸۹, pp. ۲۶۳-۴۳۸, ۲۸۹, ۲۹۰, ۴۳۸, ۱۹۸۹, p. ۴۳۹. Compendium Linguarum Iranicarum, ۱۹۸۹, p. ۲۹۰, ۲۸۹, ۴۳۸, ۱۹۸۹, p. ۴۳۹.)
- ترجمه فارسی آن زیر نظر حسن رضایی باغ بیدی تحت عنوان: رهنمای زبان های ایرانی، جلد دوم زبان های ایرانی نو، صص. ۴۳۸-۴۳۹ و ۴۷۷-۴۷۵؛ ژاله آموزگار، احمد تفضلی.

زبان پهلوی ادبیات و دستور آن، تهران ۱۳۸۲، ص. ۱۴-۱۳؛ کوروش صفوی. آشنایی با تاریخ زبانهای ایرانی، تهران ۱۳۸۶، صص. ۱۸۲-۱۶۳؛ دکتر مهری باقری. تاریخ زبان فارسی، نشر قطره، تهران ۱۳۷۱، صص. ۶۱، ۱۱۱؛ ایران کلباسی. فارسی ایران و تاجکستان (یک بررسی مقابله ای)، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی تهران، ۱۳۷۴، صص. ۳۰).

کهن ترین گزارش در باره زبان دری گفته **ابن مقفع** (وفات سال ۱۳۹ق.) است که ابن ندیم (وفات سال ۳۸۵ یا ۳۸۸ق.) در کتاب الفهرست آورده است: «زبان های فارسی عبارت از: پهلوی، دری، فارسی، خوزی و سریانی است. پهلوی منسوب است به پهل که نام پنج شهر است: اصفهان، ری، همدان، ماه نهاوند و آذربایجان. و اما دری زبان شهرنشینان بود، و درباریان به آن سخن میگفتند و منسوب به دربار پادشاهی است و از میان زبانهای اهل خراسان و مشرق، زبان مردم بلخ در آن بیشتر است. اما فارسی، زبان مؤیدان و علما و امثال آنان بود، و مردم فارس با آن سخن میگفتند...» (محمد بن اسحاق بن ندیم. الفهرست، ترجمه محمد رضا تجدد، انتشارات اساطیر، تهران، ۱۳۸۱، ص. ۲۲).

آنچه ابن مقفع در مورد زبان فهلوی یعنی پهلوی و پیوسته گی آن با فلهه یعنی پهل که میگوید و پنج شهری که نام میبرد، همه می رساند که مراد او همان زبان پارتی (پهلوی اشکانی) است و اصطلاح فارسی را دو بار به کار برده است. بار اول فارسی را به معنای مطلق زبان آریانی آورده (زبانهای فارسی یعنی زبانهای آریانی)، ولی بار دوم که میگوید فارسی زبان مؤیدان و علما و امثال آن بود، روشن میشود که مراد او در این جا از فارسی، زبان فارسی میانه (پهلوی ساسانی) است. اشاره او به اینکه فارسی، زبان مردم فارس بود تعیین محل اصلی این زبان است.

آنچه که ابن مقفع در باره زبان دری میگوید نیاز به بررسی بیشتری دارد. این که میگوید «دری» زبان درباریان و منسوب به دربار پادشاهی بود، ازین سخن نخست این نکته روشن میگردد که دری از «در» به معنای درگاه است که ابن مقفع آن را به «باب» ترجمه کرده است و منظور او از «در» و «درگاه در این جا، پایتخت و دری زبان مردم شهرنشین پایتخت

ساسانی است. این که میگوید از زبانهای اهل خراسان زبان مردم بلخ بیشتر دری است، بدین معنا که این زبان ابتدا در شهر بلخ آمیخته گی پیدا کرده و بعداً به ماوراءالنهر و مناطق خاوری نفوذ کرده است.

مؤلف برهان قاطع زیر عنوان «دری» چنین آورده است: «دری به فتح اول بر وزن پری لغت پارسی باستان است که وجه تسمیه آن را بعضی به فصیح تعبیر کرده اند. هر لغتی که در آن نقصانی نباشد، دری گفته میشود. همچو اشکم و شکم و بگوی و گوی و بشنود و شنود و امثال اینها پس اشکم و بگوی و بشنود دری باشد؛ جمعی گویند لغت ساکنان چند شهر بوده است که آن بلخ و بخارا و بدخشان و مرو است»  
برهان قاطع با اهتمام دکتر معین، جلد دوم (ج-س) تهران ۱۳۶۲، ص. ۸۴۷.

از نوشته های برهان قاطع این نکته روشن میشود که: برهان قاطع مانند سایر نویسندگان تاریخ، زبان دری را از قدیمترین زمان، متعلق به خراسان بزرگ به خصوص شهرهای بلخ و ماوراءالنهر دانسته است. به همین طور ابن ندیم در اثر مشهورش الفهرست زبان دری را از فارس و عراق عجم نشمرده است و گفته است که «لغت بلخ در آن غلبه دارد». همچنان جغرافیه نویس مشهور قرن چهارم هجری ابو عبد الله محمد بن احمد مقدسی نویسنده احسن التقاسیم از چگونه گی لهجه های مردم تخارستان، بلخ، هرات، بامیان، گوزگانان (جوزجان) و همچنان مرو، سمرقند، بخارا و فرغانه نام میبرد و زبان مردم بلخ را بهترین زبانها می شمارد. همچنان موصوف زبان اهل بخارا را نیز زبان دری مینامد و مینویسد: «آن را از آن روی دری نامند که نامه شاهان (رسایل دولتی) بدان نوشته میشود و به وی میرسد و از ریشه «در» ساخته شده، زیرا که زبانی است که درباریان بدان گفتگو می نمایند» (احسن التقاسیم فی معرفته الاقالیم، تهران، ۱۳۸۵، ص ۴۹۱). از مؤرخان قرن چهارم هجری «المقدسی» و «ابن حوقل» در باره محل رواج و گفتگوی زبان دری سخن گفته و نوشته اند: «در اوایل قرن اول و دوم هجری، آریانی های غیر مسلمان آثار خود را به شیوه گذشته به زبانهای

سغدی، خوارزمی، باختری و فارسی میانه می‌نوشتند اما با گسترش دین مقدس اسلام آریانی‌های مسلمان از زبان عربی استفاده کرده در آثار و نوشتار آنها تغییر آوردند. و به تدریج در دیگر مناطق آریایی نشین یعنی سغد، خوارزم، باختر گسترش یافت. و جانشین زبانهای سغدی، خوارزمی، باختری و فارسی میانه گردید».

دانشمند فرانسوی استاد زبان فارسی پروفیسور ژیلبر لازار که دستور زبان فارسی آن به زبانهای انگلیسی، جرمنی، روسی و دیگر زبانهای جهان ترجمه شده است و در تمام پوهنتونهای اروپا و امریکا کتاب درسی است، در مورد زبان فارسی چنین مینویسد: در صورت نادیده گرفتن روایت‌ها و منابع غیر معتبر، می‌توان گفت که ادبیات فارسی (دری) حدوداً از اواسط قرن نهم میلادی / سوم هجری با شعر درباری آغاز شده است. بنابر روایت تاریخ سیستان که معتبرترین منبع در این زمینه است، نخستین اشعار فارسی در سال ۲۵۰ ق. (۸۶۵ م.) در دربار صفاریان در سیستان سروده شدند. بنا بر تذکره‌های ادبی، قدیمترین شاعر زبان فارسی (دری)، شاعری از ناحیه هرات به نام حنظله بادغیسی بود که به احتمال قوی در همان زمان به شهرت رسید. پس از آن، ادبیات فارسی به سرعت گسترش یافت و در زمان سامانیان از شکوفایی درخشانی برخوردار گشت، اما این شکوفایی حدود یک قرن فقط به سرزمینهای شرقی، یعنی ماوراءالنهر و خراسان، محدود بود که امروز به نام دری و تاجکی یاد میشود. در حقیقت ادبیات فارسی در غرب ایران تنها از اواخر قرن دهم میلادی (چهارم هجری) به بعد رونق گرفت و از آن تاریخ تا کنون، در مجموعه سرزمینهای آریانی تبار تمامی وظایف یک زبان فرهنگی را انجام میدهد.

در تمامی متون قدیم زبان فارسی، زبان «دری» نامیده شده و گاهی از آن به عنوان «پارسی دری» نیز نام برده شده که به معنای دقیق کلمه، صورت «دری» زبان «پارسی» (زبان آریاییها در تقابل با زبان عربی) است. از هنگامی که موقعیت این زبان به عنوان تنها زبان ادبی آریایی تثبیت شده است، صرفاً «پارسی» یا فارسی (صورت معرب آن)

نامیده میشود. در قرنهای بعد، استفاده از زبان فارسی به عنوان زبان دربار، زبان اداری و زبان ادبی در گسترده بسیار فراتر از محدوده سرزمینهای آریایی رواج یافت.

(Compendium Linguarum Iranicarum, ۱۹۸۹, p. ۲۶۳) ترجمه فارسی آن تحت عنوان (رهنمای زبان های ایرانی جلد دوم ص. ۴۳۸). در جای دیگر مؤلف مذکور در مورد ساختار زبان تاجکی و دری نگاشته است: در قرن بیستم میلادی، در سه سرزمین ایران، افغانستان و تاجکستان، بدون این که پیوسته گی زبانهای «تاجکی، دری و فارسی» با زبان کلاسیک (فارسی دری) از بین برود، معیارهای جدیدی پدید آمدند که به صورتهای محاوره‌یی زبان هر سرزمین نزدیک‌تر بودند و در نتیجه تفاوت‌های کمابیش قابل توجهی بین زبانهای این سرزمینها به وجود آمد. تاجکی مشترک، یعنی تاجکی‌یی که در تدریس و کتابت به کار برده میشود، به لهجه‌های رایج در اطراف دوشنبه (در مرکز تاجیکستان) نزدیک است. این لهجه‌ها به گروه شمال غربی تعلق دارند، اما از ویژه گیهای خیلی خاص لهجه‌های شمالی برخوردار نیستند و نقش لهجه انتقالی را نسبت به گروه جنوب شرقی ایفا میکنند. تاجکی مشترک از لحاظ فونیم شناسی، دستوری، واژه‌ها و عبارت‌پردازی تفاوت‌های نسبتاً زیادی با زبان فارسی ایران دارد. (Lazard; ۱۹۶۳, ۱۹۵۴; Rastorgueva- ۱۹۸۹, p. ۲۸۹؛ رهنمای زبان های ایرانی جلد دوم، ص. ۴۷۶). صورت نوشتاری زبان دری در افغانستان منعکس کننده برخی از ویژه گیهای کابلی محاوره‌یی است (Dorofeeva ۱۹۶۰; Kiseleva ۱۹۷۳) این زبان نه تنها در زمینه واژه‌ها و عبارت پردازی، بلکه از نظر دستوری نیز وجوه مشترک با زبان تاجکی دارد؛ مانند صورتهای فعلی از نوع: میکرده باشد (mekarda bāšad)، صفتهای مفعولی از نوع کرده گی (kardagi)، ساختارهایی؛ چون کرده میتوانم (karda metawānam)، مقایسه شود فارسی ایران (می توانم بکنم). برخی دیگر از ویژه گیها، این زبان را در آن واحد از تاجکی و از فارسی ایران متمایز میسازند صورتهای استمراری؛ مانند



کرده می‌رود (karda merawad)، (دارد می‌کند)، ماضی کرده می‌رفت، کرده رفت (karda raft, karda meraft)، ماضی نقلی از نوع کرده می‌باشد (karda mebāšad)، آینده مقدم کرده خواهد بود (karda xvāhad bud). (Compendium Linguarum Iranicarum, ۱۹۸۹, p. ۲۸۹) ترجمه فارسی آن

تحت عنوان: رهنمای زبانهای ایرانی جلد دوم ص. ۴۷۶.

آیا میتوان فارسی ایران، دری افغانستان و تاجکی را به عنوان سه زبان متفاوت از یک دیگر در نظر گرفت؟ درک متقابل استفاده کننده‌های این زبانها به میزان قابل توجهی بسته‌گی به سطح زبان به کار برده شده دارد، یعنی اگر این سطح در حد لهجه‌های عامیانه‌یی باشد که با یک دیگر فاصله دارند، درک متقابل میتواند لااقل مشکل باشد، اما به تدریج که سطح زبان بالا برود، درک متقابل آسان و آسانتر میشود: در یک بحث اکادمیک ایرانیها، افغانها، و تاجکها یک زبان واحد را با تفاوتهای جزئی به کار می‌برند. در افغانستان در مورد ریشه و منشأ زبان دری بر علاوه دایرة المعارف آریانادور اول آغاز سال ۱۳۲۸ ختم ۱۳۴۸ ش. اثری از پوهاند دکتور محمد حسین یمین تحت عنوان «تحول زبان تاریخچه زبان پارسی دری» واقعیت هله، پارتی دری < پارثی دری > پارسی دری» نیز موجود است که چاپ اول آن در سال ۱۳۸۲ و چاپ دوم در سال ۱۳۸۶ ش. صورت گرفته است. در این اثر بین نظریات نویسنده آن و نظریات دانشمندان اروپایی، امریکایی، اتحادشوری سابق و ایرانی در مورد ریشه و منشأ زبان دری تناقض دیده میشود، چنانچه در وقایع اثر مذکور پارتی دری < پارثی دری > پارسی دری نوشته شده است، گویا پارسی از پارتی گرفته شده است که قابل تأمل است؟

۱. واژه پارت در سطر ۱۴ کتیبه بیستون پرثوه (parθava) آمده و این سرزمین را یونانیها «پارتیا» پارثیا می‌نامیدند. امروز نام پارت در تمام زبانهای جهان، واژه زنده و مورد استعمال است و هرگز عوض واژه فارس استعمال نشده است. بهار در

مورد «پرتوه» نوشته است: پرتوه نام قبیله بزرگ یا سرزمین وسیعی است که مسکن قبیله پرتوه بوده و آن سرزمین خراسان امروزی است که از مشرق به صحرای اتک (دشت خاوران قدیم) و از شمال خوارزم و گرگان، از مغرب به قومس (دامغان حالیه) و از نیمروز به سند و زابل می پیوسته و مردم آن سرزمین، از آریایی های (سکایی) یعنی ساکها بوده اند که پس از مرگ سکندر یونانیان را از آنجا رانده دولت بزرگ و پهناور تشکیل دادند و ما آنان را اشکانیان گوئیم. (سبک شناسی بهار، جلد ۱، چاپ هشتم ۱۳۸۲ ص. ۱۵؛ کورش صفوی. آشنایی با تاریخ زبانهای ایرانی، تهران ۱۳۸۶، ص. ۱۳۲).

تکامل واژه parθava زبان فارسی باستان را نیبرگ و حسن رضایی باغ بیدی طور ذیل نشان داده است:

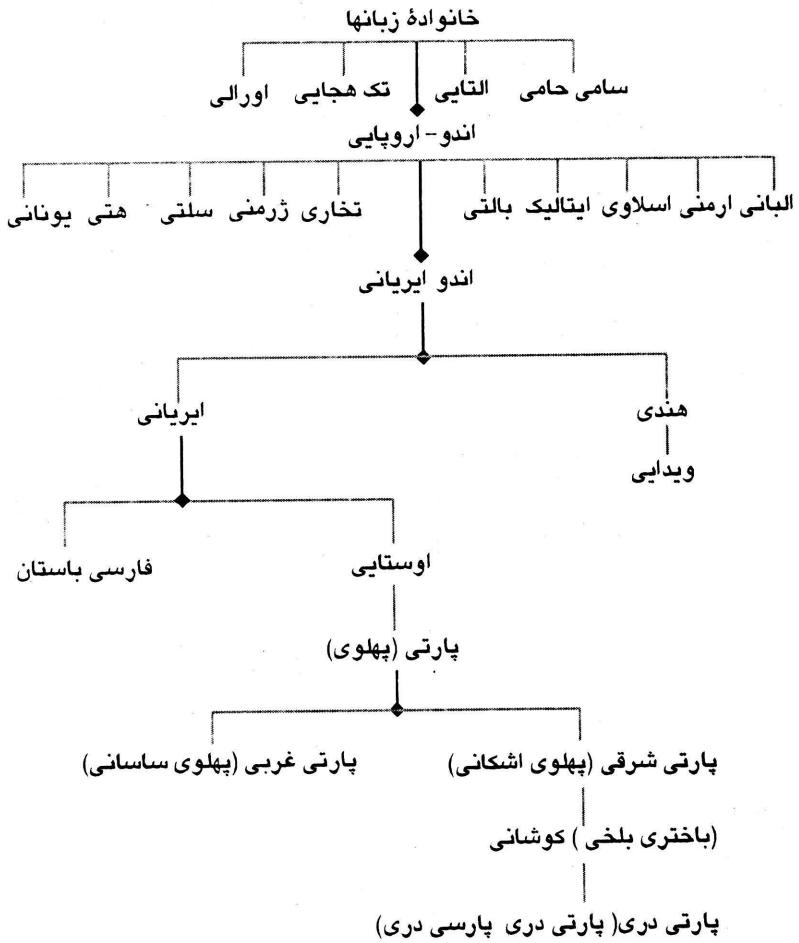
«-pahlav- > \*parhav- > parθava- یعنی پهلوی» (حسن رضایی باغ بیدی. دستور زبان پارتی (پهلوی اشکانی)، تهران ۱۳۸۱، ص. ۱۴).

واژه پارسی (pārsa) در سطر دوم کتیبه بیستون همزمان با واژه پرتوه (parθava) متداول بوده است هر دو واژه نامهای اقوام و سرزمینهای جداگانه بوده است و هرگز پارت پارس و پارتی پارسی شده نمیتواند.

۲. در صفحه ۲۳ این اثر که نمایانگر خانواده زبانها و نشاندهنده منشأ و ریشه زبان دری میباشد، مشاهده میگردد که:

زبان دری (پارتی دری پارسی دری) دنباله زبان باختری (بلخی، کوشانی) و زبان باختری دنباله زبان پارتی و زبان پارتی بازمانده زبان اوستا است. این نظریه تا اکنون در ادبیات جهان دیده نشده است و منطقاً قابل پذیرش نیست، زیرا دانشمندان راجع به زبان اوستا چنین نظر دارند: زبان اوستا که از نظر ویژه گی های باستانی متعلق به شرق و شمال شرقی ایران باستان یا ایران بزرگ (ایران بزرگ: مراد مؤلف از آریانا است و حدود آریانا دیده شود: احمدعلی کهزاد رساله آریانا و همچنان میر غلام

محمد غبار. افغانستان به یک نظر. ص ۴؛ نجیب الله توروایانا سترابون و آریانا و همچنان نقشه آریانا در جلد اول آریانا دایرة المعارف مقابل صفحه ۴۵) است



و کتاب اوستا بدان نوشته شده است میان زمان تألیف قدیم‌ترین بخش اوستا یعنی گاتها تا زمان تدوین و به نگارش در آمدن مجموعه اوستا، احتمالاً در سده چهارم میلادی قرن‌ها فاصله است و در این مدت این کتاب سینه به سینه حفظ شده

است. هیچ یک از زبانهای بعدی را نمیتوان دنباله مستقیم و تحول یافته زبان اوستایی دانست (زاله آموزگار و احمد فضل‌ی. زبان پهلوی ادبیات و دستور آن ۱۳۸۲، ص. ۱۲؛ دکتر محسن ابوالقاسمی. تاریخ زبان فارسی انتشارات (سمت) ۱۳۸۰، ص ۱۲۵ و همچنان از همین مؤلف زبان فارسی و سرگذشت آن انتشارات هرمند تهران ۱۳۸۲، ص. ۱۶؛ ایران کلباسی. فارسی ایران و تاجکستان (یک بررسی مقابله‌ای، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی) تهران، ۱۳۷۴، ص. ۱۳).

۳. همچنین در جدول فوق پارتی شرقی (پهلوی اشکانی) و پارتی غربی (پهلوی ساسانی) از هم جدا نشان داده شده است، ولی طوری که قبلاً نیز اشاره گردید این اصطلاحات در پژوهشهای دانشمندان جهان به نظر نرسیده است و تا اکنون فقط یک زبان پارتی شناخته شده که پهلوی اشکانی نامیده میشود و به گروپ شمال غرب تعلق دارد، مگر زبان پهلوی ساسانی که فارسی میانه نیز نامیده میشود به گروپ جنوب غرب تعلق دارد و بعد از زبان پارتی زبان رسمی دولت ساسانیان بود. دانشمندان متفقاً در مورد زبان پارتی چنین گفته‌اند: زبان پارتی که به نامهای پهلوی (pahlawi)، پهلوانیگ (pahlawanig) و پهلوی اشکانی نیز خوانده میشود از زبانهای ایرانی میانه (شاخه شمال غربی) است. زبانهای ایرانی میانه اصطلاحاً به زبانهایی گفته میشود که پس از سقوط هخامنشیان (۳۳۰ ق.م.) در آریانا رایج بود و در واقع گونه‌های تحول یافته زبانهای ایرانی باستان محسوب میشد. از صورت باستانی زبان پارتی اثری به دست نیامده است. کهن‌ترین آثار موجود به زبان پارتی متعلق به سده نخست پیش از میلاد است. این زبان تا حدود سده‌های چهارم و ششم میلادی زنده بود و سپس به تدریج رو به خاموشی نهاد (حسن رضایی باغ‌بیدی. دستور زبان پارسی (پهلوی اشکانی)، تهران ۱۳۸۱، ص. ۱۴؛ مهری باقری. تاریخ زبان فارسی، نشر قطره، تهران، ۱۳۸۱، ص. ۸۲؛ دکتر محسن ابوالقاسمی. تاریخ زبان فارسی انتشارات (سمت) ۱۳۸۰، ص ۱۳۱؛ ایران کلباسی. فارسی ایران و تاجکستان (یک بررسی مقابله‌ای، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی) تهران ۱۳۷۴، ص. ۱۸).

۴. در صفحه ۷۶ اثر موصوف زبان کوشانی ( بلخی یا باختری) ادامه زبان پارتی و مادر زبان دری تعریف شده است که این هم به دلایل ذیل قابل پذیرش نیست: زبان باختری متعلق به گروپ شمال شرقی زبانهای میانه آریانی است. اندری ماریک (*A. Mariicq*)، ایمل بنوئیست (*Beneveniste*)، مارگنستیرن (*G. Morgenstierne*)، هنگ (*W. B. Henning*)، گرشویچ (*Gershevitch*)، لیوشیچ (*Livshitz*)، ستبلین کامنسکی (*Stiblin - Kaminski*)، هرματα (*Harmatta*)، نیکولاس سمیز ویلیامز (*Nicolas Sims-Williams*)، هومباخ (*Hombach*) و خلیل الله اورمی نویسنده مقاله زبان باختری برای آریانا دایرةالمعارف دور دوم بعد از تحلیل و ترجمه کتیبه‌های زبان باختری به دستورهای مختصر تاریخی آن پرداختند و همه به یک نظر موافق موقف زبان باختری را در سیستم زبانهای آریانی طور ذیل تعیین و مشخص نمودند: « زبان این کتیبه یکی از زبانهای آریانی شرقی بین پشتو و یدغا - منجی از یک سو و سغدی و خوارزمی و پارتی از سوی دیگر است » (آرانسکی. زبانهای ایرانی، ترجمه علی اشرف صادقی، تهران، ۱۳۷۸، ص. ۹۹؛ *Henning W. B. The Bactrian inscription, BSOAS*, ۲۳, ۱۹۶۰, pp. ۴۷-۵۵؛ *Sims Williams A note on Bactrian Phonology BSOAS*, ۴۸, ۱۹۸۵, pp. ۱۱۱-۱۱۶؛ *Morgenstierne G. Notes on Bactrian Phonology BSOAS*, ۳۳, ۱۹۷۰, pp. ۱۲۵-۱۳۱؛ *Nicolas Sims Williams A note on Bactrian Phonology BSOAS*, ۴۸, ۱۹۸۵ pp. ۱۱۱-۱۱۶؛ *Stiblin-Kamenski Baktriskii yazyk, in: osnovy iranskogo yazykozaniya, moskva*, ۱۹۸۲, pp. ۳۱۴-۳۴۶)

مگر این مأخذ در صفحه ۸۲ سطر اول، چاپ دوم، سال ۱۳۸۶ اثر موصوف طور ذیل تحریف شده است: «به قول ارانسکی بررسیهای مقدماتی نشان داده است که زبان کتیبه یکی از زبانهای ایرانی شرقی بوده از سویی مشابهت به سغدی، خوارزمی و پارتی دارد». و برای تأیید آن مأخذ دوم (ارانسکی. زبانهای ایرانی، ترجمه علی اشرف صادقی، تهران ص ۹۹ محسن ابوالقاسمی زبان فارسی و سرگذشت آن،

تهران نشر هیرمند، ۱۳۷۵، ص ۲۶) ذکر شده است، اما این کلمات در مأخذ ذکر شده دیده نمیشود.

جملات ذیل که در آنها تمام مسایل آواشناسی (phonetic) صرفی (morphology) و نحوی (syntactic) به وضاحت ارتباط جنیتیکی (نسبی) زبانهای باختری، منجانی، اشکاشمی و پشتو را که هم معنا و هم تلفظ اند نشان میدهند، جهت قضاوت خواننده گان ارائه میگردد. قابل ذکر است که بالای این مسأله از طرف نویسنده بیشتر از دو سال، تحقیق صورت گرفته است:

کلد مال اغد	}	باختری: kaldo malo ayado
کله ماله آغی « و قتیکه پیش من آمد»		منجانی: kəla mala āyəy
کادی مدک اغل		اشکاشمی: kadi madak oyal
کله ماله راغی		پشتو: kəla māla rāyay

طوری که ملاحظه میگردد صدای [d] در زبان اشکاشمی مانند زبان باختری تکامل خود را هنوز تا آخر نه پیموده است.

در «تاریخ تمدن آسیای مرکزی» که از طرف یونسکو به طبع رسیده است چنین آمده است: «قابل یادآوریست که خط و زبان باختری مدت‌ها بعد از عصر کوشان متداول بود و قطعات کوچکی از آثار نوشته شده باختری تا اکنون به دست آمده است. جدیدترین اثری که خط باختری بر آن نوشته شده است مربوط به اواخر قرن نوزدهم میلادی است که از درهٔ توچی (Tochi) در پاکستان به دست آمده است» (History of Civilization of Central Asia UNESCO Paris, ۱۹۹۲ ترجمهٔ فارسی آن تحت عنوان: تاریخ تمدنهای آسیای مرکزی کتاب از یونسکو بخش دوم از جلد دوم ۱۳۷۶ ص ۲۸۲. این اثر طرف وزارت امور خارجهٔ ایران در سال ۱۳۷۴-۱۳۷۶ در ۴ جلد مصور و با نقشه‌ها به چاپ رسیده).

در این جا سؤال پیدا میشود که اگر این معلومات واقعیت داشته باشد پس زبان دری

بعد از اواخر قرن نوزدهم میلادی به میان آمده است؟ و نظر به مأخذ ذکر شده چطور امکان دارد که زبان دری ادامهٔ زبان باختری باشد در صورتی که زبان باختری تا قرن نوزدهم میلادی زبان زنده بود. آیا زبان باختری ادامهٔ زبان پارسی شده میتواند؟ در صورتی که زبان پارسی متعلق به گروپ غربی و زبان باختری متعلق به گروپ شرقی زبانهای آریانی دورهٔ میانه است و هر دو زبان همزمان قابل تفهیم بود. طوری که در بالا ملاحظه گردید، اولین اثر زبان پارسی متعلق به سدهٔ نخست قبل از میلاد بوده و تا سدهٔ ششم زنده بود و اولین شاه کوشانی کوجولاکدفتیس در قرن اول میلادی در قدرت بود، زبان باختری در بین مردم رایج بود و در موجودیت زبان پارسی زبان باختری وجود داشت، پس منطقاً این سخن قابل پذیرش نیست که زبان باختری صورت تحول یافتهٔ زبان پارسی باشد و زبان باختری مادر زبان دری شده نمیتواند، زیرا نظر به مأخذ ذکر شده زبان باختری تا اواخر قرن نوزدهم میلادی زبان زنده بود و زبان دری حدوداً از اواسط قرن نهم میلادی (سوم هجری) با شعر درباری آغاز شده است. بنابر روایت تاریخ سیستان که معتبرترین منبع در این زمینه است و در بالا نیز ذکر آن رفته، نخستین اشعار فارسی در سال ۲۵۰ ق. (۸۶۵ م.) در دربار صفاریان (در سیستان) سروده شده و قدیمترین شاعر دری زبان، شاعری از ناحیهٔ هرات به نام حنظلهٔ بادغیسی بود.

معتبرترین نظریهٔ مطرح شده پیرامون پیدایش زبان دری: مسألهٔ تحقیق تاریخ و منشأ زبان دری ارتباط مستقیم با تحقیق تاریخ و منشأ زبان فارسی و تاجکی دارد، زیرا این سه زبان در اصل خود از ریشهٔ واحد فارسی کلاسیک که آن به نوبهٔ خود از فارسی میانه و فارسی میانه بازماندهٔ زبان فارسی باستان است، منشأ میگردد (Compendium Linguarum Iranicarum, ۱۹۸۹, p. ۲۶۳؛ ژاله آموزگار احمد تفضلی. زبان پهلوی ادبیات و دستور آن، تهران ۱۳۸۲، ص. ۱۴-۱۳؛ کورش صفوی. آشنایی با تاریخ زبان های ایرانی؛ پژواک کیوان ۱۳۸۵ صص. ۱۳۳، ۱۶۳، ۱۶۵؛ مهری باقری. تاریخ زبان فارسی، نشر قطره، تهران ۱۳۸۱

زمانی که ساسانیان به حکومت رسیدند، در آغاز زبان رسمی ساسانیان همانا زبان رسمی اشکانیان، یعنی پارتی میانه بود. با سقوط دولت اشکانیان، زبان پارتی میانه به زودی از میان نرفت و تا مدت‌ها نفوذ خود را در اجرای امور دولت‌داری حفظ کرده بود تا که زبان فارسی میانه از شرایط یک زبان محلی ناحیه فارس به زبان رسمی مبدل شد و ناچار در چنین شرایط بسیاری از واژه‌ها و عناصر زبان پارتی به زبان فارسی میانه راه یافت.

از قرن سوم میلادی به بعد زبان فارسی میانه در دو مسیر جداگانه به تحول و تکامل خود ادامه داد: یکی به عنوان زبان رسمی حکومت ساسانیان و دیگری در قالب مجموعه‌یی از لهجه‌های جغرافیایی این زبان در نواحی مختلف منطقه بود. این زبان در آخرین مرحله حکومت ساسانیان به نام زبان فارسی کلاسیک و یا فارسی-دری نامیده شده است. پس فارسی کلاسیک شکل تحول یافته زبان فارسی میانه دوران آغازین و میانی حکومت ساسانیان است. به این ترتیب میتوان ادعا کرد که فارسی کلاسیک در زمان ساسانیان به موازات فارسی میانه وجود داشته و در آخرین مرحله آن به کار میرفته است و نیز آن شکل از فارسی میانه که در متون دینی و غیر دینی اواخر عصر ساسانی در کتابت به کار میرفت به تدریج تا اواخر دوره ساسانی از کار برد روزمره افتاده و به زبان مرده مبدل شده است. این زبان که در اواخر دوره ساسانی و قرنهای نخستین هجری به تدریج رواج یافته بود، در عهد اسلامی نخستین بار در دربارها و شهرهای نواحی شرق آریانا برای سرودن شعر و نوشتن نثر به کار رفت. نخستین ظهور ادبی آن در شرق آریانا انجام گرفت و به همین سبب تحت تأثیر لغوی، آوایی، صرفی و نحوی لهجه‌های متداول شرقی درآمد.

در اوایل دوره اسلام در شرق آریانا (خراسان) حکومت سلسله طاهریان که بنیانگذارش طاهر بن حسین ملقب به ذوالیمینین بود به طاهریان معروف شد از سال



۲۰۶ - ۲۵۹ق. درین ناحیه برقرار ماند و زبان رسمی آن زبان دری بود.

همچنان یعقوب لیث صفار در سال ۲۵۴ق. در زرنج مرکز سیستان حکومت خود را تأسیس کرد که صفاریان نامیده میشدند و زبان دری را زبان رسمی دولت خود اعلان کرد.

در مراحل مختلف تاریخ از لحاظ کلمات تغییراتی در زبان دری وارد شده است. واژه های جدید ساخته شده و یا از زبانهای بیگانه وام گرفته شده است و یا برای مفاهیم جدید علمی، سیاسی، اجتماعی، اداری، فنی، فلسفی، عرفانی و دینی تغییر معنا داده است.

زبان دری از آغاز رواج خود تا دوره مغول کلمات عربی را پذیرفته است در مرحله دوم از واژه های مغولی و ترکی استفاده کرده و بعداً کلمات اروپایی در آن داخل شده است.

زبان دری در دوره شاهان غزنوی به هندوستان راه یافته، با تأسیس سلطنت مغول در آن کشور به اوج شکوفایی رسیده است و در دربار سلاطین هندوستان معمولاً به دری سخن میگفتند.

گر چه زاده هندم فروغ چشم من است

ز خاک پاک بخارا و کابل و تبریز

اگر چه هندی در عذوبت شکر است

طرز گفتار دری شیرینتر است

(علامه اقبال لاهوری)

راه های اساسی تکاملی و اول های زبان دری از زبان فارسی کلاسیک در نمایه ذیل نشان داده میشود:

i ī ē a ā u ū ō  
 | | | | | | | |  
 i ī ē a ā ō ū ũ

فارسی کلاسیک:

دری:

i ī ē a ā u ū ō  
 \ / | | | / \ |  
 i ê a ô u ũ

فارسی کلاسیک:

تاجکی:

i ī ē a ā u ū ō  
 | \ / | | | \ / |  
 e î ä å o û

فارسی کلاسیک:

فارسی معاصر:

واکه نویسی زبان دری در پژوهشهای تشریحی زبانشناسان داخلی و خارجی:

نویسنده و ترتیب - کننده واکه نویسی این مقاله دکتور خلیل الله اورمی	Paxalina ۱۹۶۳	Kisileva ۱۹۷۳ Kisileva, Mikolayčik ۱۹۷۸	Darafeeva ۱۹۶۰	روان فرهادی ۱۹۷۴
e	i	e	i	e
ī	ī	i	ī	i
ē	ē	ê	ě	ê
a	a	a	a	a
ā	ō	â	ā	â
o	u	o	u	o
ū	ũ	u	ū	u
ũ	û	ô	ō	ô

در زبان دری مصوت‌های ذیل وجود دارد:

الف مصوت‌های کشیده:  $\bar{a}$ ,  $\bar{u}$ ,  $\bar{e}$ ,  $\bar{i}$ ؛

ب مصوت‌های کوتاه:  $e$ ,  $a$ ,  $o$ .

الف ممدوده زبان دری  $\bar{a} = \bar{a}$ : در آغاز کلمه با گرافیم [آ] نوشته میشود؛ نظیر:

آتش  $\bar{a}$  taš، آب  $\bar{a}$  b farin، آفرین  $\bar{a}$  farin، اما در وسط و آخر کلمه با گرافیم [ا] نمایش داده میشود؛ نظیر: داد  $\bar{a}$  d d، سبزه  $\bar{a}$  h sey، پاک  $\bar{a}$  k p، پیدا  $\bar{a}$  payd، فدا  $\bar{a}$  fed، تاجکی  $\bar{a}$  ō، فارسی  $\bar{a}$ ، فارسی ک. و فارسی م.  $\bar{a}$ .

الف مقصوره زبان دری  $\underline{a} = a$ : در آغاز کلمه با گرافیم [ا] نوشته میشود؛ نظیر: ابر  $\bar{a}$  abr، انگشت  $\bar{a}$  angošt، اما در وسط کلمه بدون گرافیم نوشته میشود؛ نظیر: نبرد  $\bar{a}$  nabard، بر  $\bar{a}$  bar، سر  $\bar{a}$  sar، در  $\bar{a}$  dar و در آخر کلمه با گرافیم [ه] های هوز غیر ملفوظی نوشته میشود؛ نظیر: پیاله  $\bar{a}$  la py، خانه  $\bar{a}$  na x، آشفته  $\bar{a}$  softa، فارسی ک. و فارسی م.  $\bar{a}$ .

کسره زبان دری  $e$ : در آغاز کلمه با گرافیم [ا] الف مکسور نوشته میشود؛ نظیر: امروز  $\bar{e}$  emroz، اجازه  $\bar{e}$  za eg، اما در وسط بدون گرافیم کسره است. نظیر: گل  $\bar{e}$  gel، دل  $\bar{e}$  del، بهشت  $\bar{e}$  behešt، چهره، جگر و در آخر کلمه جز در موارد محدود به گرافیم [ه] آنها ماقبل مکسور تلفظ میشود؛ نظیر: که  $\bar{e}$  keh، چه  $\bar{e}$  čeh، خشت  $\bar{e}$  xešt.

ضمه زبان دری  $o$ : در آغاز کلمه با گرافیم [ا] الف مضموم نوشته میشود؛ نظیر: انس  $\bar{o}$  ons، آفت  $\bar{o}$  olfat، امید  $\bar{o}$  omed، اما در وسط کلمه بدون گرافیم ضمه است؛ نظیر: سُرخ  $\bar{o}$  sorx، خُشک  $\bar{o}$  xošk، دُم  $\bar{o}$  dom، شُتر  $\bar{o}$  šotor و در آخر کلمه به ندرت دیده میشود.

یای معروف زبان دری  $\bar{i}$ : در آغاز کلمه با الف مضموم در ماقبل خود نوشته

میشود؛ نظیر: ایستاده āstada، ضمیر بُعد قریب این ān، اما در وسط و آخر کلمه با گرافیم [ی] نوشته میشود؛ نظیر: همین hamīn، زمین zamīn، گرامی gr ā mī، کی kī، چی Āī، سی sī، سینه sīna، بیست bīst، بیم bīm، شیر šīr و شیر šīr (حلیب).

یای مجهول زبان دری ē : در آغاز کلمه با الف مکسور در ماقبل خود نوشته میشود؛ نظیر: ایشان ēš ā n، اما در وسط و آخر کلمه با گرافیم [ی] نوشته میشود؛ نظیر: شیر šēr (حیوان درنده)، مهر mēhr، پنیر panēr، شمشیر šamšēr.

واو معروف زبان دری ū : در آغاز کلمه به ندرت دیده میشود، در وسط و آخر کلمه به گرافیم [و] نمایش داده میشود؛ نظیر دور dūr، بوم būm، موش mūš، سود sūd، هندو Hindū، زرگون zargūn، اردو ordū.

واو مجهول زبان دری o : در آغاز کلمه با الف در ماقبل خود نوشته میشود؛ نظیر: استوار ostwār، استخوان ostx<sup>w</sup>ā n، استاد ostād، امید omed، اردو ordu، اما در وسط و آخر کلمه با گرافیم [و] نوشته میشود؛ نظیر: سبو sabo، کوه koh.

### نمایه ویژه گی‌های اول زبان دری به رویت پژوهشهای تاریخی زبانها:

عقبی		جلوی	حالت زبان حالت لب‌ها	کمیت صوت	از نگاه کشش‌الاشه
نا گرد	گرد	نا گرد			بالایی
	ū	ī	میانی	کوتاه	باز
	o	e			
	ũ	i	پایینی	دراز	
ā̄		a			

نمایه صامت‌های زبان فارسی کلاسیک (فارسی دری):

از نگاه کشش- الاشه	لیبی	جلو کامی	میان کامی	عقب کامی	ملازی	حلقومی
انسدادی	p, b	d, t		k, g		
انفی	m	n				
انسدادی سایشی		j̃, ç̃				
سایشی	f v	s, z [δ] *	y	x γ	h	
		š ž		x <sup>v</sup> (**)		
جانبی		l				
لرزشی		r				

(\*) [δ] گونه فونیم [d] است.

(\*\*) [x<sup>v</sup>] واو معدوله است که تنها در زبان دری و فارسی کلاسیک وجود

دارد.

نمایه صامت‌های زبانهای دری، تاجیکی و فارسی (بدون صداهای دخیل):

از نگاه کشش- الاشه	لیبی	لیبی- دندانی	جلو کامی	میان کامی	عقب کامی	ملازی	حلقومی
انسدادی	p, b		d, t		k, g		
انفی	m		n				
انسدادی سایشی			j̃, ç̃				

h	غ, x, خ [x̄ (**)]		y	s, z š ž	f, [v(*)]	w (*)	سایشی
				l			جانبی
				r			لرزشی

(\*) w تنها در زبان دری و v در زبان تاجیکی و فارسی است.

(\*\*) x̄ تنها در زبان دری است.

## پروسه تاریخی و اولهای زبانهای دری، تاجیکی و فارسی

### دری ā̄، تاجیکی ô̄، فارسی â̄، فارسی کلاسیک ā̄

دری ā̄، تاجیکی ô̄، فارسی â̄، فارسی کلاسیک ā̄ > آریانی \*ā̄:

• دری آفرین ā̄ farīn، تاجیکی ô̄ farin، فارسی â̄ fārīn، فارسی ک. āfarin

āfrin / āfrīn، فارسی م. āfarīn، اوستا - āfrīvana.

• دری آباد ā̄ b ā d، تاجیکی ô̄ b ô d، فارسی â̄ b ā d، فارسی ک. ābād >

فارسی م. ābād > «قدیمتر آن ābāt» > آریانی \*ā-pāta مقایسه شود اوستا pāta

صفت مفعولی ریشه -pā(y) «نگهداشتن پس انداز کردن، پاییدن».

• دری آزاد ā̄ z ā d، تاجیکی ô̄ z ô d، فارسی â̄ z ā d، فارسی ک.

āzād > فارسی م. āzād (قدیمتر آن āzāt) > آریانی \*ā - zāta، اوستا

.ā - zāta

• دری آوردن ā̄ wordan، تاجیکی ô̄ vardan، فارسی â̄ vordan، فارسی ک.

āvurdan / āvardan > فارسی م. āvurdan < \*a- bar-، فارسی ک.

ā + bar-، فارسی ب.

• دری استوار ostow ā̄ r، تاجیکی ostuvô̄ r، فارسی ostovār، فارسی ک.

ustuvār > فارسی م. ōstavār > آریانی ava - stā-، فارسی ب. ava-stā-

(Nyberg, ۱۴۵)

• دری استخوان  $\bar{a}n$   $ostox^w$ ، تاجکی  $ustuxôn$ ، فارسی  $ostoxân$  فارسی ک.  $ustuxvân$  > فارسی م.  $astuxvan$  > آریانی  $ast-$ ، مقایسه شود اوستا  $ast$  «استخوان».

• دری آتش  $\bar{a}teš$ ، تاجکی  $\bar{o}taš$ ، فارسی  $\bar{a}taš$ ، فارسی ک.  $\bar{a}taš$ ، فارسی م.  $\bar{a}tarš$   $\bar{a}taxš$  دخیل از اوستا، مقایسه شود اوستا  $\bar{a}tar$  صورت فاعلی مفرد  $\bar{a}tarš$ .

• دری آب  $\bar{a}b$ ، تاجکی  $\bar{o}b$ ، فارسی  $\bar{a}b$ ، فارسی ک.  $\bar{a}b$ ، فارسی م.  $\bar{a}b$  «قدیمتر آن» > آریانی  $ap^*$  فارسی ب.  $\bar{a}pi$ .

• دری امبار  $\bar{a}r$   $amb\bar{a}r$ ، تاجکی  $amb\bar{o}r$ ، فارسی  $\bar{a}mb\bar{a}r$ ، فارسی ک.  $amb\bar{a}r$  > فارسی م.  $hamb\bar{a}r$  از  $\sqrt{par}$  - +  $ham^*$ ، مقایسه شود اوستایی  $par$  «پُر کردن».

• دری و فارسی هُرمزد  $Hormozd$ ، تاجکی  $Hurmuzd$ ، فارسی ک. >  $\bar{O}hurmazd$ ،  $\bar{O}rmuzd$ ،  $Hurmuzd$ ، فارسی م.  $\bar{O}hurmazd$  > فارسی ب.  $Auramazd\bar{a}h$ .

• دری آرد  $\bar{a}rd$ ، تاجکی  $\bar{o}rd$ ، فارسی  $\bar{a}rd$ ، فارسی ک.  $\bar{A}rd$ ، فارسی م.  $\bar{A}rt$ ، آریانی  $\bar{a}rta^*$ ، مقایسه شود اوستا  $aša$  «میده شده».

• دری ایران  $Er\bar{a}n$ ، تاجکی  $\bar{E}r\bar{o}n$ ، فارسی معاصر  $Ir\bar{a}n$ ، فارسی ک.  $\bar{E}r\bar{a}n$  > فارسی م.  $\bar{E}r\bar{a}n$  > آریانی  $\bar{a}ry\bar{a}n\bar{a}m^*$  از ریشه  $\bar{a}rya-$ ، فارسی ب.  $\bar{a}riya-$ ، اوستا  $\bar{a}riya-$ .

• دری انجام  $\bar{a}n\bar{j}\bar{a}m$ ، تاجکی  $\bar{a}n\bar{j}\bar{o}m$ ، فارسی  $\bar{a}n\bar{j}\bar{a}m$ ، فارسی ک.  $\bar{a}n\bar{j}\bar{a}m$ ، فارسی م.  $\bar{a}n\bar{j}\bar{a}m$  <  $\bar{a}n\bar{j}\bar{a}m$  +  $\bar{h}am-$  از ریشه  $\sqrt{gam}$  فارسی ب.  $gam$  ماده زمان حال آن  $\bar{a}m\bar{j}$  «آمدن» با پیشوند  $\bar{h}ama$  مقایسه شود اوستا  $gam$ .

• دری، تاجکی، فارسی ک. افسر *afsar*، فارسی *äfsär* > \**apsar* > \**api-sarah* > آریانی \**upa-sarah* مقایسه شود اوستا *sarah* «کله، سر» (Nyberg, ۱۹۷۴، ۲۷).

• دری افزای *afzā y*، تاجکی *afzōy*، فارسی *äfzāy*، فارسی ک. *afzāy* در کتیه های قدیمی آن *afzāy*، فارسی م. *afzāy* [afzāy]، فارسی ب. *abi-jāvaya*.  
 • دری آسمان *ā sm ā n*، تاجکی *ōsmōn*، فارسی *āsmān*، فارسی ک. *āsmān* فارسی م. *āsmān* فارسی ب. *asman* > آریانی \**asman* مقایسه شود اوستا *asman*.

• دری آواز *ā w ā z*، تاجکی *ōvōz*، فارسی *āvāz*، فارسی ک. *āwāz*، فارسی م. *āvāz*، «قدیمتر آن *āvāč*» > آریانی *vac* - :  $\sqrt{vak}$  - +  $\bar{a}$  مقایسه شود اوستا *vak* «گفتن»، بایشوند *a/* «صدا کردن».

• دری *ā*، تاجکی *ō*، فارسی *ā*، فارسی کلاسیک *ā* در ترکیب صداهای ذیل آریانی بدون تغییر است:

• دری *ā*، تاجکی *ō*، فارسی *ā*، فارسی کلاسیک *ā*، فارسی میانه *ā*، آریانی \**ā* :  
 • دری ستاره *set ā ra*، تاجکی *sitōra*، فارسی *setāra*، فارسی ک. *sitāra*، فارسی م. *stārak / stārag* > آریانی \**stāraka*، مقایسه شود اوستا *star* «ستاره».

• دری داد *d ā d*، تاجکی *dōd*، فارسی *dād*، فارسی ک. *dād* فارسی م. *dāt / dād* «قانون».

الف در ترکیب صداهای *āva* و \**āvi* آریانی:

• دری پولاد *pūl ā d*، تاجکی *pūlōd*، فارسی *pūlād*، فارسی ک. *pōlād*، فارسی م. *pōlāvat / pōlāvad*.



• دری پاک pāk، تاجکی pōk، فارسی pāk، فارسی ک. Pāk، فارسی م. > pāk آریانی pāvaka مقایسه شود سانسکریت pāvaka.

• دری سرای sarā(y)، تاجکی sarō(y)، فارسی sarā(y)، فارسی م. srāy > آریانی \*srāvaya، فعل «سراییدن» فارسی ک. sarā(y)، فارسی م. srāy > آریانی \*srāvaya، اوستا srāvaya از ریشه srav- «شنیدن»

• دری سیاه seyāh، تاجکی siyôh، فارسی siyâh، فارسی ک. siyâh، فارسی م. siyâ > آریانی \*sayāva مقایسه شود اوستا sayāva، سانسکریت śyśva «سیاه».

• دری شاه šāh، تاجکی šôh، فارسی šâh، فارسی ک. šâh، فارسی م. šâh > xšāyaθiya، فارسی ب.

• دری برنا barnā، تاجکی barnô، فارسی bornâ، فارسی ک. barnā / burnā، فارسی م. aburnay / apurnāy > آریانی \*a - p r nāyav، مقایسه شود اوستا apərənāyav «نا بالغ، صغیر».

ب در ترکیب صدا های \*avā آریانی:

• دری باد bād، تاجکی bôd، فارسی bād، فارسی ک. bād، فارسی م. Bād «بگذار که باشد»

دری ā، تاجکی ô، فارسی â، فارسی ک. ā > آریانی \*a طور ذیل:

• دری تار(رشمه) tār، تاجکی tôr، فارسی tār، فارسی ک. tār > آریانی tanθra- \*مقایسه شود اوستا tθra، سانسکریت tantra.

• دری تار(تاریک) tār، تاجکی tôr، فارسی tār، فارسی ک. tār، مقایسه شود اوستا tθrya، tθra.

• دری هزار hazār، تاجکی hazôr، فارسی hâzâr، فارسی ک. hazār، فارسی

- م. hazar > آریانی hazahra \*مقایسه شود اوستا hazarja.
- دری ماهی mā ā hī ، تاجکی mōhi ، فارسی māhi ، فارسی ک. māhī . فارسی م. māhīg / māhīk > آریانی -masya-ka \*مقایسه شود اوستا-masya ، سانسکریت -matsya .
- دری سال s ā l ، تاجکی sōl ، فارسی sāl ، فارسی ک. sāl ، فارسی م. sāl > آریانی -sard\* ، اوستا sarəd ، فارسی ب. θard ، سانسکریت śarad .
- دری سالار s ā l ā r ، تاجکی sōlōr ، فارسی sālār ، فارسی ک. sālār ، آریانی sara-dāra \*داکتر معین ریشه این واژه را به سردار ارتباط میدهد (برهان قاطع ۱۰۷۳).
- دری بالشت b ā lešt ، تاجکی bōleš ، فارسی bāleš > آریانی barziš\* ، اوستا barziš > اوستا barəziš ، سانسکریت barhiś «تکیه، بالشت».
- دری پانزده p ā nzdah ، تاجکی pōnzdah ، فارسی pānzdah ، فارسی ک. pānzdah (۱۵) > آریانی panča-dasa\* ، مقایسه شود اوستا panča-dasa ، دری آن ā n ، تاجکی ōn ، فارسی ān ، فارسی ک. ān مقایسه شود اوستا ana-
- دری پار p ā r در واژه p ā rs ā l ، تاجکی pōr ، فارسی pār ، فارسی ک. pār ، فارسی ب. paranam مقایسه شود اوستا para سانسکریت para «سابقه، پیش».
- دری خواهر x v ā r / x v ā har ، تاجکی xōhar ، فارسی xāhar ، فارسی ک. xvāhar ، فارسی ب. (h)uvāharam\* > ، آریانی xvahār ، سانسکریت savsaram ، اوستا xvanharəm .
- دری بهار bah ā r ، تاجکی bahōr ، فارسی bahār ، فارسی ک. bahār ،

فارسی ب. vāhara «موسم بهار» در ترکیب واژه θuravāhara سانسکریت  
vāsara «روشن، جلایش دار».

دری a، تاجکی a، فارسی ä، فارسی کلاسیک a

دری a، تاجکی a، فارسی ä، فارسی کلاسیک a > آریانی \*a:

• دری، تاجکی، فارسی ک. است ast، فارسی äst «او است». فارسی ب.  
astiy- > آریانی \*asti.

• دری افگن afgan، تاجکی afkan، فارسی äfkän، فارسی ک. afgan و در  
کتیبه‌های قدیمی aβgan / avgan / augan (Lazard, ۱۹۶۳, ۱۷۸) فارسی م.  
[aβgan] abgan > آریانی \*apa+\*√kan- فرس باستان-2 kan «انداختن»  
(Kent ۱۹۵۳, ۱۷۸).

• دری اسپ asp، تاجکی و فارسی ک. asp، فارسی äsp/äsb > فارسی م. >  
asp فارسی ب. aspa/asa در ترکیب uvaspa «دارای اسپ‌های بهترین» مقایسه  
شود در پشتو ās, aspa، اوستا aspa، اورمهری yāsp.

• دری، تاجکی و فارسی ک. رنگ rang، فارسی räng، فارسی م. rang >  
آریانی \*ranga-، سانسکریت raṅga.

• دری بازرگان bāzargān، فارسی bāzargān، فارسی bāzargān، فارسی  
ک. bāzargān/bāzargān، فارسی م. vāčar «بازار».

• دری ماه mah / māh، تاجکی mah / mōh، فارسی māh، فارسی ک.  
mah / māh فارسی م. māh، آریانی \*māh-، فرس باستان. māh مقایسه شود  
اوستا māh.

• دری و فارسی ک. نبرد nabard، فارسی nābārd، فارسی م. nibard  
nupart > آریانی \*ni-+\*√part- مقایسه شود اوستا parət-.

• دری فرمان farmān، تاجکی farmōn، فارسی fārmān، فارسی ک.

farmān، فارسی م. framān، فارسی ب. framānā.

- دری آفرین  $\bar{a}$ farīn، تاجکی ôfarin، فارسی âfārin، فارسی ک. āfarin/āfrin، فارسی م. āfarīn، اوستا – āfrīvana
- دری و فارسی ک. نفرین  $\bar{n}$ afrīn، تاجکی nafrin، فارسی nāfrīn / nefrīn، فارسی م. nifrīn، آریانی \*ni-frīna مقایسه شود اوستا -frīn-:frīna ماده زمان حال فعل √frāy-
- دری نوا  $\bar{n}$ avā، تاجکی navô، فارسی nāvâ، فارسی ک. navā، فارسی م. nivāg / nivāk، آریانی \*ni-+\*√vāk- مقایسه شود اوستا -vak-:vač- «گفتن».

- دری، تاجکی، فارسی کلاسیک a فارسی a، فارسی میانه u آریانی \*u :
- دری جوان  $\bar{j}$ awān، تاجکی  $\bar{j}$ avôn، فارسی  $\bar{j}$ ävân، فارسی ک.  $\bar{j}$ āvān، فارسی م. yuvān، آریانی \*yuvān، مقایسه شود اوستا -yvan-: yūn-، سانسکریت yūn-: yuvan «جوان».
  - دری بر  $\bar{b}$ ar، تاجکی bar، فارسی bār، فارسی ک. abar/bar، فارسی م. apar / abar، فارسی ب. upariy >، آریانی \*upari، مقایسه شود اوستا upairi.

- دری، تاجکی و فارسی کلاسیک a، فارسی ā، فارسی میانه u و i از \*r آریانی:
- دری، تاجکی، فارسی ک. پلنگ palang، فارسی pälāng، فارسی م. palang، پشتو pṛāng، سانسکریت pṛdāku.
  - دری، تاجکی تشنه tašna، فارسی ک. tašna/tišna، فارسی tešne، فارسی م. tišnag > آریانی \*tršnaka.
  - دری سفید safēd، تاجکی safēd، فارسی sefid، فارسی ک. sapēd /

- sa $\bar{f}$ ēda فارسی م. > spāeta آریانی \*spaita، اوستا .spaēta
- دری سرای sarāy، تاجکی sarōy، فارسی sārāy، فارسی ک. sarāy، فارسی م. > srāda آریانی \*srāda.
- دری فرمان farmān، تاجکی farmōn، فارسی fārmān، فارسی ک. fārmān.
- فارسی م. framān، فارسی ب. framānā.
- دری دریا daryā، تاجکی daryō، فارسی dāryā، فارسی ک. daryā، فارسی م. drayā(b)/ drayāp.
- دری aw، تاجکی av، فارسی ou، فارسی کلاسیک o، فارسی میانه o:
- دری روشن rowšan، تاجکی ravšan، فارسی raušān، فارسی ک. rōšan، فارسی م. > rōšn آریانی \*rauxšna، اوستا -raoxšna.
- دری روغن rowyan، تاجکی ravyan، فارسی rauyān، فارسی ک. Rōyan، فارسی م. > rōyn آریانی \*rauyna، مقایسه شود اوستا -raoyana.
- دری سوگند sawgand، تاجکی savgand، فارسی sougānd، فارسی ک. sōgand، فارسی م. sōgand / sōkand مقایسه شود اوستا saokəntavant.
- دری ابر abr، تاجکی abr، فارسی äbr، فارسی ک. > abr، فارسی م. > abr آریانی \*abra مقایسه شود اوستا awra، اورمیری yewer.
- دری انگشت angōšt، تاجکی angušt، فارسی ängošt، فارسی ک. angušt، فارسی م. angušta، آریانی \*angušta، اوستا angušta.
- دری، تاجکی، فارسی ک. sar، فارسی sār، فارسی م. > sar آریانی \*sarah، مقایسه شود اوستا -sarah، «سر».
- دری امروز imrūz، تاجکی imrūz، فارسی emr ū z، فارسی ک. imrōz، فارسی م. Ima (< ima-) + rōz (< rauča) مقایسه شود اوستا ima، فارسی ب. Ima.

- دری ایزد izad، تاجکی *izad*، فارسی *îzād* > آریانی \*yazad > \*yazata «اوستا yazata از ریشه  $\sqrt{yaz}$ ، « قابل ستایش».
- دری از az، تاجکی az، فارسی äz، فارسی ک. az، > فارسی م. az / قدیمتر آن hačā، فارسی ب. hačā > آریانی \*hačā\* مقایسه شود اوستا hačā، سانسکریت sacā.
- دری انجمن an jōman، تاجکی an jōman، فارسی an jōman  
فارسی ک. an jōman > فارسی م. han jōman > آریانی jōmana  
ham- \*مقایسه شود اوستا han-jōmana.
- دری ارزش arz-eš، تاجکی arz-eš، فارسی ärz-eš، فارسی ک. arz/ār  
ar، فارسی م. arz > آریانی ar jōh- \*مقایسه شود اوستا ar jōh.
- دری و فارسی کلاسیک *ī*، تاجکی *i*، فارسی *î*  
دری و فارسی کلاسیک *ī*، تاجکی *i*، فارسی *î* > آریانی *\*ī*:
- دری و فارسی ک. بیست bīst، تاجکی bist، فارسی bīst، فارسی م. vīst،  
پشتو vīst > آریانی vīsat\* مقایسه شود اوستا vīsaiti در ترکیب واژه  
vīsitivant «بیست مرتبه»
- دری و فارسی ک. بیم bīm، تاجکی bim، فارسی bīm، فارسی م. bīm >  
آریانی bīma\* مقایسه شود سانسکریت bhīma «ترس آور».
- دری، فارسی ک. شیر šīr، تاجکی šīr، فارسی šīr، فارسی م. šīr در واژه a-  
xšīrak «به معنای طفل از شیر جدا شود». > آریانی xšīra\*، سانسکریت k šīra  
«شیر».
- دری و فارسی کلاسیک *ī*، تاجکی *i*، فارسی *î* > فارسی میانه *ē* > آریانی *\*ai*  
دری، فارسی ک. زین zīn، تاجکی zin، فارسی zīn، فارسی م. Zēn.

آریانی zainu\* ، اوستا zaēnu «اسلحه»

• دری، فارسی ک. سینه sīna، تاجکی sina، فارسی Sīna، فارسی م. sēnag/

sēnak، آریانی \*sainaka ، اوستا saēni «برآمده گی، پندیده».

• دری، فارسی ک. نیم nīm، تاجکی nim، فارسی nīm > فارسی م. nēm.

آریانی \*naima، اوستا naēma «نصف، نیم».

دری و فارسی کلاسیک آ، تاجکی ī، فارسی î > آریانی ī.\*

• دری، فارسی ک. چیز čīz، تاجکی čiz، فارسی čīz، فارسی ب. čiščiy

«چیزی».

• دری، فارسی ک. پری parī، تاجکی pari، فارسی parī > فارسی

م. parīk/parīg مقایسه شود اوستا pairikā

دری و فارسی کلاسیک آ، تاجکی ī، فارسی î از ترکیب صدا های ذیل آریانی

تکامل نموده است:

الف- از ترکیب \*īva آریانی:

• دری دیر dabīr، تاجکی dabir، فارسی dabīr، فارسی ک. > dabīr/dibīr

فارسی م. dipīvar / dibīr > آریانی \*dipī - vara مقایسه شود فارسی ب.

dipī- «امضا».

• دری، فارسی ک. زی zī در واژه «زیستن»، تاجکی zī، فارسی zī > فارسی

م. zīvistan/zīstan «زنده گی کردن» مقایسه شود اوستا jīva ماده زمان حال فعل

gay، فارسی ب. -jiv.

• دری، فارسی ک. پیش pīh، فارسی pīh «چربو»، پشتو pəy «شیر» > آریانی

\*pīvah، مقایسه شود اوستا-pīvah.

ب- از ترکیب \*īya آریانی:

• دری، فارسی ک. دیگر dīgar، تاجکی digar، فارسی dīgar، فارسی م.

ditīkar / didīgar «دوم» > آریانی *dvitīya-kara* \*، مقایسه شود فارسی ب. *duvitīya* سانسکریت *dvitīya* «دوم».

ج - از ترکیب *\*ya* در اول و آخر واژه:

• دری ماهی *mā hī*، تاجکی *mōhi*، فارسی *māhī*، فارسی ک. *māhī*، فارسی م. > *māhik / māhīg* آریانی *masyaka* \* مقایسه شود اوستا *niasya*.

• دری تاریک *tārik*، فارسی *tārik*، تاجکی *tōrik*، فارسی ک. *tārik* > فارسی م. *tārik* > آریانی *tanθrya-ka* \* مقایسه شود اوستا *taθra*.

• دری و فارسی ک. کنیز *kaniz*، تاجکی *kaniz*، فارسی *kāniz*، فارسی م. > *kanik/kanīčak*، *kanīg/kanīzag*، آریانی *kanya-ka* \* «جوان» مقایسه شود سانسکریت *kāni śt ha* «نوجوان» اوستا *kanyā* -، *kainī* «دختر» و در سانسکریت *kanā-/kanyā* «دختر جوان» را گویند.

دری و فارسی کلاسیک *īr*، تاجکی *īr*، فارسی *īr* از ترکیب صدا های ذیل آریانی تکامل نموده است:

الف - از ترکیب صدا های *\*ry* و *\*r vy* آریانی:

• دری مردن، فارسی ک. *mīr*، تاجکی *mir*، فارسی *mīr* ماده زمان حال فعل «مردن»، فارسی م. *mir* > آریانی *\*m r ya* \*، مقایسه شود اوستا و فارسی ب. *mar* «مردن» ماده زمان حال آن *mirya* سانسکریت *mriya*.

ب - از ترکیب صدا های *\*r by* و *\*r vy* آریانی:

• دری و فارسی ک. پیر *pīr*، تاجکی *pir*، فارسی *pīr*، فارسی م. *pīr* آریانی *\*piry* > *\*privy*، آریک

• *p r vya* فارسی ب. *-parvya* < *paruviya* «در قدم اول».

• دری، فارسی ک. گیر *gīr* از مصدر «گرفتن»، تاجکی *gir*، فارسی *gīr*، فارسی



م. *gīr* > آریانی *\*gr̥ bya-* در اوستا *gərəbya* از ریشه *gr̥ b-* فارسی ب. و اوستا *grab-* «گرفتن».

• دری پذیر *pazīr*، از فعل پذیرفتن، تاجکی *pazir*، فارسی *pāzīr*، فارسی ک. *padīr* فارسی م. *padīr/ patīr*، آریانی *pati- gr̥ bya* از ریشه *gr̥ b-*.

ج- از ترکیب صدا های *\*iyr* آریانی:

• دری تیر *tīr*، تاجکی *tīr*، فارسی *tīr*، فارسی ک. *Tīr*، فارسی م. *tigr* > آریانی *tigra*، مقایسه شود اوستا *tiyra* (تیز) و *tiyri* (تیر) فارسی ب. *tigra* در ترکیب *tigra xauda*.

دری و فارسی *e*، تاجکی و فارسی کلاسیک *i*

دری و فارسی *e*، تاجکی و فارسی کلاسیک *i* از *\*i* آریانی تکامل نموده است: *xešt*، فارسی خشت، تاجکی، فارسی ک. *xišt*، فارسی م. > آریانی *\*išti*، فارسی ب. *išti*، مقایسه شود اوستا-*ištya*.

• دری امروز *emrūz*، تاجکی *emrūz*، فارسی *emrūz*، فارسی ک. *emrōz* صورت تکامل آن: *-im\** از *-ima\** آریانی + *rōz* - از *\*rauča\** آریانی مقایسه شود اوستا و فرس باستان *ima* «این».

• دری بستر *bestar*، تاجکی و فارسی ک. *bistar*، فارسی *bāstār*، فارسی م. *vistarg*، آریانی *\*vi-staraka* مقایسه شود اوستا *star* «هموار کردن».

• دری، تاجکی پدر *padar*، فارسی *pedār*، فارسی ک. *pidar*، فارسی م. *pitar/pidar*، آریانی *\*pitar\**، فارسی ب. *pitar*، اوستا *pitar*.

• دری چهره *čehra*، تاجکی *čêhra*، فارسی *čehre* فارسی ک. *čihr/čihra* > آریانی *čiθra-ka*، مقایسه شود اوستا *čiθra*.

• دری مهر *mehr*، تاجکی *mêhr*، فارسی *mehr*، فارسی ک. *mihr* فارسی م. *mihr* آریانی *\*miθra\** «مهر» اوستا و فارسی ب. *miθra* «قرار داد، موافقه».

دری و فارسی e، تاجکی و فارسی کلاسیک i از \*a آریانی تکامل نموده است:

• دری و فارسی بهشت *behešt*، تاجکی و فارسی ک. *bihīšt*، فارسی م. *Vahišt*، آریانی *\*vahišta*، مقایسه شود اوستا-*vahišta*.

• دری *پزشک* *pezešk*، تاجکی *pizišk*، فارسی *pezešk*، فارسی ک. *pizišk*،  
> فارسی میانه *bizišk* > آریانی *bišaz-ak* \*مقایسه شود اوستا *bišaz*، «تداوی کردن»

• دری میان *meyān*، تاجکی *miyōn*، فارسی *meyān*، فارسی ک. >  
*miyān* فارسی م. *miyān*، آریانی *\*madyāna*، مقایسه شود اوستا *maiḍyāna*.

• دری *بسیار* *besyār*، تاجکی *bisyōr*، فارسی *besyār*، فارسی ک. *bisyār*،  
فارسی م. *vasyār*، فارسی ب. *vasi-dāra* «بسیار».

• دری *jegar*، تاجکی فارسی ک. *ĵigar*، فارسی *ĵegār*، فارسی م. *jager* >  
آریانی *\*yakar* مقایسه شود اوستا *yākar*، سانسکریت *yakrt*.

• دری *گرامی* *gerāmī*، تاجکی *girōmi*، فارسی *gerāmi*، فارسی ک.  
*girāmī*، فارسی م. *garāmīg/garāmīk*.

• دری، فارسی ک. و تاجکی بنده *banda*، فارسی *bānda*، فارسی م. >  
*bandag / bandak* آریانی *\*banda-ka*، فارسی ب. *badaka*.

• دری *سایه* *sāya*، فارسی *sāya*، فارسی ک. *sāya*، تاجکی *sōya* > فارسی  
م. *sāyag* «قدیمتر آن *sāyak*» > آریانی *sāyaka* مقایسه شود اوستا *a-sāya* «بدون سایه»، اورمیری *syāka* «سایه»، سانسکریت *chāya* «سایه».

• دری *خانه* *xāna*، تاجکی *xōna*، فارسی *xāne*، فارسی ک. *xāna* فارسی  
م. *xānag/ xānak*.

• دری و تاجکی *به* *ba*، فارسی *be*، فارسی ک. *bad/ba*، فارسی م. *pad/pat*.

آریانی *\*pati* ، اوستا *paiti*، فارسی ب. *patiy*.

• دری، فارسی ک. و تاجکی هفده *hafdah*، فارسی *häfda*، آریانی *\*hafta*-  
*dasa*.

• دری سزا *szā*، فارسی ک. *szā*، تاجکی *sazo*، فارسی *säzā* / *sezā*،  
فارسی م. *szāk* / *sazag* > آریانی *\*sak*، سانسکریت *-sakh*.

دری و فارسی *e*، تاجکی و فارسی کلاسیک *i* از *\*e* که از آریانی تکامل  
نموده است:

• دری فرشته *ferešta*، تاجکی *farišta*، فارسی *ferešte*، فارسی ک.  
*firišta* / *firēšta*، فارسی م. *frēstag* / *frēstak* > آریانی *fraišta-ka* مقایسه  
شود اوستا *fraēšta*.

• دری زندان *zend ān*، تاجکی *zindōn*، فارسی *zendān*، فارسی ک.  
*Zindān*، فارسی م. *zēn-dān* > آریانی *\*zainu-dāna* مقایسه شود اوستا  
*zaēna* «اسلحه».

• دری مهمان *mehm ān* / *mēman*، تاجکی *mēmōn*، فارسی *mehmān*،  
فارسی ک. *mēhmān* / *mihmān*، فارسی م. *mēhmān* > آریانی  
*\*maiθman*، آریانی *\*mait*، مقایسه شود اوستا *maēt* «زنده گی کردن».

دری و فارسی *e*، تاجکی و فارسی کلاسیک *i*، فارسی میانه *e*، آریانی *\*ahya*:

• دری کی *ke*، تاجکی *ki*، فارسی *ke*، فارسی ک. *ki/kī*، فارسی م. *kē* > آریانی  
*\*kahya*، اوستا و فارسی ب. *ka* «کدام».

• دری چپ *če*، تاجکی *či*، فارسی *če*، فارسی ک. *či*، فارسی م. *čē* > *\*čahya*  
از ریشه *\*ka*، اوستا و فارسی ب. *ka*.

دری و فارسی *e*، تاجکی و فارسی کلاسیک *i*، آریانی *\*iva* < *\*ī*:

• دری زنده *zenda*، فارسی ک. تاجکی *zinda*، فارسی *zende*، فارسی م. >

zindag / zivandak آریانی \*jiva-na- مقایسه شود اوستا jiva ماده زمان حال فصل gay «زنده گی کردن».

• دری زنهار  $\bar{z}enh\bar{a}r$  تاجکی zinhor، فارسی zinhār، فارسی ك. zīnhār / zinhār، فارسی م. zinhār >، آریانی \*jīvana-hara مقایسه شود اوستا jiva- ماده زمان حال فعل «زنده گی کردن» و har اوستایی به معنای «نگهداشتن» [Nyberg ۱۹۷۴, p. ۲۳۱].

دری و فارسی e، تاجکی و فارسی کلاسیک i، آریانی \*r:

• دری و فارسی خرس xers، تاجکی xirs، فارسی ك. xirs، فارسی م. >xirs آریانی \*r̥ša, \*r̥ša- مقایسه شود اوستا arša، سانسکریت r̥kṣa.

• دری، فارسی کرم kerm، فارسی ك.، تاجکی krim، فارسی م. >krim آریانی \*krmi مقایسه شود اوستا kərəma، سانسکریت kṛmi «کرم».

دری و فارسی eš، تاجکی و فارسی کلاسیک iš، آریانی \*r̥š:

• دری کشور kešar، تاجکی و فارسی ك. kišvar، فارسی kešvār > فارسی م. kišvar > آریانی \*kr̥švar مقایسه شود اوستا karšvar «بخش جهان».

• دری، تاجکی و فارسی ك. tašna، فارسی tešne > فارسی م. > tišnag/tišnak آریانی tršna-k مقایسه شود اوستا taršna.

دری و فارسی el، تاجکی و فارسی کلاسیک il، آریانی \*r̥d, \*r̥d:

• دری، فارسی دل del، تاجکی dil، فارسی ك. dil >، فارسی م. dil > آریانی \*zərəd مقایسه شود اوستا zərəd.

• دری و فارسی hel، تاجکی و فارسی ك. hil، ماده زمان حال فصل hištan «ماندن»، فارسی م. hil (تکامل شمال غربی \*hr̥d) > آریانی \*hr̥z مقایسه شود اوستا harez ماده زمان حال فعل hərəz «ماندن، خالی کردن».

• دری گله *gela*، تاجکی *gila*، فارسی *gele*، فارسی ک. *gila*، فارسی میانه  
*gilak/gilak* (تکامل شمال غربی - \**gr d*) > آریانی *gr z*، مقایسه شود  
 اوستا *garəz*.

دری و فارسی کلاسیک *ē*، تاجکی *ê*، فارسی *î*

دری و فارسی کلاسیک *ē*، تاجکی *ê*، فارسی *î* از *ai*\* آریانی تکامل نموده است:

• دری سفید *safēd*، تاجکی *safêd*، فارسی *sefid*، فارسی ک. *sapēd* /

*safēd*، فارسی م. *spēd/spēt* > آریانی *\*spaita*، اوستا *spaēta*.

• دری و فارسی ک. *mēš* میش، تاجکی *mêš*، فارسی *mîš*، فارسی م. *mēš* >

آریانی *\*maiša* مقایسه شود اوستا *maēša* «گوسفند» *maeši* «میش».

• دری و فارسی ک. *rēš* ریش، تاجکی *rêš*، فارسی *rîš* «زخم»، فارسی م. *rēš* >

آریانی *\*raiša*، اوستایی *raēšah*، *raēša* «زخم».

• دری و فارسی ک. *dēv* دیو، تاجکی *dêv*، فارسی *dîv*، فارسی م. *dēv* >

آریانی *\*daiva* مقایسه شود اوستا *daēva*، فارسی ب. *daiva*.

دری و فارسی کلاسیک *ē*، تاجکی *ê*، فارسی *î* از ترکیب صدا های:

الف - *\*aya* آریانی:

• شناسه های شخصی افعال صورت جمع متکلم: دری و فارسی ک. *-ēm*

، تاجکی *-êṃ*، فارسی *-îm* فارسی م. *-ēm* > آریانی *\*-ya-mahi*.

• شناسه های شخصی افعال صورت جمع مخاطب: دری *-ēd*، تاجکی *-êd*،

فارسی *-îd*، فارسی ک. *-ēd*، *-ēḍ* > فارسی م. *-ēd* > آریانی *\*-aya-ta*.

• دری و فارسی ک. *mēx* میخ، تاجکی *mêx*، فارسی *mîx*، فارسی م. *mēx* >

آریانی *\*mayuxa* مقایسه شود

فارسی باستان *mayūxa* «دستگیر دروازه» سانسکریت *mayūka* «میخ چوبی که

در دروازه زده می شود».

- دری بیوه *bēwa*، تاجکی *bēva*، فارسی *bîva*، فارسی ک. *bēva* فارسی م. >  
 > *vēvag / vēvak* آریانی *\*vidavā-ka* مقایسه شود اوستا *vidāvā*، سانسکریت  
*.vidhavā*
- دری زیر *zēr*، تاجکی *zêr*، فارسی *zîr*، فارسی ک. *zēr*، فارسی م. *azēr* >  
 آریانی *\*hača+adarāt*.
- ب- *\*aiba < ēva* آریانی:  
 • دری و فارسی ک. نیک *nēk*، تاجکی *nêk*، فارسی *nîk*، فارسی م. *nēvak* >  
 آریانی *\*naibaka* مقایسه شود اوستا *naiba* «خوب».
- دری و فارسی ک. دیر *dēr*، تاجکی *dêr*، فارسی *dîr*، فارسی م. *dagr*، «دراز»  
 > آریانی *\*darga* مقایسه شود اوستا *darera / darəga*، فارسی ب. *darga*  
 اورمپی *drāy* «دراز، طویل».
- دری و فارسی ک. سیر *sēr*، تاجکی *sêr*، فارسی *sîr*، فارسی م. *sagr*.  
 • دری و فارسی ک. شیر *šēr*، تاجکی *šêr*، فارسی *šîr*، فارسی م. *šagr*.
- دری، فارسی کلاسیک *-ū* - تاجکی *-u* - فارسی *û* :  
 • دری و فارسی ک. دور *dūr*، تاجکی *dur*، فارسی *dûr*، فارسی م. *dūr* > آریانی  
*\*dū-ra* از ریشه *-dū* «تقسیم کردن، حصه کردن» مقایسه شود اوستا و فرس باستان  
*dūra* «دور».
- دری و فارسی ک. بوم *būm*، تاجکی *bum*، فارسی *bûm* «زمین»، فارسی م. >  
*būm* آریانی *\*būmi* مقایسه شود اوستا *būmi*، فارسی ب. *būmi*،  
 سانسکریت *bhumi*، اورمپی *boma* «زمین».
- دری، فارسی ک. موش *mūš*، تاجکی *muš*، فارسی *mūš*، فارسی م. *mūšk*  
 از ریشه *\*mūš* مقایسه شود در اوستا *mūš*، سانسکریت *muṣ*.
- دری جادو *ā dū*، تاجکی *ôdu*، فارسی *âdu*، فارسی ک. *ādū*،

فارسی م. *j̄ ādūg* «قدیمتر *j̄ ādūk*» > اریانی *yātu-ka*\* مقایسه شود در اوستا *yātu* «افسونگری، جادو، سحر»

• دری هندو *hendū*، تاجکی *hindu*، فارسی *hendû*، فارسی ک. *hindū*، فارسی م. *hindūg* «قدیمتر آن *hindūk*» > فارسی ب. *hindu* > اریانی *hindu-ka*\* از واژه *hindu* مقایسه شود اوستا *hindu*.

• دری پسار *pesar*، تاجکی *pisar*، فارسی *pesār*، فارسی ک. *pesār*، فارسی م. *pus/pusar/pisar* > فارسی م. *pus/pusar* > فارسی ب. *puça* > اریانی *puθra*\* مقایسه شود در اوستا *puθra*، سانسکریت *putra*.

• دری فرمود *farmūd*، تاجکی *farmud*، فارسی *fārmūd*، فارسی ک. > *farmūd* اریانی *fra-muta*\* از صفت مفعولی فعل *mā* √ به معنای «اندازه کردن» با پیشوند *fra-* مقایسه شود در اوستا و فارسی ب. صفت مفعولی ریشه *mā* که *māta* است.

• دری و فارسی ک. نمود *namūd*، تاجکی *namud*، فارسی *nāmūd* «دید» > اریانی *mā-* با پیشوند *ni-* به معنای «قابل دید»

دری **u** فارسی کلاسیک **-ō** - تاجکی **ū** فارسی **ū**:

• دری روز *ruz*، فارسی ک. *rōz*، تاجکی *rūz* فارسی *rūz*، فارسی م. *rōz* > / *rōč* اریانی *raučah*\*، فارسی ب. *raučah*، اوستا *raočah* «روشن»، اورمیری *ro ž*، پشتو *rwaj*.

• دری گوش *gūš*، تاجکی *gūš*، فارسی *gūš*، فارسی ک. *gōš* > فارسی ب. - *gauša*، اریانی *gauša*\* مقایسه شود اوستا *gaoša-*، اورمیری *goy*.

• دری بوی *buy*، تاجکی *būy*، فارسی *būy*، فارسی ک. *boy* > فارسی م. > اریانی *bauda*\* مقایسه شود اوستا *baoda* «بوی».

• دری و فارسی ک. او *ā*، تاجکی *ū*، فارسی *ū* «او»، فارسی م. *ōy*، فارسی ب.

avahya از ضمیر اشاره‌وی ava «این».

• دری فِرود forū, forūd, تاجکی furū, furūd, فارسی forū, forūd, «پائین»، فارسی ک. furō, furōd, > frōd فارسی ب. fravata «به پیش».

• دری زور zūr, تاجکی zūr, فارسی zūr, فارسی ک. zōr, فارسی م. zōr (تکامل جنوب غربی \*zavar و تکامل شمال غربی zāvar) مقایسه شود اوستا zāvar «قه» و «زور»

• دری پوست pūst, تاجکی pūst, فارسی pūst, فارسی ک. pōst فارسی م. pōst مقایسه شود فارسی ب. pavastā.

دری و فارسی 0, فارسی کلاسیک و تاجکی u

دری و فارسی 0, فارسی کلاسیک و تاجکی u از u\* آریانی تکامل نموده است:

• دری، تاجکی و فارسی ک. رنگ rang, فارسی rāng, فارسی م. > rang

آریانی -ranga\*, سانسکریت -raṅga.

• دری انجمن an j̄ oman, تاجکی an j̄ uman, فارسی م. an j̄ oman

فارسی ک. an j̄ uman, > فارسی م. han j̄ aman > آریانی j̄ amana

-ham\* مقایسه شود اوستا han- j̄ amana.

• دری سرخ، فارسی سرخ sorx, فارس ک. و تاجکی surx, فارسی م. > suxr

آریانی \*suxra مقایسه شود اوستا suxra.

• دری خشک xošk, تاجکی xušk, فارسی xošk, فارسی ک. xušk > فارسی

م. hušk > فارسی ب. hušk > آریانی huš-ka\*, مقایسه شود اوستا huška.

• دری استوار ostow ā r, تاجکی austuvōr, فارسی ostovār, فارسی ک.

ustuvār > فارسی م. ostavār > آریانی -stā- ava, فارسی ب.



(Nyberg, 1۴۵) ava-stā-

• دری استخوان  $\bar{a}n$  ostox<sup>w</sup>, تاجکی ustuxôn، فارسی ostoxân، فارسی  
ک. ustuxvân > فارسی م. astuxvan > آریانی -ast\* مقایسه شود اوستا ast  
«استخوان».

• دری و فارسی دُم dom، تاجکی و فارسی ک. dum > فارسی م. dum(b) >  
آریانی \*duma، اوستا duma، اورمیری dumb.

• دری هُنر honar، تاجکی و فارسی ک. hunar، فارسی honār > فارسی م. >  
hunar آریانی -hunara\*، اوستا -hunara.

• دری تو to، tu، تاجکی to، tu، فارسی to، tu، فارسی ک. to، tu > فارسی م. tō  
آریانی tava\*، اوستا tava «برای تو، از تو».

• دری و فارسی تُخم toxm، تاجکی و فارسی ک. tuxm، فارسی م. tōhm >  
آریانی \*tauxman یا اوستایی taoxman، فارسی ب. taumā.

• دری و فارسی تُنک tonok، فارسی ک. و تاجکی tunuk «لطیف، نرم، نازک»  
> فارسی م. tanuk > آریانی \*tanu «نازک».

• دری نخست naxost، تاجکی naxust، فارسی naxost / nāxost، فارسی  
ک. nuxust فارسی م. naxust.

• دری خنک xonok، فارسی xonäk / xonok، فارسی ک. و تاجکی  
xunuk، فارسی م. xunak.

• دری آوردن ā wordan، تاجکی ovardan، فارسی åvordän، فارسی  
ک. āvurdan / āvardan، فارسی م. āvurdan ماده زمان حال آن -avar که از  
-a-bar\* آریانی تکامل نموده است. دیده شود اوستا bar، فارسی ب. bar،  
سانسکریت -bhar.

• دری خورشید xoršaid، تاجکی xuršed، فارسی xoršid، فارسی ک. >

hvarə-xšaēta اوستا  $\bar{x}$  arxšed /xvaršet فارسی م.

• دری و فارسی خود xod، تاجکی xud، فارسی ک.  $\bar{x}$  od، فارسی م. xvat

$\bar{x}$  /ad مقایسه شود اوستا  $\bar{x}$  ato، اورمیری xoy.

• دری و فارسی خوش xoš، تاجکی xuš، فارسی ک.  $\bar{x}$  aš > فارسی م.  $\bar{x}$  as

اورمیری xoš، پشتو xwaš.

• دری و فارسی مرغ morγ، تاجکی و فارسی ک. mury، فارسی م. murv، >

آریانی \*m r ga، مقایسه شود اوستا mərəya، اورمیری morga.

• دری و فارسی پشت pošt، تاجکی و فارسی ک. pušt، فارسی م. pušt >

آریانی p r šti، اوستا paršti- / paršta-، سانسکریت p r š ti، پشتو pušt

«پشت به معنای سلسله نسبی».

• دری و فارسی گل gol، تاجکی، فارسی ک. gul، فارسی م. gul > آریانی

\*v r d- مقایسه شود اوستا varəda، از ریشه varəd «زرع».

• دری بلند boland، تاجکی baland، فارسی boländ، فارسی ک. buland،

فارسی م. buland (تکامل جنوب غربی b r dant) > آریانی r z -unt-

b مقایسه شود اوستا bərəzant «بلند».

• دری، گناه gon ā h، تاجکی، gunoh، فارسی gonāh، فارسی ک. gunāh،

> فارسی م. vīnah، > آریانی \*vi+nas مقایسه شود اوستا vi-nas «اجل

گرفته» > آریانی \*vīman مقایسه شود اوستا vi+man «فکر کردن».

## پروسه تاریخی کانسونانت‌ها

فونیم ب = b

فارسی b در حالات ذیل از فونیم های \*b, \*p, و \*v آریانی تکامل نموده است:

الف - ب = b > آریانی \*b در ابتدا کلمه قبل از مصوت و \*r :

• دری برادر  $\bar{b}er \bar{a} dar$ ، تاجکی  $\bar{b}ar \bar{o}dar$ ، فارسی  $\bar{b}ar \bar{a}d \bar{a}r$ ، فارسی  
 ک.  $\bar{b}ir \bar{a}dar$  /  $\bar{b}ar \bar{a}dar$  > فارسی م.  $\bar{b}r \bar{a}dar$  / قدیمتر آن  $\bar{b}r \bar{a}tar$  > آریانی  
 $\bar{b}r \bar{a}tar$ ، مقایسه شود اوستا و فرس باستان  $\bar{b}r \bar{a}tar$ .

• دری بند  $\bar{b}and$ ، تاجکی  $\bar{b}and$ ، فارسی  $\bar{b} \bar{a}nd$ ، فارسی ک.  $\bar{b}and$  > فارسی  
 م.  $\bar{b}and$ ، آریانی  $\bar{b}anda$ \* مقایسه شود اوستا- $\bar{b}anda$ .

ب- در گروپ صامت‌های  $\bar{b}r$ \* در بین کلمه:

• دری ابر  $\bar{a}br$ ، تاجکی  $\bar{a}br$ ، فارسی  $\bar{a}br$ ، فارسی ک.  $\bar{a}br$  > فارسی م.  $\bar{a}br$  >  
 آریانی  $\bar{a}bra$ \* مقایسه شود اوستا  $\bar{a}wra$ ، پشتو  $\bar{a}wra$ ، اورمړی  $\bar{a}ywor$ .

ج- در گروپ صامت‌های  $\bar{m}b$ \*:

• دری  $\bar{x}om$ ، تاجکی  $\bar{x}om/\bar{x}omb$ ، فارسی  $\bar{x}om/\bar{x}omb$ ، فارسی ک.  
 $\bar{x}umb$  > فارسی م.  $\bar{x}umb$  > آریانی  $\bar{x}umba$ \*، اوستا  $\bar{x}umba$  «ظرف»  
 $\bar{b}$  > آریانی  $\bar{p}$ \*:

بین دو مصوف، بعد از از مصوت و همچنان بعد از  $\bar{r}$ ،  $\bar{n}$  و  $\bar{m}$ \*:

• دری آباد  $\bar{a} \bar{b} \bar{a} d$ ، تاجکی  $\bar{o} \bar{b} \bar{o} d$ ، فارسی  $\bar{a} \bar{b} \bar{a} d$ ، فارسی ک.  $\bar{a} \bar{b} \bar{a} d$  >  
 فارسی م.  $\bar{a} \bar{b} \bar{a} d$  / قدیمتر آن  $\bar{a} \bar{b} \bar{a} t$  > آریانی  $\bar{a} \bar{p} \bar{a} t a$ \* مقایسه شود اوستا  $\bar{p} \bar{a} t a$   
 صفت مفعولی ریشه  $\sqrt{\bar{p} \bar{a} (y)}$  «نگهداشتن، پس انداز کردن».

• دری آب  $\bar{a} \bar{b}$ ، تاجکی  $\bar{o} \bar{b}$ ، فارسی  $\bar{a} \bar{b}$ ، فارسی ک.  $\bar{a} \bar{b}$  > فارسی م.  $\bar{a} \bar{b}$  /  
 قدیمتر آن  $\bar{a} \bar{p}$  > آریانی  $\bar{a} \bar{p}$ -\* اوستا  $\bar{a} \bar{p}$ ، فرس باستان.  $\bar{a} \bar{p} \bar{i}$ .

• دری، تاجکی و فارسی ک. چرب  $\bar{c} \bar{a} r \bar{b}$ ، فارسی  $\bar{c} \bar{a} r \bar{b}$ ، فارسی م.  $\bar{c} \bar{a} r \bar{b}$  /  
 قدیمتر آن  $\bar{c} \bar{a} r \bar{p}$  مقایسه شود سانسکریت  $\bar{s} \bar{a} r \bar{p} i$ .

• دری امبار  $\bar{a} \bar{m} \bar{b} \bar{a} r$ ، تاجکی  $\bar{a} \bar{m} \bar{b} \bar{o} r$ ، فارسی  $\bar{a} \bar{m} \bar{b} \bar{a} r$ ، فارسی ک.  $\bar{a} \bar{m} \bar{b} \bar{a} r$   
 فارسی م.  $\bar{h} \bar{a} \bar{m} \bar{b} \bar{a} r$  از  $\bar{h} \bar{a} \bar{m}$ -\* +  $\bar{p} \bar{a} r$ \* مقایسه شود اوستا  $\bar{p} \bar{a} r$  «پُر کردن».

$\bar{b}$  > آریانی  $\bar{v}$ \*: در ابتدا کلمه قبل از مصوت:

• دری برسینه *bar*، تاجکی *bar*، فارسی *bar*، فارسی ک. *bar* > فارسی م. *var* > آریانی *varah*، مقایسه شود در اوستا *varah* «سینه».

• دری برف *barf*، تاجکی *barf*، فارسی *bärf*، فارسی ک. *barf*، فارسی م. *vafr* > آریانی *vafra*\* مقایسه شود اوستا *vafra*، پشتو *wāwra*.

• دری بیست *bīst*، تاجکی *bīst*، فارسی *bīst*، فارسی ک. *bīst* > فارسی م. > *vīst* آریانی *vīsat*\* مقایسه شود پشتو *vīst*، اوستا *vīsaiti*.

در یک واژه *b* زبانهای متذکره از *p*\* آریانی تکامل نموده است:

• دری به *ba*، تاجکی *ba*، فارسی *ba*، فارسی ک. *ba/ba* به معنای «در، بالای» فارسی م. *pad* / قدیمتر آن *pat* > آریانی *pati*\* > فارسی ب. *patiy* مقایسه شود اوستا *paiti* «مقابل، در، بالای، به».

فونیم پ = **P**

فونیم **p** > آریانی **p**: در مواضع ذیل دیده شده است:

الف- در ابتدا کلمه قبل از مصوت:

• دری پشم *pašm*، تاجکی *pašm*، فارسی *pāšm*، فارسی ک. *pašm* > فارسی م. *paš-man*، مقایسه شود سانسکریت *pak ś man* «مو، پشم بز».

• دری پدر *padar*، تاجکی *padar*، فارسی *pedār*، فارسی ک. *pidar* > فارسی م. *pidar* / قدیمتر آن *pitār* > آریانی *pitār*\* > فارسی ب. *pitār*، مقایسه شود اوستا *pitār*.

• دری پس *pas*، تاجکی و فارسی ک. *pas*، فارسی *pās* > فارسی م. *pas* فارسی ب. *pasā* > آریانی *pas-*\* مقایسه شود اوستا *pasča* «بعدی عقبی بعداً».

ب- در ترکیب صداهای *sp*\* آریانی در ابتدای کلمه که در این صورت در زبانها- ی معاصر یک صدای پیش هشته *prothetic* بین *s* و *p* ظاهر میشود:

• دری سپاه  $sep \bar{a} h$ ، تاجکی sipôh، فارسی sepâh، فارسی ک. sipâh >  
 فارسی م. spâh، فارسی ب. spâda >، آریانی \*spâda مقایسه شود اوستا  
 spâda- spâda.

• دری اسپ asp، تاجکی و فارسی ک. asp، فارسی äsp/äsb > فارسی م. >  
 asp فارسی ب. asp/asa در ترکیب uvaspa «دارای اسپ‌های بهترین» مقایسه  
 شود پشتو ās, aspa, اوستا aspa, اورمیری yāsp.

• دری سپاس  $sep \bar{a} s$ ، تاجکی sipôš، فارسی sepâš، فارسی ک. sipâš >  
 فارسی م. spâš > آریانی \*spâš، مقایسه شود اوستا spas.  
 یگانه واژه‌یی که در آن P از \*b آریانی تکامل نموده است.

• دری پزیشک pezešk، تاجکی pizišk، فارسی pezešk، فارسی ک. pizišk،  
 > فارسی م. bizišk > آریانی \*bišaz-ak مقایسه شود اوستا bišaz، «تداوی  
 کردن».

فونیم ت = t

فونیم t > آریانی \*t :

الف- در ابتدای کلمه قبل از مصوت:

• دری، تاجکی و فارسی ک. تن tan، فارسی tăn، فارسی م. tan > فارسی ب. >  
 tanū آریانی \*tanū مقایسه شود اوستا tanū، سانسکریت tanu.

• دری تو to، تاجکی tu، فارسی to، فارسی ک. to، tu > فارسی م. tō >  
 آریانی tava، اوستا tava «برای تو، از تو».

• دری تیره tira، تاجکی tira، فارسی tîre، فارسی ک. tîra «تار، تاریک»  
 مقایسه شود اوستا taθrya «تیره، تاریک».

ب- در ترکیب صداهای \*xt, \*ft, \*st, \*št آریانی:

• دری، تاجکی، فارسی ک. است ast، فارسی äst «او) است». فارسی ب.

astiy- > اریانی asti\* .

• دری، تاجکی و فارسی ک. مست mast، فارسی mäst > فارسی م. mast > آریانی masta\* مقایسه شود اوستا masta صنف فاعلی -  $\sqrt{mad}$  «مست شدن، نیشه شدن».

• دری هشت hašt/ašt، تاجکی hašt، فارسی hašt، فارسی ک. hašt > فارسی م. hašt > آریانی ašta\*، مقایسه شود اوستا ašta، سانسکریت a.s / a .

• دری مشت mošt، تاجکی و فارسی ک. mušt، فارسی mošt، > فارسی م. mušt مقایسه شود اوستا mušti-masah «به اندازه مشت».

• دری بخت baxt، تاجکی baxt، فارسی bāxt، فارسی ک. baxt فارسی م. > baxt آریانی baxta مقایسه شود اوستا baxta «قضا و قدر».

• دری هفت (h)aft، تاجکی و فارسی ک. haft، فارسی häft > فارسی م. > haft آریانی hafta\* مقایسه شود اوستا hapta، سانسکریت sapta.

همچنان در ابتدای کلمه به وجود آمدن مصوت پیش هشته I یا e بین t و s:

• دری ستاره set ā ra، تاجکی sitōra، فارسی setāra، فارسی ک. sitāra > فارسی م. stārag / قدیمتر آن stārak > آریانی star-ka\* مقایسه شود اوستا star.

همچنان t\* آریانی در زبانهای متذکره به d تحول نموده است، مگر در چند واژه محدود تکامل t به t نیز دیده شده است:

• دری آتش ā / teš ā taš، تاجکی ōtaš، فارسی ātāš، فارسی ک. ātaš فارسی م. ātaxš. (دخیل از اوستا) مقایسه شود اوستا ātar مفرد صورت فاعلی ātarš.

فونیم ج =  $\bar{r}$ :

فونیم  $\bar{r}$  زبانهای متذکره از  $\bar{r}$ \* آریانی تکامل نموده است:

الف - بعد از n در متن مانوی فارسی میانه Z:

• دری انجام  $an \bar{j} \bar{a} m$ ، تاجکی  $an \bar{j} \hat{o} m$ ، فارسی  $an \bar{j} \hat{a} m$ ، فارسی ک.  $\bar{a}n \bar{j} \hat{a} m$ ،  
 $an \bar{j} \bar{a} m$ ، فارسی م.  $han \bar{j} \bar{a} m < ham- + \bar{j} ama$  از ریشه  $\sqrt{gam}^*$ ،  
 فارسی ب.  $gam$  ماده زمان حال آن  $\bar{j} \bar{a} ma$  با پیشوند  $hama$  مقایسه شود  
 اوستا  $gam$  «آمدن».

دری انجمن  $an \bar{j} oman$ ، تاجکی  $an \bar{j} uman$ ، فارسی  $\bar{a}n \bar{j} om\bar{a}n$ ، فارسی  
 ک.  $an \bar{j} uman$ ، فارسی م.  $han \bar{j} aman$ ، فارسی م. مانوی  $hanzaman$ .  
 مقایسه شود اوستا  $han- \bar{j} amana$ .

ب: در بین کلمه بعد از مصوت و  $r^*$ :

• دری باج  $b \bar{a} \bar{j}$ ، تاجکی  $b \hat{o} \bar{j}$ ، فارسی  $b \hat{a} \bar{j}$ ، فارسی ک.  $b \bar{a} \bar{j} / b \bar{a} z$  >  
 فارسی م.  $b \bar{a} \bar{j}$  > فارسی ب.  
 $b \bar{a} \bar{j} i$ .

• دری ارز  $ar z$  در واژه ارزش، فارسی  $\bar{a}r z$ ، فارسی ک.  $\bar{a}r \bar{j} / ar z$ ، فارسی م. >  
 ارزی آریانی  $*ar \bar{j} ah$  مقایسه شود اوستا  $ar \bar{j} ah$  «ارزش».

• دری فرجام  $far \bar{j} \bar{a} m$ ، تاجکی  $far \bar{j} \hat{o} m$ ، فارسی  $far \bar{j} \hat{a} m$ ، فارسی ک.  
 $far \bar{j} \bar{a} m$  فارسی م. > آریانی  $*fra- + *gam$  مقایسه شود اوستا  $gam$  «رفتن»  
 ماده زمان حال  $\bar{j} \bar{a} m$ ،  $\bar{j} am$ ،  $\bar{j} im$  -  $\bar{j} ama$ ،  $\bar{j} \bar{a} m$  زبانهای متذکره از  $\bar{j}$  آریانی تکامل  
 نموده است:

• دری پنچ  $pan \bar{j}$ ، تاجکی  $pan \bar{j}$ ، فارسی  $p \bar{a}n \bar{j}$ ، فارسی ک.  $pan \bar{j}$ ،  
 فارسی م.  $pan \bar{j}$  فارسی م. مانوی  $pan z$  > آریانی  $pan \bar{c}ha$  مقایسه شود اوستا  
 $pan \bar{c}ha$ ، سانسکریت  $pañ \bar{c}ha$  و در ترکیب با دها  $p \bar{a}n z da$  به قیاس زبانهای  
 جنوب غرب.

فونیم (ج =  $\bar{j}$ ) > آریانی  $y$  در ابتدای کلمه قبل از مصوت:

• دری جو aw  $\bar{j}$ ، تاجکی av  $\bar{j}$ ، فارسی au  $\bar{j}$ ، فارسی ak  $\bar{j}$  > فارسی am -  
>  $\bar{j}$  av

آریانی yava\* مقایسه شود اوستا yava «دانه های گیاهی، غله جات»

• دری am  $\bar{j}$ ، تاجکی om  $\bar{j}$ ، فارسی am  $\bar{j}$ ، فارسی ak  $\bar{j}$  >  
فارسی am  $\bar{j}$  / قدیمتر yām > آریانی yāma\* مقایسه شود اوستا yama.

• دری adu  $\bar{j}$ ، تاجکی odu  $\bar{j}$ ، فارسی adu  $\bar{j}$ ، فارسی ak  $\bar{j}$  >  
فارسی adu  $\bar{j}$  / قدیمتر ādūk  $\bar{j}$  > آریانی yātu-ka\* مقایسه شود اوستا  
yātu «افسونگری، جادو، سحر».

• دری awan  $\bar{j}$ ، تاجکی avôn  $\bar{j}$ ، فارسی avân  $\bar{j}$ ، فارسی ak  $\bar{j}$  >  
avân  $\bar{j}$  فارسی am  $\bar{j}$  / قدیمتر yuvân آن > آریانی yuvân\* مقایسه  
شود اوستا yun, yvan, yavān, سانسکریت yūn, yuvan.

• دری جای ay  $\bar{j}$ ، تاجکی ô(y)  $\bar{j}$ ، فارسی ây  $\bar{j}$ ، فارسی ak  $\bar{j}$  >  
فارسی ay  $\bar{j}$  / قدیمتر gyāk.

• دری an  $\bar{j}$ ، تاجکی ôn  $\bar{j}$ ، فارسی ân  $\bar{j}$ ، فارسی ak  $\bar{j}$  >  
فارسی an  $\bar{j}$  / آریانی viāna تنفس از ریشه an\* تنفس کردن، نفس کشیدن،  
سانسکریت vyāna «تنفس».

### فونیم چ = ċ:

تکامل ċ زبانهای متذکره از ċ\* آریانی اکثراً در ابتدای کلمه قبل از مصوت دیده  
میشود:

• دری ara  $\bar{c}$ ، تاجکی ôra  $\bar{c}$ ، فارسی âre  $\bar{c}$ ، فارسی ak  $\bar{c}$  > فارسی am  $\bar{c}$  >  
arag / قدیمتر āarak > آریانی āara-ka\* مقایسه شود اوستا āarā «چاره،  
وسيله».



- دری چرخ  $\check{c}arx$ ، تاجکی  $\check{c}arx$ ، فارسی  $\check{c}ärx$ ، فارسی ک.  $\check{c}arx$  > فارسی م.  $\check{c}axr$  > آریانی  $\check{c}axra$ \* مقایسه شود اوستا  $\check{c}axra$ .
- دری چشم  $\check{c}ešm/\check{c}ašm$ ، تاجکی  $\check{c}ašm$ ، فارسی  $\check{c}ešm$ ، فارسی ک.  $\check{c}ašm$ ، فارسی م.  $\check{c}ašm$  > آریانی  $\check{c}ašman$ \* مقایسه شود اوستا  $\check{c}ašman$ .
- دری هیج  $hēč$ ، تاجکی  $hêč/hič$ ، فارسی  $hič$ ، فارسی ک.  $heč$  فارسی م. >  $ēč$  آریانی  $aiwas-čit$ .\*
- دری بچه  $bača$ ، تاجکی  $bača$ ، فارسی  $bäče$ ، فارسی ک.  $bača$  > فارسی م.  $vaččag$  / قدیمتر آن  $vaččak$ .

### فونیم خ = x

فونیم خ  $x = h$  :

- الف - دری خشک  $xošk$ ، تاجکی  $xušk$ ، فارسی  $xošk$ ، فارسی ک.  $xušk$  > فارسی م.  $hušk$  > فارسی ب.  $hušk$  > آریانی  $huš-ka$ \*، مقایسه شود در اوستا  $huška$ .
- دری خوگ، خوگ  $xūk/g-xūk$ ، تاجکی و فارسی  $xuk$ ، فارسی ک. >  $xūk/xūg$  فارسی م.  $xuk$  > آریانی  $hū-ka$ ، مقایسه شود اوستا  $hū$  «خوک».
- دری خرم  $xorram$ ، تاجکی  $xurram$ ، فارسی  $xorram$ ، فارسی ک. >  $xurram$  فارسی م.  $hurar$  > آریانی  $hu-ram$ ، مقایسه شود اوستا  $ram$  «آرام بودن، استراحت کردن».

ب - x > آریانی  $k$  در وند  $ka$  :

- دری سولاخ، سوارخ  $sorāx / solāx$ ، تاجکی  $sūrōx$ ، فارسی  $sūrāx$ ، فارسی ک.  $sūrāx/sūlāx$ ، فارسی م.  $sūrak$  > آریانی  $sūra-ka$ \* مقایسه شود اوستا  $sūra$  «سوارخ»
- دری زنج  $zanax$ ، تاجکی  $zanax$ ، فارسی  $zänāx$ ، فارسی ک.  $zanax$

فارسی م. zanak.

افزایش x در ابتدای واژه های ذیل دیده شده است:

• دری و فارسی خرس xers، تاجکی و فارسی ک. xirs، فارسی م. xirs >  
آریانی r̥ša و \*arša\* مقایسه شود سانسکریت r̥ksa.

• دری خیشم xešm، تاجکی xašm، فارسی xešm، فارسی ک. xišm، فارسی م. xešm > آریانی aišma، مقایسه شود اوستا aēšma.

• دری خشت xešt، تاجکی xišt، فارسی xešt، فارسی ک. xišt > فارسی م. >  
xišt آریانی ištī، مقایسه شود اوستا ištya.

و او معدوله که با x یکجا می آید در زبان دری و فارسی کلاسیک باقی مانده است،  
اما در زبان تاجکی و فارسی به x تکامل نموده است.

x\* آریانی در ابتدای کلمه در زبان فارسی ک. و دری قبل از a و ā و ē باقی مانده  
است و در تکامل x<sup>v</sup>\* آریانی به x در زبان تاجکی مصوت a\* به ū یا u و در زبان  
دری و فارسی به o تبدیل می شود:

• دری خواهر xvāhar/xvā r̥، فارسی ک. xvāhar، تاجکی xōhar، فارسی  
xāhār > آریانی \*xvāhar مقایسه شود اوستا xvānhar.

• دری خواب xvā b، تاجکی xōb، فارسی xāb، فارسی ک. xvāb، فارسی م.  
xvāb / قدیمتر آن xvāp مقایسه شود اوستا -xvap «خواب»

• دری خوی xvēš/xēš، تاجکی xēš، فارسی xîš، فارسی ک. xvēš فارسی م.  
xēš، مقایسه شود اوستا -xvaēpaiθya.

• دری خود xod، تاجکی xud، فارسی xod، فارسی ک. xvað، فارسی م.  
xvad / قدیمتر آن xvāt > آریانی \*xvatah مقایسه شود اوستا xvātō،  
سانسکریت svata h «به اراده خود، به خواهش خود».

• دری خوردن xordan، تاجکی، xūrdan، فارسی xordān، فارسی ک.

xvardan فارسی م. xvardan / قدیمتر آن xvartan > آریانی  $\sqrt{x \text{ var-}}$  ، مقایسه شود اوستا xvar- «خوردن».

• دری خوش xoš، فارسی xoš، تاجکی xuš، فارسی ک. xvaš، فارسی م. xvaš.

همچنان xv\* در زبانهای متذکره به x نیز تکامل نموده است و a ماقبل آن در زبانهای فارسی ک. و تاجکی به /u/ و در زبانهای دری و فارسی به /o/ تکامل نموده است.

• دری پاسخ pāsox، تاجکی pōsux، فارسی pāsox، فارسی ک. pāsux، فارسی م. > passax x̄ آریانی pati-saxvan\*.

• دری سخن soxan، تاجکی suxan، فارسی soxān، فارسی ک. suxan، فارسی م. saxvan.

### فونیم د = d:

فونیم (د = d) در حالات ذیل فونیتیک از \*d, \*z, \*t آریانی تکامل نموده است. الف - d > آریانی d در ابتدای کلمه قبل از مصوت و قبل از \*r که در بین d و پیش هسته مصوت دیگر پیدا می شود:

• دری ده da(h)، تاجکی dah، فارسی dāh، فارسی ک. dah > فارسی م. > dah آریانی \*dasa مقایسه شود اوستا dasa.

• دری و فارسی دُم dom، فارسی ک. و تاجکی dum، فارسی م. dum > آریانی \*duma مقایسه شود اوستا duma.

• دری درخت daraxt، تاجکی daraxt، فارسی derāxt، فارسی ک. diraxt، فارسی م. draxt -> \*draxta، مقایسه شود اوستا draxta- «محکم به جایی استاده» از ریشه -drang «محکم، قایم».

• دری دروغ doruγ، تاجکی duruγ، فارسی dorûγ، فارسی ک. durōγ

فارسی ب. drauga > آریانی drauga\* مقایسه شود اوستا draoga-draoya «دروغ».

ب- بعد از صامت های \*z, \*z, \*n:

• دری هندو hendū, تاجکی hindu, فارسی hendû, فارسی ک. hindū, فارسی م. hindūg / قدیمتر آن hindūk) > فارسی ب Hindu > آریانی hindu-ka\* از واژه hindu-، مقایسه شود اوستا hindu.

• دری و فارسی دزد doz, تاجکی و فارسی ک. duzd > فارسی م. duz(d) مقایسه شود اوستا duž-dāy «دارای فکر بد».

• دری خُرسند xorsand, تاجکی xursand, فارسی xorsānd, فارسی ک. xorsand & آریانی x̄ arsenda \* x̄ مقایسه شود اوستا hvar «آفتاب» و sand «قابل دیدن»

• دری نزدیک nazdik, تاجکی nazdik, فارسی nazdik, فارسی ک. nazdik, nazdyō مقایسه شود اوستا nazdyō «نزدیک».

• دری و فارسی هُرمزد Hormozd, تاجکی Hurmuzd, فارسی ک. > Hurmuzd, Ōrmuzd, فارسی م. Ōhurmazd > فارسی ب. Auramazdāh. فونیم /d/ در ابتدا کلمه قبل از صامت در زبان های فارسی میانه و فرس باستان /d/ آریانی /d/\* و زبان اوستا /z/ و اندو اروپایی /g/\*:

• دری دان d ā n ماده زبان حال فعل دانستن، تاجکی dōn, فارسی dān, فارسی ک. dān, فارسی م. dān, > فارسی ب. dan آریانی zān\* مقایسه شود اوستا zan- «معلوم، معرفی بوده».

• دری داماد d ā m ā d, تاجکی dômôd, فارسی dāmâd, فارسی ک. dāmâd فارسی م. dāmād / قدیمتر آن dāmāt) > آریانی zāmātar\* مقایسه شود اوستا zāmātar «داماد»، پشتو zum.

• دری و فارسی دل del، فارسی ک. و تاجکی dil، فارسی م. del > آریانی r d -  
 Z \*مقایسه شود اوستا zərəd، پشتو زره Zrə.

فونیم d زبان های متذکره در بین در مصوت و بعد از مصوت و بعد از \*r, \*n از \*t آریانی تکامل نموده است:

• دری باد bād، تاجکی bōd، فارسی bād، فارسی ک. bād [bād]، فارسی م. vād / قدیمتر آن vāt > آریانی vāta \*مقایسه شود اوستا -vāta.

• دری مرد mard، تاجکی mard، فارسی mārđ، فارسی ک. mard، فارسی م. > آریانی marta \*مقایسه شود

در اوستا marəta «فنا شونده» از ریشه  $\sqrt{mar}$  «مردن».

• دری و تاجکی صد sad، فارسی sād، فارسی ک. sad [saδ]، فارسی م. sad / قدیمتر آن sat، > آریانی sata \*مقایسه شود اوستا -sata.

• دری آرد ārd، تاجکی ōrd، فارسی ārd، فارسی ک. ārd، فارسی م. > آریانی ārta \*مقایسه شود اوستا aša «میده شده».

• دری چند čand، تاجکی čand، فارسی čänd، فارسی ک. čand، فارسی م. čand مقایسه شود اوستا čvant «چقدر».

• دری در dar «پیشایند»، تاجکی dar، فارسی dār، فارسی ک. dar، dar، andar، فارسی م. andar «داخل»، فارسی ب. antar > آریانی \*antar مقایسه شود اوستا antarə «داخل، در بین».

فونیم r = r:

فونیم r = r > آریانی \*r:

• دری، تاجکی و فارسی ک. رنگ rang، فارسی rāng، فارسی م. rang > آریانی rang \*مقایسه شود سانسکریت rānga.

• دری نر nar، تاجکی، فارسی ک. nar، فارسی *nār*، فارسی م. nar > آریانی *\*nara* مقایسه شود اوستا nar «مرد»

• دری ران rān، تاجکی rōn، فارسی rān فارسی ک. rān، فارسی م. rān > آریانی *\*rāna* - مقایسه شود اوستا rāna.

• دری برادر ber ā dar، تاجکی barōdar، فارسی bārādār، فارسی ک. Barādar، فارسی م. brādar / قدیمتر آن brātar، فارسی ب. brātar > آریانی *\*brātar* مقایسه شود اوستا brātar.

• دری سرد sard، تاجکی و فارسی ک. sard، فارسی sārd، فارسی م. sard (قدیمتر sart) > آریانی *\*sarta*، مقایسه شود اوستا sarət.

باید یاد آور شد که در بعضی واژه ها r مشدد یعنی /rr/ از *\*rn* آریانی تکامل نموده است:

• دری دره dara، تاجکی dara، فارسی dāre/dārre، فارسی ک. darra/dara > آریانی *\*darna* مقایسه شود اوستا darəna «جای زنده گی، جای بود و باش».

• دری کر kar، فارسی ک. kar، تاجکی kar، فارسی kar، فارسی م. karr > آریانی *\*karma* مقایسه شود اوستا karena «کر».

r > آریانی *\*rv*:

• دری و فارسی ک.، تاجکی هر har، فارسی hār، فارسی م. har (v)، فارسی ب. haurva > آریانی harva- مقایسه شود اوستا haurva- «همه، هریک، همه-گان».

فونیم ز = z

فارسی کلاسیک، دری، تاجکی و فارسی در مواضع ذیل از *\*z̄, \*j̄, \*c̄* آریانی تکامل کرده است فارسی کلاسیک، دری، تاجکی و فارسی z > آریانی *\*c̄*:

• دری روز rūz، تاجکی rūz، فارسی rūz، فارسی ک rōz، فارسی م. Rōz /  
 قدیمتر آن rōč > فارسی ب. raučah > آریانی raučah\* مقایسه شود اوستا  
 raočah-، سانسکریت rocas.

• دری، فارسی ک. و تاجکی از az (از)، فارسی äz، فارسی م. az / قدیمتر آن  
 (hač) > فارسی ب hačā > آریانی hača\* مقایسه شود اوستا hačā.

• دری آواز ā w ā z، تاجکی ôvôz، فارسی âvâz، فارسی ک. āwāz،  
 فارسی م. āwāz، / قدیمتر آن āvāč > آریانی vāc- : vak- + ā- مقایسه  
 شود اوستا vak «گفتن»، پیشوند /ā/ «صدا کردن».

• دری پز paz، فارسی ک.، تاجکی paz، فارسی pāz، فارسی م. paz / قدیمتر  
 آن pac > pača- از ریشه pac- : pak- \* مقایسه شود اوستا pak «پختن»،  
 بریان کردن»، سانسکریت pača «پختن».

• دری پانزده pānzdah، تاجکی pōnzdah، فارسی panzdäh، فارسی ک.  
 pānzdah فارسی م. pānzdah، > آریانی panča-dasa مقایسه شود اوستا  
 pančadasa

فارسی کلاسیک، دری، تاجکی، فارسی z > آریانی j\* در ابتدای کلمه قبل از  
 مصوت:

• دری، فارسی ک. و تاجکی زن zan، فارسی zän، فارسی م. zan > آریانی  
 jani\* مقایسه شود اوستا janay، سانسکریت janay.

• دری، تاجکی و فارسی ک.، zan ماده زمان حال فعل زدن zadan، فارسی  
 zän، فارسی م. zan فارسی ب. jan > آریانی jan\* مقایسه شود در اوستا gan  
 ماده زمان حال آن jan «زدن لت کردن».

• دری زی zī(y)، تاجکی، فارسی zi(y)، فارسی ک. zī(y)، فارسی م. zīv، >

پارسی ب. - jīv- ماده زمان حال Jīva > آریانی Jīva\* مقایسه شود اوستا jīva  
ماده زمان حال فعل Jīv، سانسکریت jīva، پشتو ževēy ژوندی.

ب- بین دو مصوت و بعد از مصوت و بعد از \*r آریانی:

• دری دراز dar ā z، تاجکی darōz، فارسی dārāz/derāz، فارسی ک.  
dirāz، فارسی م. drāz > آریانی drāj- \*drāj مقایسه شود اوستا drājah «در طول،  
در دوام» و همچنان drājyo «به دوام آن، دور تر آن، بیشتر آن» صفت تفضلی  
drājištəm از- drajišta\* «درازترین».

• دری پیروز ferūz / perūz، تاجکی firūz، فارسی firūz/pirūz «فاتح»،  
فارسی ک. Pērōz، فارسی م. pērōz > آریانی pari- aujah\* مقایسه شود  
اوستا aojah «قوه، زور».

• دری ارزییدن arzīdan، تاجکی arzidan، فارسی ārzīdān، فارسی ک.  
arzīdan فارسی م. arzīdan از arj- : arg-√ آریانی مقایسه شود اوستا arəg  
ماده زمان حال آن arəja «قیمتی، با ارزش، قیمت بها».

/z/ بین دو مصوت و بعد از مصوت از /ž/ آریانی:

• دری تیز tēz تاجکی tēz، فارسی tīz، فارسی ک. tēz، فارسی م. tēz > آریانی  
taiža\* مقایسه شود اوستا brōiθrō taēža «با تیزی تیز» و همچنان در اوستا tiži  
«تیز»، tiži dātā «با دندان‌های تیز».

• دری دوزخ dūzax، تاجکی dūzax، فارسی dūzax، فارسی ک. dōzax.  
مقایسه شود اوستا daožahva «دوزخ».

• دری و فارسی mozd، تاجکی muzd، فارسی ک. muzd/mužd، فارسی م.  
mizd > آریانی mižda\*، مقایسه شود اوستا mižda.

• دری و فارسی دزد doz d، تاجکی duzd، فارسی ک. duzd، فارسی م. duzd  
> آریانی duždā\* مقایسه شود اوستا duž-dā(y) «دارنده فکر زشت و عزم



نادرست».

فونیم /z/ فارسی ک.، دری، فارسی، تاجکی از /z/ آریانی طور ذیل تکامل نموده است:

الف- در واژه های کم به نظر رسیده است: /z/ > آریانی /z/ اوستایی، میدی، فارسی ب. (z):

• دری نزد nazd، تاجکی و فارسی ک. nazd، فارسی näzd، دری نزدیک nazdik، تاجکی nazdik، فارسی näzdik، فارسی ک. nazdik، فارسی م. > nazd، nazdik آریانی -nazda\* مقایسه شود اوستا nazdyō، سانسکریت nēdīyas

• دری و فارسی ارمزد و هرمزد hormuzd/hormoz، تاجکی و فارسی ک. Hurmuzd فارسی م. Ohurmazd >> فارسی ب. Ahuramazdāh مقایسه شود در زبان اوستا Ahura Mazda (فرهنگ اوستا، ص. ۲۸۵) نام واژه اورمزی هم از همین واژه ترکیبی تکامل نموده است. واژه اورمزد در پهلوی از دو بخش ترکیب یافته است که بخش نخست آن: آریانی -ahura\*، اوستایی ahura، فارسی ب. ahura، سانسکریت asura به معنای «آقا، صاحب، خدا» و بخش دوم آن آریانی mazdāh\*، اوستایی mazdāh، فارسی ب. mazdāh، سانسکریت medhā به معنای «حکیم، خردمند، دانشور» است.

• دری، فارسی ک. و تاجکی مغز mayz، فارسی مغز mäyz، فارسی م. > mazg آریانی mazga\* مقایسه شود اوستا mazga. ب-فارسی ک.، دری، تاجکی و فارسی /z/ از z\* آریانی. در این صورت (اوستا و میدی z فرس باستان d):

• دری، تاجکی و فارسی ک. زر zar، فارسی zār > فارسی م. zarr، > فارسی ب. daraniya > آریانی zarna\* مقایسه شود اوستا zarənav «طلا»، zarənya

«طلایی».

• دری زمستان  $z̄emestān$ ، تاجکی  $zimistōn$ ، فارسی  $z̄emestān$  فارسی  
ک.  $zimistān$ ، فارسی م.  $zam$  و  $damistān$  > آریانی  $*(+stāna)zam$   
مقایسه شود در اوستا  $-zyam$ ،  $zim$  (زمستان) سانسکریت  $him$ .

• دری زمین  $z̄amīn$ ، تاجکی  $zamin$ ، فارسی  $zāmīn$ ، فارسی ک.  $zamī$ ،  
 $zāmīn$  فارسی م.  $zamīg$  / قدیمتر آن  $zamik$ ،  $damik$  > آریانی  $*zam$   
مقایسه شود اوستا  $zam$ .

ج- Z در زبان های متذکره قبل از /y/ آریانی:

• دری زیان  $z̄eyān$ ، تاجکی  $z̄iyōn$ ، فارسی  $zeyān$ ، فارسی ک.  $ziyān$ ،  
فارسی م.  $ziyān$  > فارسی ب.  $diyā$  > آریانی  $\sqrt{zyā}$  مقایسه شود  
اوستا-  $zyānā$ ،  $-zyānāy$ ،  $zyā$  «ضرر رساندن، نقص رساندن».

د- Z بین مصوت و بعد از مصوت بعد از  $*r$ :

• دری دیز  $dez$ ، تاجکی  $diz$ ، فارسی  $dez$ ، فارسی ک.  $diz$ ، فارسی م.  $diz$  >  
فارسی ب.  $didā$  «دیوار، احاطه» > آریانی  $daiza$ :-  $diz$ \* مقایسه شود  
اوستا -  $\sqrt{daēz}$  «طبقه به طبقه ماندن» ماده زمان حال آن  $diz$ .

• دری هزار  $hazār$ ، تاجکی  $hazōr$ ، فارسی  $hazār$ ، فارسی ک.  $hazār$ ،  
فارسی م.  $hazār$  > فارسی ب.  $hadahra$ \* > آریانی  $hazahra$ \* مقایسه شود  
اوستا  $hazaŋra$ .

• دری و فارسی بزرگ  $bozorg$ ، تاجکی و فارسی ک.  $buzurg$ ، فارسی م. >  
 $vazurg$  فارسی ب.  $vazrak$  > آریانی  $vazrka$ \*.

دری، تاجکی، فارسی  $z$ ، فارسی کلاسیک  $z/$  آریانی  $*t$ :

• دری گذر  $gozar$ ، تاجکی  $guzar$ ، فارسی  $gozār$ ، ماده زمان حال فعل گذشتن

> فارسی ک. *gudar* > فارسی م. *vidar* / قدیمتر آن *vitar* > فارسی ب. >  
*tar* آریانی *vitar*\* مقایسه شود اوستا *tar* با پیشوند *vi* «گذشتن».

### فونیم ژ = z

این فونیم در زبانهای گروپ جنوب غربی وجود ندارد نظر به قانون تکامل زبانهای فارسی، تاجکی و دری این فونیم از دیگر زبانهای آریانی به ویژه از زبانهای شمال غربی دخیل بوده است.

این فونیم در یک تعداد کلمات زبانهای متذکره دیده می شود که از فونیم های *ž*، *ǰ*، *č* و *z* آریانی طور ذیل تکامل نموده است:

۱. فارسی، تاجکی دری *z* > آریانی *z* \*

• دری مزد *mozd*، تاجکی *muzd*، فارسی *mozd/možd*، فارسی ک. *mižda* > آریانی *mižda*\*، مقایسه شود اوستا *mižda* / دری مژده *možda*، تاجکی *mužda*، فارسی *možde*، فارسی ک. *mužda* / *mižda* > آریانی *mižda-ka*

• دری ازدها *āzdahā*، تاجکی *aždahō*، فارسی *āzdahā*، *eždahā*، و *āždārḥā*، فارسی م. *Aži-dahāka*، *Aždahāk*، دخیل از زبان اوستایی است مقایسه شود اوستا *Aži-dahā-ka* نام قهرمان مشهور آریانا، مقایسه شود اوستا *aži-* «مار».

۲. فارسی، دری، تاجکی *ž* > آریانی *ǰ* \*

• فارسی ک.، دری، تاجکی ژرف *žarf*، فارسی *žarf*، فارسی م. *zuf*، > آریانی *jafra*\* مقایسه شود اوستا *jafra* «عمیق».

• دری نژند *nažand*، تاجکی *nažand*، فارسی *nāžānd/nezānd* فارسی ک. *nižand/nažand* «مریضی، دق» فارسی ب. *ni+jan* > آریانی

*ni-√jan*\* مقایسه شود اوستا *√jan* «زدن، لت کردن» با پیشوند *ni-* «دق

بودن، مریض شدن».

دري، فارسي کلاسيک، تاجکي و فارسي ž > آرياني č\*:

• دري ويژه veža، فارسي bîže/vîže، فارسي ک. bēza/vēza، فارسي م. apēčak > آرياني \*apa-vaiča-ka از ريشه -vaič: vaik- «جدا کردن، تقسيم کردن» مقايسه شود اوستا -vaēča ماده زمان حال فعل vaēk «جدا کردن، حصه کردن».

فونيم S:

فونيم س = s در زبان فارسي ک.، دري، تاجکي و فارسي سه راه عمده تکاملی را تعقيب ميکنند:

۱ فونيم /s/ در زبان فارسي ک.، دري، تاجکي و فارسي > فارسي ميانه، فارسي ب. /s/ آرياني /s/ (اوستا و ميدي /s/)

• دري است ast، فارسي ک.، تاجکي ast، فارسي äst، فارسي م. ast > فارسي ب. astiy > آرياني \*asti، مقايسه شود اوستا asti، سانسکریت asti.  
• دري سپر separ، تاجکي sipar، فارسي sepär، فارسي ک. sipar، فارسي م. /spr/ spar > آرياني \*spar، مقايسه شود سانسکریت spharam.

s از صدا های ترکیبی \*st آرياني:

• دري، فارسي ک. و تاجکي مست mast، فارسي mäst، آرياني \*masta از ريشه  $\sqrt{mad}$  - \*mad مقايسه شود اوستا mast ماده زمان حال فعل mad «مست شدن».  
• دري، تاجکي و فارسي ک. بست bast، فارسي bäst، فارسي م. bast > فارسي ب. basta «بسته» ماده زمان حال فعل  $\sqrt{band}$  «بنديدن، بسته کردن» > آرياني \*basta.

s > آرياني \*ss (فارسي ب.، اوستا و ميدي s)

• دری، تاجکی و فارسی ک. ras، فارسی rās > فارسی م. ras > فارسی ب. ras از ریشه  $\sqrt{ar}$  به معنای «رسیدن».

• دری شناس  $\check{s}en\bar{a}s$ ، تاجکی  $\check{s}in\bar{o}s$ ، فارسی  $\check{s}en\bar{a}s$ ، فارسی ک.  $\check{s}in\bar{a}s$ ، فارسی م.  $\check{s}n\bar{a}s$  (>  $\check{s}n,s$ ) > فارسی ب.  $x\check{s}n\bar{a}sa$  مقایسه شود اوستا  $x\check{s}n\bar{a}sa$  از ریشه آندو اروپایی  $gno^*$  «دانستن».

s در ترکیب  $sm^*$  آریانی (فارسی ب.، اوستا میدی  $sm$ ):

• دری آسمان  $\bar{a}sm\bar{a}n$ ، تاجکی  $\bar{o}sm\bar{o}n$ ، فارسی  $\bar{a}sm\bar{a}n$ ، فارسی ک. >  $\bar{a}sm\bar{a}n$  فارسی م.  $\bar{a}sm\bar{a}n$  > فارسی ب.  $asman$  > آریانی  $asman^*$  مقایسه شود اوستا  $asman$ ، سانسکریت  $asman$ .

s در ترکیب  $sp^*$  آریانی (اوستا میدی  $sp$  فارسی باستان s):

• دری، تاجکی و فارسی ک.  $sag$ ، فارسی  $s\bar{a}g$  > فارسی م.  $sag$  / قدیمتر آن  $sak$  > فارسی ب.  $saka^*$  > آریانی  $span-ka^*$  مقایسه شود اوستا  $span$ ، میدی  $spaka$ ، سانسکریت  $svan$ ، اورمیری  $spok$ .

• دری، تاجکی و فارسی ک.  $asp$ ، فارسی  $\bar{a}sp$ ، فارسی م.  $(sp)$  > آریانی  $aspa^*$  مقایسه شود در اوستا و میدی  $aspa$ ، پشتو  $aspa$  مگر فارسی باستان  $asa$  سانکریت  $\bar{a}sva$ .

• دری فارسی ک  $saf\bar{e}d$ ، تاجکی  $saf\bar{e}d$  فارسی  $s\bar{a}f\bar{i}d$  > فارسی م. >  $saf\bar{e}d$  آریانی  $spaita^*$  مقایسه شود در اوستا  $spa\bar{e}ta$ ، سانسکریت  $\acute{s}vet\bar{a}$  اورمیری  $spew$ .

s > فارسی میانه s > فارسی باستان  $\theta$  > آریانی  $s^*$  (اوستا و میدی s):

• دری، تاجکی و فارسی ک.  $sad$ ، فارسی  $s\bar{a}d$  > فارسی م.  $sad$  / قدیمتر آن  $sat$  > فارسی ب.  $\theta ata$  > آریانی  $sata^*$  مقایسه شود در اوستا  $sata$ ، سانسکریت  $sata$ ، اورمیری  $so$ .

• دری تاجکی و فارسی ک. سر sar، فارسی sār، فارسی م. sar > فارسی ب >  $\theta$ arah آریانی sarah\* مقایسه شود اوستا sarah، سانسکریت śīras.

• دری سال sāl، تاجکی sōl، فارسی sāl فارسی ک. sāl > فارسی م. sāl، > فارسی ب. θard > آریانی sard مقایسه شود اوستا sarəd، سانسکریت śarād «خزان».

/s/ > فارسی میانه /s/ > فارسی ب /ç/ > آریانی /\*θr/ (اوستا و میدی θr: • دری سه se، تاجکی sē، فارسی se، فارسی ک. se، فارسی م. sē > فارسی ب. çitiya، çita، مقایسه شود اوستا θrayas، θri-: θray «سوم»، سانسکریت trayah «سد».

• دری پسر pesar، تاجکی pisar، فارسی pesār، فارسی ک. pisar /pusar/ > فارسی م. pus/pusar > فارسی ب. puça > آریانی puθra\* مقایسه شود اوستا puθra، سانسکریت putra.

در این زبانها صدای ترکیبی st از \*št\* آریانی طور ذیل تکامل نموده است: • دری دوست dūst، تاجکی dūst، فارسی dūst > فارسی ک. dōst، فارسی م. > dōst > فارسی ب. dušter، آریانی zauštar\* از ریشه Zauš-، مقایسه شود اوستا zaoš «لذت بردن».

• دری و فارسی درست dorost، تاجکی و فارسی ک. durust > فارسی م. druyist (drw(y)st drust > فارسی ب. duruva > آریانی druvišt از ریشه druva «قایم، محکم» مقایسه شود در اوستا drva «تندرست سالم».

فونیم ش = š̌

فونیم ش = s سه زبان متذکره در اکثریت واژه از \*š̌ یا \*xš̌ آریانی تکامل نموده است.

الف-š̌ > آریانی š̌\*

- دری ریش *rēš*، تاجکی *rēš*، فارسی *rīš*، فارسی ک. *rēš* «زخم» فارسی م. *rēš* > آریانی *raiša*\*، مقایسه شود اوستا *raēša* سانسکریت *reṣa* «زخم بدنی».
- دری خشت *xešt*، تاجکی *xišt*، فارسی *xešt*، فارسی ک. *xišt*، فارسی م. *xišt* > فارسی ب. *išta* > آریانی *išti*\*، مقایسه شود اوستا *ištya*.
- دری گوش *gūš*، تاجکی *gūš*، فارسی *gūš*، فارسی ک. *gōš* > فارسی ب. > *goy* آریانی *gauša*\*، مقایسه شود اوستا *gaoša*، اورمیری *goy*.
- دری و فارسی ک. *mūš*، تاجکی *muš*، فارسی *mūš*، فارسی م. *mūšk* از ریشه *mūš*\* مقایسه شود اوستا *mūš*، سانسکریت *mūṣ*.
- دری و تاجکی تشنه *tašna*، فارسی *tešne*، فارسی ک. *tišna-/tašna*، فارسی م. *tišnag* / قدیمتر آن *tišnak*) > آریانی *tršna-ka*، مقایسه شود اوستا *taršna-* تشنه گی سانسکریت *trṣṇa*.
- دری، فارسی ک. و تاجکی، هشت *hašt*، فارسی *häšt* > فارسی م. *hašt* > آریانی *ašta*\* مقایسه شود اوستا *ašta*، سانسکریت *aṣṭā*، اورمیری *āṣṭ*.
- دری فارسی ک. تاجکی، چشم *čašm*، فارسی *češm* > فارسی م. *čašm* > آریانی *čašman*\* مقایسه شود اوستا *čašman*، سانسکریت *caṣṣan*، اورمیری *cimi*.

ب/š/ > آریانی /xš/:

- دری و فارسی ک.، تاجکی، شب *šab*، فارسی *šāb* > فارسی م. *šab* / قدیمتر *šap*) > فارسی ب. *xšap* > آریانی *xšap*\*. مقایسه شود اوستا *xšap*، سانسکریت *kṣap*.
- دری و فارسی ک. و تاجکی شهر *šahr*، فارسی *šāhr*، فارسی م. *šahr* «مملکت حکومت و شهر» > فارسی ب. *xšaça* «حکومت، شاهی» > آریانی *xšaθra*\*

مقایسه شود اوستا xšaθra، سانسکریت ksātra

• دری روشن rōšan / rawšan، تاجکی ravšan، فارسی roušān، فارسی ک. rōšan > فارسی م. rōšn > آریانی \*rauxšna مقایسه شود اوستا raoxšna- «روشن»، اورموی rošān.

• دری آشتی āšti، تاجکی ôšti، فارسی āšti، فارسی ک. āšti، فارسی م. āštīh > آریانی \*āxšti مقایسه شود اوستا āxšti «صلح، آشتی».

• دری پادشاه pādšā (h)، تاجکی pōdšôh، فارسی pādšāh، فارسی ک. > pādšāh فارسی م. pādixšā(y) / قدیمتر آن pātixšāy، فرس باستان-pati-xšay، آریانی \*pati-xšay «داشتن حکومت بالای کسی».

در بعضی از واژه ها بعد از واکه کوتاه xš \*نگهداشته شده است.

• دری، تاجکی و فارسی ک. بخش baxš ماده زمان حال فعل بخشیدن، فارسی bāxš، فارسی م. baxš > آریانی \*baxš از \*bagš از ریشه \*bag (شناسه ماده ساز /-s/) «تقسیم کردن حصه کردن» مقایسه شود اوستا bag «تقسیم کردن، بخش کردن».

/š/ > آریانی /\*šy/:

• دری شاد šād، تاجکی šôd، فارسی šād، فارسی ک. šād > فارسی م. šād / قدیمتر آن šāt > فارسی ب. šiyāta > آریانی \*šyāta مقایسه شود اوستا šyāta دری شو šaw، تاجکی و فارسی ک. šav، فارسی šāv- /šau- ماده زمان حال فعل شدن، فارسی م. šav ماده زمان حال «شدن» > فارسی ب. šiyav > آریانی \*šyav مقایسه شود اوستا šyav، سانسکریت cyav «رفتن و شدن».

/š/ > آریانی /\*š/ در ابتدای کلمه قبل از مصوت:

• فارسی ک. ، تاجکی و دری شرم šarm، فارسی šārm > فارسی م. šarm >



آریانی \*fšarma مقایسه شود اوستا fšarəma «شرم» .

قابل یادآوری است که fš باستانی در بین واژه‌ها بعد از مصوت باقی می‌ماند:

• دری درفش *derafš*، تاجکی *dirafš*، فارسی *deräfš*، فارسی ک. *dirafš*، فارسی م. *drafš* > آریانی *drafša* مقایسه شود اوستا *drafša*، سانسکریت *drapsa* .

فونیم /š/ زبان فارسی ک. تاجکی، فارسی و دری از /s/ آریانی تکامل نموده است.

• دری شکن *šekan*، تاجکی و فارسی ک. *šikan*، فارسی *šekan* ماده زبان حال فعل شکستاندن > فارسی م. *šken* > آریانی *skand* \*مقایسه شود اوستا *skand* «میده شده شکستن» .

• دری شکاف *šekā f*، تاجکی *šikōf*، فارسی *šekāf*، فارسی ک. *šikāf* > فارسی م. *škāf* > آریانی *\*skaf*، آری *skaph* .

• دری شکار *šekar*، تاجکی *šikōr*، فارسی *šekār*، فارسی ک. *šikār*، *šikārdan* > آریانی *skar*، پشتو «شکار کردن» *š kār* .

• دری رشک *rašk*، تاجکی، فارسی ک. *rašk*، فارسی *rāšk*، فارسی م. > *aresk* آریانی *-araska* \*مقایسه شود اوستا *araska* .

• دری و فارسی شوش *šoš*، تاجکی و فارسی ک. *šuš*، فارسی م. *suš* > آریانی *suš* \*مقایسه شود در اوستا *suši* .

• دری، فارسی شپش *šepēš*، تاجکی *šabuš*، فارسی ک. *šipiš/šupuš*، فارسی م. *spiš* > آریانی *spiš*، اوستا *spiš*، اورمیری *spuy* .

• دری، تاجکی و فارسی ک. جشن *jašn*، فارسی *jāšn*، فارسی م. *jašn* مقایسه شود اوستا *-yasna* «اطاعت خدا و ستایش خداوند» .

### فونیم غ = γ:

γ زبانهای دری، فارسی ک.، فارسی و تاجکی در بین دو مصوت و بعد از مصوت و بعد از r اکثراً از \*g

آریانی تحول یافته است:

- دری روغن rowyan/rōyan، تاجکی ravyan، فارسی rauyān، فارسی ک. rōyan، فارسی م. rōyn > آریانی raugna\* مقایسه شود اوستا raoyna.
- دری دروغ dorūy، تاجکی durūy، فارسی dorūy، فارسی ک. durōy > فارسی م. drōy > فارسی ب. drauya.
- فارسی و دری مرغ mory، تاجکی و فارسی ک. mury > فارسی م. murv > آریانی m r ga\* مقایسه شود اورمیری morga، اوستا mərəya.
- دری غوزه γūza، تاجکی γūza، فارسی γūze، فارسی ک. γōza/gōza «غوزه پنبه» > فارسی م. Gōz «چهارمغز» > فارسی ب. goud > آریانی gauz\* مقایسه شود اوستا gaoz «نه گفتن، کتمان کردن»
- دری تغاره tay ā ra، تاجکی tayōra، فارسی täyār، فارسی ک. tayār/tayāra از \*takara «بیاله».

### فونیم ف = f:

فونیم ف = f به استثنای واژه های دخیل زبان عربی:

الف - از فونیم \*f آریانی باستان تکامل نموده است:

- دری فرمان farm ā n، تاجکی farmōn، فارسی farmān، فارسی ک. > farmān فارسی م. framān > فارسی ب. framānā > آریانی fra+māy- \* ana مقایسه شود اوستا mā(y) «اندازه کردن» با پیشوند فعلی fra- به معنای «امر»

کردن، امن آوردن»

• دری، فارسی ک. و تاجکی کف kaf، فارسی käf > فارسی م. kaf > آریانی kafa\* مقایسه شود اوستا kafa، سانسکریت kapha.

• دری آفرین āfarīn، تاجکی ôfarin، فارسی âfarīn، فارسی ک. āfrīn > āfarīn فارسی م. āfrīn > آریانی afri-na\* از  $\sqrt{fri}$  + -ā\* مقایسه شود اوستا āfrī-vana-، سانسکریت pri «به کسی خوبی کردن».

• دری و فارسی ک. نفرین nafrīn، تاجکی nafrin، فارسی nāfrīn / nefrīn، فارسی م. nifrīn، آریانی ni-frī-na\* مقایسه شود اوستا frīna-:frīn- ماده زمان حال فعل -√frāy-.

• دری درفش درفش derafš، تاجکی dirafš، فارسی derafš، فارسی ک. dirafš > drafš، فارسی م. drafš > آریانی drafša\* مقایسه شود اوستا drafša، سانسکریت drapsá «بیرق».

• دری فرمود فرمود farmūd، تاجکی farmud، فارسی fārmūd، فارسی ک. > farmūd آریانی fra-muta\* از صفت مفعولی فعل mā-√ به معنای «اندازه کردن» با پیشوند fra- مقایسه شود اوستا و فارسی باستان صفت مفعولی ریشه mā که māta است.

• دری، تاجکی و فارسی ک. برف barf، فارسی bārf، فارسی م. vafr، آریانی jafra، مقایسه شود اوستا jafra «ژرف، عمیق».

ب- در ترکیب sf\* از sp.\*:

• دری گوسفند gōspand، تاجکی gūsfand، فارسی gūsfand، فارسی گوسفند) gōspand (حيواناتی مانند گوسفند) واژه دخیل از لکسیکون مذهبی زرتشتی ها است. دیده شود در اوستا gaospanta که در زمان خود از واژه spant + gav به مفهوم «مقدس» گرفته شده است.

• دری، فارسی ک. سفید safēd، تاجکی safēd، فارسی säfīd > فارسی م. sapēd / قدیمتر آن spēt > آریانی \*spaita- مقایسه شود اوستا spaēta-  
 دری اسفندیار Esfandiyār، فارسی Esfāndiyār، فارسی ک. > Isfandiyār فارسی م. spandyāt، مقایسه شود اوستا spəntō-dāta به معنای «مقدس شده، کسی که قابل احترام است».

ج- در بعضی واژه ها f زبانهای متذکره از p آریانی منشأ میگیرد، مگر با از بین رفته واکه بعد از p\*:

• دری، فارسی ک. و تاجکی افسر afsar، پارسی >apsar> äfsär  
 api- sarah آریانی \*upa- \*sarah مقایسه شود اوستا sarah «کله».

د- به طور خلاصه f زبانهای متذکره در بعضی واژه های دخیل از زبان میدی است.  
 (xv\* آریانی، اوستا x̄، میدی f و فرس باستان f دخیل از زبان میدی):

• دری، فارسی ک.، تاجکی فر far/farr، فارسی far > فارسی ب. و میدی farnah واژه Vindafarnah از -arnah x̄ آریانی گرفته شده مقایسه شود اوستا x̄ arenah به معنای «افتخار، نیک نام، درخشنده گی، تابش».

• دری، فارسی ک.، فروخ farrox، تاجکی farrox، فارسی färrox > فارسی م. farra x̄، میدی farnahvant\* که برابر است با x̄ arenahvant «با افتخار با عزت»

• فارس ک.، دری افزای afzā y از مصدر افزایش، تاجکی afzōy، فارسی äfzây > فارسی م. [aβzāy] > abzāy فارسی ب. abi-jāvaya «بلند بردن، بلند رفتن».

• دری افروز afrōz، تاجکی afrōz، فارسی äfrāz، فارسی k. / afrāz > avrāz فارسی م. [aβrāz]abrāz از -√raz\* آریانی. مقایسه شود اوستا fraz، پیشوند aiwi- «برابر کردن، آرامی آوردن».

ر - در زمانهای متذکره **ft** عوض **\*xt** آریانی :

• فارسی ک. و تاجکی جفت **juft**، دری و فارسی **joft** > فارسی میانه **juxt** > آریانی **yuxta** \*مقایسه شود اوستا **yuxta**.

• فارسی ک. و تاجکی مفت **muft**، دری و فارسی **mofit** > آریانی **\*muxta** ، سانسکریت **muxta**.

**fr** زبانهای متذکره از **\*θr** آریانی:

• فارسی ک. فریدون **Farēdōn**، دری و فارسی فریدون **\*θraitauna** > **feridun** مقایسه شود اوستا **θraētaona**.

فونیم **k = ک**:

فونیم **k** زبانهای تاجکی دری و فارسی از **\*k** آریانی منشأ می گیرد:

الف - در ابتدا کلمه قبل از واکه و قبل از **\*r**:

• دری کام **kām** ، تاجکی **kôm**، فارسی **kâm**، فارسی ک. **kām** > فارسی م. **kām** > فارسی ب. **kāma** > آریانی **\*kāma** \*مقایسه شود اوستا **kāma** «آرزو، امید».

• دری، تاجکی، فارسی ک. کینه **kīna**، فارسی **kīne** > فارسی م. **kēn** > آریانی **\*kaina** \*مقایسه شود اوستا **kaēna** «جزا و انتقام».

• دری و فارسی کرم **kerm**، تاجکی و فارسی ک. **kirm** > فارسی م. **kirm** > آریانی **\*k r mi** \*مقایسه شود اوستا **kərəma**، در ترکیب **kərəma star** «ستاره افتاده»، سانسکریت **k r mi**.

• دری کشور **kešwar**، تاجکی و فارسی ک. **kišvar**، فارسی **kešvār** > فارسی م. **kišvar** > آریانی **\*k r švar** \*مقایسه شود اوستا **karšvar** «بخش جهان».

ب - **k** زبانهای متذکره از ترکیب **\*sk** ، **\*sk** آریانی تحول کرده است:

• دری و فارسی خشک xošk، فارسی ک. و تاجکی xušk > فارسی م. huška، > فارسی ب. uška به معنای خشکه و زمین است > آریانی huška\*، مقایسه شود در اوستا huška.

• دری و فارسی سرشک serešk، فارسی ک. و تاجکی sirišk > فارسی م. srišk مقایسه شود در اوستا sraska «آبدیده» در اوستا srask به معنای «کندن» هم آمده است.

• دری شکن šekan، فارسی ک. و تاجکی šikan، فارسی šekän > فارسی م. šken/škyn > آریانی skand\* مقایسه شود در اوستا skand «شکستاندن»

ج- (شناسه تصغیری ak و همچنان وندهای -ik, -uk, -ok که در بسیاری از واژه ها جدا شدنی نیست و به حالت خود میماند:

• دری دخترک doxtarak، فارسی doxtäräk، فارسی ک. و تاجکی duxtarak.

• دری و فارسی تنک tonok، فارسی ک. و تاجکی tunuk «لطیف، نرم، نازک» > فارسی م. tanuk > آریانی tanu+ka\* از ریشه tanu «نازک».

• دری سبک sobok، فارسی säbok، فارسی ک. و تاجکی sabuk > فارسی م. sabuk > آریانی \*θrapu+ka.

• دری تاریک tārīk، فارسی tārīk، تاجکی tōrik، فارسی ک. tārīk > فارسی م. tārīk > آریانی ta,θrya-ka\* مقایسه شود در اوستا ta,θrya.

• دری و فارسی ک. نیک nēk، تاجکی nēk، فارسی nīk > فارسی م. nēk / قدیمتر آن nēvak > فارسی ب. Naiba آریانی naiba-ka\* «خوب».

• دری، تاجکی و فارسی ک. بیگ payk، فارسی paik > فارسی م. payk > آریانی pada-ka\* از pada\* آریانی مقایسه شود در اوستا pada, pada «قدم»، پای».

- دری، تاجکی و فارسی ک. یک yak، فارسی yek (۱) > فارسی م. ēvak > فارسی ب. Aiva، آریانی \*aiva+ka از \*aiva آریانی مقایسه شود در اوستا aēva «یک».

### فونیم گ =g:

فونیم گ = g زبانهای متذکره از \*g, \*k, و \*v آریانی تکامل نموده است:  
g > آریانی \*g:

- دری و فارسی ک.، تاجکی گرم garm، فارسی gārm، فارسی م. garm- > آریانی \*garma مقایسه شود فارسی ب. -garma و اوستا-garəma.

- دری گاو gāw، تاجکی gōv، فارسی gāv، فارسی ک. gāw، فارسی م. > gāv آریانی \*gav مقایسه شود اوستا gav.

- دری گرفتن gereftan، تاجکی giriftan، فارسی gereftān، فارسی ک. Giriftan، فارسی م. griftan > آریانی grab \* مقایسه شود اوستا و فرس باستان grab «گرفتن».

- دری گریبان gerēbān، تاجکی girēbōn، فارسی gerībān، فارسی ک. gīrebān، فارسی م. grīvpān / grīvbān، «نگهبان، گردن» > آریانی \*grīvā - pāna- مقایسه شود اوستا grīvā «گردن و pā(y) «نگهبان».

در بین واژه بعد از \*r و \*n آریانی:

- دری و فارسی ک. زرگون zargūn، تاجکی zargun، فارسی zārgūn، فارسی م. zargōn مقایسه شود اوستا zairi gaona «رنگ طلایی».

- دری، فارسی ک.، تاجکی سنگ sang، فارسی sāng > آریانی \*sanga مقایسه شود اوستا asanga، فارسی ب. aθa<sup>n</sup>ga.

g در زبانهای متذکره بعد از مصوت و \*r از \*k آریانی تکامل نموده است:

- دری نگاه negāh، تاجکی nigōh، فارسی negāh، فارسی ک. nigāh

- فارسی م. *nigāh* / قدیمتر آن *nikah*، آریانی *\*√kas-* + *\*ni* مقایسه شود  
 اوستا *kas* «دیدن». [Abaev ۱۹۵۸, p. ۱۹۰].
- دری، فارسی ک.، تاجکی اگر *agar*، فارسی *ägär*، فارسی م. *hakar/agar*  
 فارسی ب. *hakaram* «روزی» مقایسه شود اوستا- *hakərət*.
  - دری، فارسی ک. و تاجکی سگ *sag*، فارسی *säg*، فارسی م. *sak/sag* فارسی  
 ب. *\*so n-ka* < *saka* از صورت ضعیف ریشه *s n* مقایسه شود اوستا *span*  
 ، اورمیری *spok*، پشتو *spay*، سانسکریت *śvan*.
  - دری، فارسی ک. و تاجکی مرگ *marg*، فارسی *märg*، فارسی م. *marg* >  
 آریانی *\*mar-ka* مقایسه شود اوستا *mahrka*، *maraka* «مردن، مرگ».
  - دری، فارسی ک. و تاجکی برگ *barg*، فارسی *bärg*، فارسی م. *varg* >  
 آریانی *\*varka* مقایسه شود اوستا *varəka*.
- g از v آریانی:**
- دری و فارسی گل *gol*، فارسی ک. و تاجکی *gul*، فارسی م. *gul* > آریانی  
*\*vr̥da* مقایسه شود اوستا *varəda* «اسمای سبزه».
  - دری و فارسی گرگ *gorg*، فارسی ک. و تاجکی *gurg*، فارسی م. *gurg*  
 > آریانی *\*vr̥ka* مقایسه شود اوستا *vəhrka*، سانسکریت *vr̥ka*.
  - دری گرده *gorda*، تاجکی *gurda*، فارسی *gorde*، فارسی ک. *gurda*،  
 فارسی م. *gurdag / gurtak* > آریانی *\*vr̥ta* مقایسه شود اوستا *varəta*.
  - در ترکیب صداهای *gu* در زبان فارسی کلاسیک و تاجکی و *go* زبان دری و  
 فارسی از *\*vi-* آریانی:
  - دری گناه *gonah*، تاجکی *gunoh*، فارسی *gonah*، فارسی ک. *gunāh* >  
 فارسی م. *vināh* فارسی ب



vi-naθ. «جزا دادن» مقایسه شود اوستا vi-nas «اجل گرفته».

• دری گزدر gozar، تاجکی guzar، فارسی gozär، فارسی ک. guðar، فارسی م. vitar / vidar، آریانی \*vi-tar\* مقایسه شود اوستا vitar «داخل شدن، جا به جا شدن».

• دری گریز gorēz، تاجکی gurēz، فارسی gorīz، فارسی ک. gurēz ماده زمان حال فعل گریختن، فارسی م. virēz > آریانی -vi-raiča\* مقایسه شود اوستا -raēk ماده زمان حال آن -raeča «ماندن، آزاد کردن، باز کردن».

• دری، فارسی ک. و تاجکی گشتن gaštan، فارسی -gard:، فارسی -: gärd، آریانی -gart:، فارسی م. -gäštän، فارسی م. -vaštan، آریانی -vart\* مقایسه شود اوستا -varət «گشتن».

:\*g > g

• دری، تاجکی، فارسی ک. پلنگ palang، فارسی päläng، فارسی م. palang، پشتو p r āng، سانسکریت p r dāku.

فونیم ل = l:

در زبانهای باستان صدای l وجود نداشت در زبان فارسی باستان l در چند واژه دخیل به نظر میخورد و در زبان اوستا تا اکنون تثبیت نشده است. l در زبانهای آریانی در دورهٔ میانه به طور ذیل به میان آمده است.

۱. از صداهای ترکیبی \*rd آریانی (اوستا و فرس باستان rd)

• دری شال sāl، تاجکی sōl، فارسی sāl، فارسی ک. sāl، فارسی م. sāl > آریانی \*sard\*، فارسی ب. θard مقایسه شود اوستا sarəd «سال».

• دری پول pūl، تاجکی pul، فارسی pūl، فارسی ک. pūl آریانی \*p r du\* «جلادار» مقایسه شود سانسکریت p r dāku «مار، شیر».

• دری و فارسی دل del، فارسی ک. و تاجکی dil فارسی م. dil آریانی -rd  
\*z مقایسه شود اوستا zərəd.

l زبانهای متذکره از \*rz آریانی [ اوستا rz، فارسی ب. rd ] گرفته شده است:

• دری بلند beland، تاجکی baland، فارسی boländ، فارسی ک. buland  
فارسی م. buland، فارسی ب. brdant > آریانی -brzant\* مقایسه شود  
اوستا bərəzant.

l در زبانهای متذکره از \*r آریانی:

• دری و فارسی ک. لیس les ماده زمان حال فعل lesidan، تاجکی les، فارسی  
les > آریانی -raiz، مقایسه شود اوستا raze «ریختاندن، لیسیدن».

• دری، فارسی ک. و تاجکی لرز larz، ماده زمان حال فعل «لرزیدن»، فارسی م. >  
lärz آریانی -rarz\* از ریشه raiz «لرزیدن».

• دری گلو glū، تاجکی gulū، فارسی golū، فارسی ک. galō / gulō،  
فارسی م. galōk/ galōk مقایسه شود اوستا gar «گلو، گردن».

• دری لب lab، تاجکی، فارسی ک. lab، فارسی läb، لاتین labium، آلمانی  
lippe.

• دری، فارسی ک. و تاجکی لنگ lang، فارسی läng، مقایسه شود سانسکریت  
laṅga.

• دری شغال šayāl، تاجکی šayōl، فارسی šayāl، فارسی ک. šayāl،  
سانسکریت sṛgāla.

• دری کلید kelīd، تاجکی kalīd، فارسی kelīd، فارسی ک. kelīd،  
kalīd/ kalīd، یونانی باستان κλειδα.

• دری بالشت bā lešt، تاجکی bōleš، فارسی bāleš > آریانی \*barziš،

اوستا barziš «تکیه، بالشت»، اوستا barəziš، سانسکریت barhiś.

فونیم م = m:

م = m > آریانی \*m:

- دری ماه mā h, تاجکی mōh, فارسی māh, فارسی k. māh > فارسی م. māh > فارسی ب. māha > آریانی \*māha مقایسه شود اوستا māh.
- دری، تاجکی و فارسی ک. من man, فارسی män > فارسی م. man > فارسی ب. manā > آریانی \*mana مقایسه شود در اوستا mana.
- دری، تاجکی و فارسی ک. کمر kamar, فارسی kāmār > فارسی م. kamar > آریانی \*kamarā مقایسه شود در اوستا kamarā.
- دری، تاجکی و فارسی ک. پشم pašm, فارسی pāšm > فارسی م. pašm > آریانی \*pašman, سانسکریت pakṣman «ابرو، پشم».

فونیم ن = n

فونیم n زبانهای متذکره از n آریانی منشأ میگیرد:

- دری نام n ā m, تاجکی nôm, فارسی nām, فارسی ک. nām > فارسی م. nām > فارسی ب. nāman > آریانی \*nāman مقایسه شود اوستا nāman.
- دری و فارسی ک. نیم nīm, تاجکی و فارسی nīm > فارسی م. nēm > آریانی \*naima مقایسه شود اوستا naēma.
- دری، فارسی ک. کینه kīna, تاجکی kina, فارسی kīne > فارسی م. kēn > آریانی kaina, مقایسه شود اوستا kaēna «جزا دادن».
- دری، تاجکی و فارسی ک. تشنه tašna, فارسی tešne > فارسی م. > آریانی tišnag/tišnak \*tṛṣna-ka مقایسه شود اوستا taršna.

فونیم ه = h:

فونیم ه = h زبانهای متذکره از \*h, \*o و \*s آریانی طور ذیل تکامل نموده است:

۱. از \*h آریانی:

• دری، فارسی ک. و تاجکی هر har، فارسی här، فارسی م. har > آریانی harva-  
\*harva مقایسه شود اوستا haurva، فارسی ب. haruva، سانسکریت sarva  
«همه».

• دری هنر honar، تاجکی و فارسی ک. hunar، فارسی honär، فارسی م.  
hunar > آریانی \*hunara، مقایسه شود اوستا hunara، سانسکریت sunara.  
• دری و فارسی بهشت behešt، تاجکی و فارسی ک. bihišt، فارسی م.  
vahišt، آریانی \*vahišta-، مقایسه شود اوستا-vahišta.

از \*o آریانی:

• دری، تاجکی پهن pahn، فارسی pähn، فارسی ک. pahn/pahan، فارسی م.  
pahn، آریانی \*paθana مقایسه شود اوستا paθana.

• دری نگاه neg ā (h)، تاجکی nigôh، فارسی negâh، فارسی ک. nigâh >  
آریانی \*ni-kas- مقایسه شود اوستا kas، پشتو کسل ksäl «دیدن».

• دری آهو ā hū، تاجکی ôhu، فارسی âhû، فارسی ک. âhû، فارسی م. >  
âhüg / âhük آریانی \*âsuka مقایسه شود اوستا âsu «تیز».

• دری ماهی m ā hī، تاجکی mōhi، فارسی mōhi، فارسی ک. māhī، فارسی  
m. māhik/ māhīg > آریانی \*masya-ka، مقایسه شود اوستا masya.

ترکیب hr زبانهای متذکره از \*θr آریانی (اوستا θr، فارسی باستان θ):

• دری و فارسی مهر mehr، تاجکی mēhr، فارسی ک. mihr، فارسی م. >  
miθra آریانی \*miθra مقایسه شود اوستا miθra، فارسی ب. miθra.

• دری و تاجکی چهره çehra، فارسی çehre، فارسی ک. çihra/çihra، فارسی  
م. çhir > آریانی \*çiθra، مقایسه شود اوستا çiθra، سانسکریت citra.

h زبان تذکره بین دو مصوت از \*d [ð] آریانی تکامل نموده است:

• دری سپاه *sep ā h*، تاجکی *sepōh*، فارسی *sepāh*، فارسی ک. *sipāh*، فارسی م. *spāh* > آریانی *\*spāda* مقایسه شود اوستا *spāda / spāda*، فارسی ب. *spāda*.

• دری، فارسی ک. و تاجکی بهره *bahra*، فارسی *bāhr*، *bāhre*، فارسی میانه > *bahrak / bahrag / bahr* آریانی *\*badra* *\*badraka* «بخش، حصه سهم» مقایسه شود اوستا *badra* در ترکیب واژه *hu-badra* «خوش بخت، خوش نصیب»  
• دری و فارسی مُهر *mohr*، تاجکی *muhr*، فارسی ک. *muhr*، فارسی م. *muhr*، آریانی *\*mudra / \*muδra* مقایسه شود سانسکریت *mudrā*.

• دری فرهاد *Farhād*، تاجکی *farhōd*، فارسی *fārhād*، فارسی ک. *farhād* > آریانی *\*fra-dāta* مقایسه شود اوستا *fra-dāta / fra-δāta* «خلق کننده، سازنده» از واژه *dā* به معنای «ساختن» با پیشوند *fra*.

**h** زبانهای متذکره بین دو مصوت از \*f آریانی تکامل نموده است:

• دری کوه *kūh*، تاجکی *kūh*، فارسی *kūh*، فارسی ک. *kōh*، فارسی م. *kōf* > آریانی *\*koufa* مقایسه شود اوستا *kaofa*، فارسی ب. *kaufa*.

• دری دهن *dahān / dahā n*، تاجکی *dahōn*، فارسی *dāhān*، فارسی ک. *dāhān*، فارسی م. *dahān*، آریانی *\*dafān*، *\*dafan* مقایسه شود اوستا *zafan*.

فونیم ی = y:

فونیم ی = y چندین راه تکاملی دارد:

۱. (ی = y) زبانهای متذکره در حالت بین دو واکه و بعد از واکه از \*y آریانی تکامل نموده است:

• دری سایه *sāya*، فارسی *sāya*، فارسی ک. *sāya*، تاجکی *sōya* > فارسی م. *sāyag / sāyak* قدیمتر آن > آریانی *sāyaka* مقایسه شود اوستا *a-sāya*

«بدون سایه» اورمیری syāka «سایه»، سانسکریت chāya «سایه».

• دری دایه d ā ya، تاجکی dōya، فارسی dāya، فارسی ک. dāya > فارسی م. dāyag / قدیمتر آن dāyak > آریانی  $\sqrt{dāy}$  مقایسه شود اوستا  $dā(y)$  «خدمت کردن».

• دری شاید š ā yad، تاجکی šōyad، فارسی šāyād، فارسی ک. šāyad > فارسی م. šāyēd. > آریانی  $\sqrt{x.sāy}$ ، فارسی ب. x.sāy مقایسه شود اوستا xšā(y) «کمک کردن و حکومت کردن»، سانسکریت ksāy، فارسی باستان xšāy- «مالک بودن».

• دری جوی jūy، تاجکی jūy، فارسی jūy، فارسی ک. jōy > فارسی م. jō(y) > فرس باستان jauvijā «کانال».

۲. تکامل دایمی ی = بعد از \*s, \*z, \*n (با وجود آمدن مصوت افزایی prothesis) قبل از /y/:

• دری سیاه sey ā h، تاجکی siyôh، فارسی seyâh، فارسی ک. siyâh > فارسی م. siyā > آریانی syāva\* مقایسه شود اوستا syāva، «سیاه»، سانسکریت śyāva «مایل به سیاهی».

• دری نیا ney ā، تاجکی niyô، فارسی neyâ، فارسی ک. niyā > فارسی م. niyāg / قدیمتر آن niyāk > آریانی nyāka\* > فرس باستان niyāk، مقایسه شود اوستا niyāka.

• دری زیان zey ā n، تاجکی ziyôn، فارسی zeyân، فارسی ک. ziyân > فارسی م. ziyān مقایسه شود اوستا zyānay.

۳. در بعضی از واژه های زبانهای متذکره تکامل y از \*y آریانی قانونی است:

• دری یزدان yazd ā n، تاجکی yazdôn، فارسی yäzdân، فارسی ک. >

yazdān فارسی م. yaztān < yazdān > دخیل از زبان اوستا yazatanam حالت جمع اضافی yazata «احترام به خداوند».

• دری یار  $y\bar{a}r$ ، تاجکی yor، فارسی yār، فارسی ک. > yār. yāvar. مقایسه شود اوستا yāvarəna.

• دری یوغ  $yûγ$ ، تاجکی  $yûγ$ ، فارسی  $yûγ$ ، فارسی ک.  $yōγ$  > فارسی م.  $yuy$  > آریانی  $yauga$ \* مقایسه شود سانسکریت yoga «یوغ».

• ی = y بین دو واکه و بعد از واکه از  $d^*$  آریانی که در اوستا معادل آن  $ḍ$  است، تکامل نموده است:.

• دری بوی  $bûy$ ، تاجکی  $bûy$ ، فلوس  $bûy$ ، فارسی ک.  $bōy$  > فارسی م.  $bōy$  > آریانی  $bauda$ \* مقایسه شود اوستا  $baodā$  «بوی».

• دری پای  $p\bar{a}y$ ، تاجکی  $pōy$ ، فارسی  $pāy$ ، فارسی ک.  $pay$  > فارسی م. >  $pāy$  آریانی  $pada$ \* مقایسه شود اوستا  $paḍ$ ، سانسکریت  $pāda$ .

• دری، تاجکی و فارس ک.  $may$ ، فارسی  $mei$  > فارسی م.  $may$  > آریانی  $madu$ \* مقایسه شود اوستا  $maḍav$  «شراب».

• دری میان  $mey\bar{a}n$ ، تاجکی  $miyōn$ ، فارسی  $meyān$ ، فارسی ک. >  $miyān$  فارسی م.  $mayān$  > آریانی  $māyān$ \* > آریانی  $madyāna$ \* مقایسه شود اوستا  $maiḍyāna$ .

• ی = y زبانهای متذکره از  $t^*$  آریانی بین واکه ها از طریق  $t^* > d^* > r^* > y$  که  $t$  آریانی در حالت ذیل به  $d$  تکامل می نماید:

• دری پیغام / پیام  $pay\bar{a}m$  /  $pay\bar{a}m$ ، تاجکی  $pay\bar{y}ōm$  /  $payōm$ ، فارسی  $peiyām$  /  $pāyām$  فارسی ک.  $pay\bar{y}ām$  /  $payām$  > فارسی م. >

$paygām$  آریانی  $pati\ gāma$ \* از ریشه  $\sqrt{gām}$ ، فارسی ب.  $gam$  مقایسه

شود اوستا gam «آمدن».

• دری پیمّا  $\text{paym} \bar{a}$ ، تاجکی  $\text{paym} \hat{o}$ ، فارسی  $\text{peim} \bar{a}$  فارسی  
ک.  $\text{paym} \bar{a} (y) >$  فارسی م.  $\text{paym} \bar{a} >$  آریانی  $\text{pati-m} \bar{a}y-$  مقایسه شده اوستا  
 $\text{m} \bar{a} (y)-$  «اندازه کردن».

• دری پیوند  $\text{paywand}$ ، تاجکی و فارسی ک.  $\text{payvand}$ ، فارسی  $\text{peiv} \bar{a}nd >$   
فارسی م.  $\text{payvand} >$  آریانی  $\text{pati-band}^*$   $>$  فارسی ب.  $\text{band}$  مقایسه شود  
اوستا  $\text{band}$ .

۶. ی = y زبانهای متذکره بین دو مصوت از  $\text{g[r]}^*$  آریانی گرفته شده است:  
• دری زرین  $\text{zar} \bar{in}$ ، فارسی  $\text{zary} \bar{u}n$ ، فارسی ک.  $\text{zary} \bar{u}n$  (طلایی)  $>$  فارسی م.  
 $\text{zarg} \bar{o}n >$  آریانی  $\text{zari-gauna}^* < \text{zarg} \bar{o}n^*$  مقایسه شود اوستا  $\text{zairigaona}-$   
«رنگ طلایی»، پشتو زرغون  $\text{zaryun}$ .

۷. در چند واژه محدود /y/ زبانهای متذکره بعد از  $i^*$  و  $\bar{i}^*$  از  $k^*$  آریانی منشأ  
میگیرد که  $k^*$  به  $g^*$  و بعداً  $y$  می‌شود.

• دری مادیان  $\text{m} \bar{a} \text{ dey} \bar{a} n$ ، تاجکی  $\text{m} \hat{o} \text{diy} \hat{o}n$ ، فارسی  $\text{m} \hat{a} \text{dey} \bar{a}n$ ، فارسی  
ک.  $\text{m} \bar{a} \text{diy} \bar{a}n >$  فارسی م.  $\text{m} \bar{a} \text{diy} \bar{a}n$  / قدیمتر آن  $\text{m} \bar{a} \text{tik} \bar{a}n$ .

در فارسی کلاسیک و فارسی میانه شناسه‌های جمع که به  $\text{-y} \bar{a}n$  صورت می‌گیرد از  
 $\bar{i}^* > \bar{i}g^* > \bar{i}k^*$  تکامل نموده است، منشأ میگیرد:

• دری پریان  $\text{pariy} \bar{a} n$ ، تاجکی  $\text{pariy} \hat{o}n$ ، فارسی  $\text{p} \bar{a} r \bar{y} \bar{a} n$ ، فارسی  
ک.  $\text{pariy} \bar{a} n >$  فارسی م.  $\text{parik} \bar{a} n$  / قدیمتر آن  $\text{parig} \bar{a} n$  از واژه فارسی  
م.  $\text{parig} /$  قدیمتر آن  $\text{parik}$ ، آریانی  $\text{parik} \bar{a}^*$  مقایسه شود اوستا  $\text{pairik} \bar{a}$   
«جادوگر».

در پایان قابل یادآوری است که  $\text{ya}$  زبانهای متذکره در واژه  $\text{ایخ/ او/ ایک}$  از  $\text{ai}^*$   
آریانی تکامل کرده است:



• دری یخ yax، تاجکی yax، فارسی yäx، فارسی ک. yax > آریانی \*aixa  
اوستا aēxa «خنک».

• دری، تاجکی و فارسی ک. یک yak، فارسی yek > فرس باستان aiva >  
آریانی aivaka\* مقایسه شود اوستا aēva به معنای «یک».

در نتیجه میتوان گفت که دری، تاجکی و فارسی صورت تحول یافته زبان فارسی کلاسیک (فارسی دری یا فارسی نو) بوده و زبان فارسی کلاسیک از طریق فارسی میانه به فارسی باستان باز میگردد، نه آن نظر غیر علمی را که برخی ها روی آن تأکید دارند.

### ۱. تکامل واول‌های آریانی باستان در زبانهای دری، تاجکی و فارسی:

فارسی	تاجکی	دری	فارسی کلاسیک	آریانی
ä	a	a	a	*a
o	a	a	a	
â	ô	ā	ā	
e	i	e	i	
o	u	o	u	*ā
â	ô	ā	ā	
e	i	e	i	*i
e	ê	ē	ī	
î	i	ī	ī	*ai
î	ê	ē	ē	
e	i	e	i	
o	u	e	u	*u
û	u	ū	ū	
o	û	û	u	
ä	a	a	a	*ū
û	u	ū	ū	
û	u	ū	ū	
o	u	o	u	

۲. تکامل ديفتانگ و ۲ هجايی آريانی باستان در زبانهای دری، تاجکی و فارسی:

فارسی	تاجکی	دری	فارسی کلاسیک	آريانی
û	ũ	ũ	ō	*au
û	u	ū	ū	
o	u	o	u	
er	ir	er	ir	*r̥
ur	ur	or	ur	
är	ar	ar	ar	
eš	iš	eš	iš	*r̥š̥
oš	uš	oš	uš	
äš	aš	aš	aš	
āl	ôl	āl	āl	*r̥d, r̥z > *r̥d
el	il	el	il	
ol	ul	ol	ul	
or	ur	or	ur	v̥r̥
îr	Ir	Ir	Ir	r̥y
îr	ir	Ir	Ir	*r̥vy, *r̥by*
îr	er	ēr	ēr	*arg > *agr
î	i	ī	ī	*iva
e	i	e	ī	
û	ũ	ũ	ō	*ava
û	u	ū	ū	
ou	av	aw	ō	
ou	av	aw	av	
î	e	ē	ē	*aya
î	ê	ē	ē	*ahya
e	i	e	i	
î	ê	ē	ē	*ida, *ada
îr	êr	ēr	ēr	*arya
ei	ay	ay	ay	*ad
ei	ay	ay	ay	*ati
ûr	ur	ūr	ūr	*var
go	gu	go	gu	*vi

### ۳. تکامل کانسونانت آریانی باستان در زبانهای دری، تاجیکی و فارسی:

دری، تاجیکی، فارسی معاصر، فارسی کلاسیک				آریانی مادر
بعد از کانسوننت	بعد از واول و *r	در بین دو واول	در آغاز کلمه	
b	f (بعد از t)	v (دری w)	b	*b
P بعد از صامت های بی واک	b	b	p	*p
d بعد از *n، t بعد از صامت های بی واک	d	d	t	*t
	h	h	h (به ندرت)	*θ
z بعد از *n	z	z	z̥ (تکامل شمال غرب)	*j
ç بعد از صامت بی واک	z (تکامل شمال غرب)	z̥ (تکامل شمال غرب)	ç	*ç
	x	x	x	*x
	x	x	xv, x̥ (در فارسی کلاسیک و دری)	*xv
d بعد از z *n, *z̥	y بعد از صامت	y h	d	*d
r	r	r	r (به ندرت l)	*r
	z (تکامل شمال غرب)	z (تکامل شمال غرب)	z و d (تکامل شمال غرب)	*z اوستا، فرس باستان d
	z قبل از *d, *g			*z اوستا و

				Z فرس باستان.
	Z و $\hat{Z}$ (تکامل شمال غرب)	$\hat{Z}$ و Z (تکامل شمال غرب)		* $\hat{Z}$
	h	s	s	*s اوستا، فرس باستان θ
	s قبل از *t, *k		s به ندرت قبل از *t	*s اوستا فرس باستان S
	š	š		*š
		f (به ندرت h)	f	*f
*s, *š بعد از *k	g و γ (به ندرت) v (بعد از *u)	g و γ (به ندرت) y (بعد از *ī, *ā)	k	*k
*n بعد از g	γ (به ندرت) v (دری w)	γ (تکامل شمال غرب) y (بعد از -i) v (به ندرت)	γ j (تکامل شمال غرب)	*g
	v (دری w)	v (دری w)	v و b (به ندرت)	*v
y	y	y	j	*y
	h	h	h (به ندرت)	*h
m	m	m	m	*m
n	n	n	m و n (قبل از b)	*n

#### ۴. تکامل صدا های گروهی:

- \*pt آریانی به ft در فارسی کلاسیک: در کلمه \*hapta آریانی که به haft

«هفت» تکامل نموده است.

- $*vr$  > (در فارسی ک. و تاجکی  $gu-$ ,  $gur-$ )؛ (در دری و فارسی  $go-$   $gor-$ )، در کلمه گرگ  $gurg$  که از  $*vrka$  آریانی تکامل نموده است.
- $*vi$  > (در فارسی ک. و تاجکی  $gu-$ )؛ (در دری و فارسی  $go-$ ) در کلمه گل  $gul$  از  $*vrda$  آریانی تکامل نموده است.
- $*vy$  > در فارسی م.  $gy$  > (در ابتدای کلمه، در فارسی ک.  $jān$ )، فارسی م.  $gyān$  > آریانی  $*viāna$  از ریشه  $*an$  به معنای «تنفس کردن» مقایسه شود سانسکریت- $vyāna$  «تنفس کردن».
- $*vr$  آریانی به  $br$  در فارسی کلاسیک: در کلمه  $*abra$  آریانی که به  $abr$  "ابر" تکامل نموده است. قس سانسکریت- $abhra$ ، اوستا  $awra$ . "ابر"
- $*θr$  > آریانی به  $hr$  در فارسی کلاسیک: (در اوستا  $θr$ ، در فارسی ب.  $h$ ) مثال: کلمه  $*miθra$  آریانی که به  $mihr$  «مهر» تکامل نموده است. مقایسه شود اوستا- $miθra$  و همچنان  $*xšaθra$  آریانی که در اوستا  $xšaθra$ ، در فارسی ب.  $xšaça$  و در سانسکریت  $kṣatra$  است در فارسی ک. به شهر  $šahr$  تکامل نموده است.
- $*θr$  آریانی به  $fr$  در فارسی کلاسیک: در کلمه  $*θraitauna$  آریانی که به  $Farēdōn$  «فریدون» تکامل نموده است، مقایسه شود اوستا- $θraētaona$ .
- $h > *θv$
- $dr > *δr$  (اوستا  $hr > δr$ ).
- $rd > *rt$  بعضی اوقات  $l$ .
- $rd > *rd$  در اوستا و فارسی ب.  $l > rd$ .
- $rz > *rz$  (در اوستا  $rd > rz$ ، در فارسی ب.  $l > rd$ ).
- $rb > *rp$

• rj > \*rč

• rz > \*rj

• rk > \*rg به ندرت

• m > \*nb

• m > \*fn

۵. ادغام یکی از مصوت‌ها:

• dv- آریانی به d فارسی کلاسیک: در کلمه \*dvar- آریانی که به dar تکامل نموده است.

• fš- آریانی به š فارسی کلاسیک: در کلمه \*fšu-pāna- آریانی که به fšu- «گوسفند» و pana- از ریشه \*pāy- «نگهبانی کردن» است، تکامل نموده است.

• zy- آریانی به z فارسی کلاسیک: در کلمه \*zya- آریانی که به zeyān تکامل نموده است.

• šy- آریانی به š فارسی کلاسیک: در کلمه \*šyav- آریانی که به šaw(ad) تکامل نموده است.

• xš- آریانی به š فارسی کلاسیک: در کلمه \*āxšti- آریانی که به āšti «آشتی» تکامل نموده است.

• rš- آریانی به š فارسی کلاسیک: در کلمه \*tršna-ka آریانی که به tašna تکامل نموده است.

• rn آریانی به r یا به r فارسی کلاسیک: در کلمه \*farnahvant آریانی که به farrox «فرخ» تکامل نموده است؛ یا کلمه Vi<sup>n</sup>dafarnah آریانی که به far یا farr تحول نموده است. آریانی \*darna مقایسه شود اوستایی- darəna که به دره darr/dara تکامل نموده است.

• rv آریانی به r فارسی کلاسیک: در کلمه \*harva آریانی که به har تکامل

نموده است.

## ۶. جا به جایی metathesis :

- \*fr به rf: آریانی -vafra\* «برف» فارسی م. vafr، فارسی ک.، دری و تاجکی barf، فارسی م. bārf مقایسه شود اوستایی vafra.
- آریانی -jafra\* «عمیق» فارسی ک.، دری و تاجکی žarf و فارسی žärf مقایسه شود اوستایی jafra.
- \*xr به rx: آریانی -čaxra\* «عراده، چرخ» فارسی ک.، دری و تاجکی čaxr، فارسی čaxr مقایسه شود اوستایی -čaxra.
- \*zr به rz: آریانی -vazra\* «گرز»، فارسی م. vazr، فارسی ک. و تاجکی gurz، دری و فارسی gorz مقایسه شود اوستایی vazra «چوب، گرز».
- \*zg به γz: آریانی -mazga\* «مغز»، فارسی م. mazg، فارسی ک.، دری و تاجکی mayz، فارسی mayz مقایسه شود اوستایی mazga «مغز».

## ۷. جا به جایی metathesis یکی از صامت‌ها با تکامل کیفی:

- \*kr به rg: فارسی م. hagriz «هرگز»، فارسی ک. و تاجکی hargiz، دری chargez، فارسی härkez.
- \*rθ آریانی به \*θr آریانی به hr, hl دوره معاصر.
- rs آریانی به \*sr آریانی به hl دوره معاصر.
- rt آریانی به \*tr آریانی به \*θr آریانی به hl بعداً به l دوره معاصر.
- rθ آریانی به \*θr آریانی به hr, hl دوره معاصر.
- xr آریانی به \*rx آریانی به lx دوره معاصر.

## ۸. جا به جایی دو تایی metathesis:

- \*xtr\* آریانی به \*xrt\* آریانی به xrd به xl به lx دوره معاصر طور مثال:  
دری، فارسی ک.، تاجکی Balx، فارسی Bälx «بلخ»، فارسی م. Baxl،  
فارسی ب. Bāxtri «باکتريا».
- دری kenār، تاجکی kanōr، فارسی ک. kanār، فارسی kånār «کنار»  
فارسی م. karān / kanār مقایسه شود اوستایی karana «کنار، پهلو، آخر».

## لهجه شناسی زبان دری

در مورد لهجه شناسی زبان دری مانند سایر بخش دستوری آن تحقیق نشده است،  
حتا گفته می توانیم که موضوع لهجه شناسی آن تا هنوز طرح نگردیده است.

موضوع لهجه شناسی زبان دری را باید از شروع زبان فارسی کلاسیک مورد بحث و  
تحقیق قرار داد. زبان فارسی کلاسیک ابتدا در افغانستان، فارس و آسیای مرکزی  
علاوه بر یک زبان ادبی و نوشتاری که به رسم الخط عربی با چهار صدای اضافی  
آریانی (پ، چ، ژ، گ) نوشته می شد چندین لهجه ساحه‌وی نیز وجود داشت. این  
لهجه‌ها در مناطق مروجّه خود بالای زبان نوشتاری تأثیر زیادی داشت و باعث به  
وجود آمدن سه لهجه بزرگ ادبی و نوشتاری تاجکی، دری و فارسی گردید.

فرهادی در مقدمه تیزس دکتورای خود زبان فارسی (فارسی کلاسیک) را به دو  
گروپ و چندین زیرگروپی تقسیم بندی نموده است.

- گروپ غربی زبان فارسی: زبان فارسی امروز و تمام لهجه های مربوط فارس را  
در بر می گیرد.

- گروپ شرقی زبان فارسی: که به نوبه خود به زیر گروپ‌های ذیل تقسیم می  
شوند:



۱. زیر گروهی زبان خراسان: که خراسان ایران و خراسان افغانی (امروز خراسان افغانی وجود ندارد مراد مؤلف البته از خراسان بزرگ که در آن ماوراءالنهر یعنی مرو، سغد و خوارزم نیز شامل میباشد)، سیستان، هزاره‌جات، غزنی، لوگر، گردیز و اورگون را شامل میشود.

۲. زیر گروهی افغانی و تاجکی: مناطق فارسی گویان جمهوریت‌های آسیای میانه یعنی جمهوری تاجکستان، ساحه‌یی از بدخشان (بلخ، سمنگان، بغلان) تا کابل از طریق پنجشیر، کوهستان (پروان\*) و مناطق شرقی افغانستان تا پامیر، چترال و بلوچستان. (\* دکتر عثمانجان عابدی. لهجه دری پروان، کابل ۱۳۶۱-۱۳۶۲)

## فارسی میانه

زبان فارسی میانه صورت تحول یافته فارسی باستان است و فارسی (فارسی معاصر)، دری و تاجکی را باید دنباله مستقیم آن دانست. این زبان از قرن سوم قبل از میلاد نقش زبان منطقه فارس را به عهده داشته و در زمان ساسانیان، از قرن سوم تا قرن هفتم میلادی به زبان رسمی این امپراتوری مبدل شده است. نام این زبان را پهلوی ساسانی هم یاد کرده اند. زبان فارسی باستان که در رده زبانهای ترکیبی طبقه بندی میشود، در دوره میانه به زبان تحلیلی مبدل شده است.

### آریانی مادر

میدی ، فارسی باستان	اوستا ، ساکی	دوره باستان
پارتی فارسی میانه	باختری، سغدی، خوارزمی، ساکی	دوره میانه
فارسی کلاسیک		دوره کلاسیک
تاجکی، دری، فارسی	پشتو، اوزمیری، یزغلامی، پراچی، واخی، اشکاشمی، یغنوبی، شغنی...	دوره معاصر

زمانی که ساسانیان به حکومت رسیدند، در آغاز زبان رسمی آنها همانا زبان رسمی اشکانیان، یعنی پارتی میانه بود. با سقوط دولت اشکانیان، زبان پارتی میانه از میان

## الفبای فارسی میانه

ترانسکرپسیون	الفبای کتابت	الفبای کتیبه	
ā, a	𐭠	𐭡	۱
b	𐭢	𐭣	۲
g	𐭤, 𐭥	𐭦	۳
d	𐭤, 𐭥	𐭧	۴
h	𐭨	𐭩	۵
v	𐭪	𐭫	۶
z	𐭬	𐭭	۷
x, h	𐭮	𐭯	۸
t	-	𐭰	۹
z, z	𐭱, 𐭲	𐭳	۱۰
k	𐭴	𐭵	۱۱
γ	𐭶	-	۱۲
r, l	𐭷, 𐭸	𐭹	۱۳
m	𐭺	𐭻	۱۴
n	𐭽	𐭾	۱۵
s	𐭿, 𐮀	𐮁	۱۶
ā, ī, ē	𐮂	𐮃	۱۷
r, f	𐮄	𐮅	۱۸
ē	𐮆	𐮇	۱۹
r, l	𐮈	𐮉	۲۰
š	𐮊	𐮋	۲۱
t	𐮌	𐮍	۲۲

نرفت، بلکه تا مدتها نفوذ خود را حفظ کرد و زبان فارسی میانه از شرایط یک زبان محلی ناحیه فارس به زبان رسمی مبدل شده بود و ناگزیر در چنین شرایط بسیاری از واژه‌ها و عناصر زبان پارتی به زبان فارسی میانه راه یافت.

از قرن سوم میلادی به بعد زبان فارسی میانه در دو مسیر جداگانه به تحول و تکامل خود ادامه داد یکی به عنوان زبان رسمی حکومت ساسانیان و دیگری در قالب مجموعه‌یی از لهجه‌های جغرافیایی. این زبان در نواحی مختلف منطقه مروج بود و در زمان حکومت ساسانیان زبان فارسی کلاسیک (فارسی دری) نامیده شده است. پس فارسی کلاسیک شکل تحول یافته زبان فارسی میانه دورانهای آغازین و میانی حکومت ساسانیان است.

**کتیبه‌های مکشوفه فارسی میانه:** آثار کتبی دوره ساسانیان با الفبای آرامی تحریف شده نوشته میشود.

به زبان فارسی میانه سنگ نوشته‌های متعددی از قرن سوم میلادی به بعد به جا مانده است. مهمترین سنگ نوشته‌های موجود مربوط به شاپور اول در کعبه زرتشت است که به خط کتیبه‌یی نوشته شده است. متباقی کتیبه فارسی میانه قرار ذیل است:

**شاپور اول:** نقش رجب، تنگ براق، حاجی آباد، نقش رستم.

**شاپور دوم:** طاق بستان، دو کتیبه.

**شاپورسگانشاه:** تخت جمشید دو کتیبه.

**کریر سه کتیبه:** نقش رجب، کعبه زرتشت، نقش رستم.

بعضی سنگ نوشته‌های دیگر نیز درین نواحی یافت شده که صاحب متن آن معلوم نیست.

آثار کتبی دوره ساسانی را میتوان طور ذیل شناسایی کرد:

۱. **آثار کتیبه‌یی:** شامل نوشته بر روی سنگ، دیوار، سفال، پوست، فلز، سنگهای قیمتی، چوب و پاپیرو است. اردشیر بابکان، کتیبه شاپور اول، شاپور در نقش رستم،

شاپور اول در حاجی آباد، شاپور اول در تنگی براق، کتیبه شاپور اول بر دیوار کعبه زرتشت.

## ۲. آثار فارسی میانه به خط کتابی (شکسته cursive):

الف- کتیبه‌های سنگ مزار و دخمه و آرامگاه‌ها.

ب- سفال نوشته‌های پهلوی به خط کتیبه‌یی (یا خط منفصل).

ج- پوست نوشته‌ها و یا پاپيروس نوشته‌ها.

د- فلز نوشته‌ها.

و در آخر میتوان از مهرها و سکه‌های ساسانی یاد آور شد.

## فونیتیک زبان فارسی میانه

واولها: در زبان فارسی میانه هشت واول وجود دارد:

$\bar{a}$  a,  $\bar{i}$  i,  $\bar{u}$  u,  $\bar{e}$  ai و  $\bar{o}$  au >

کانسوننت: در زبان فارسی میانه ۲۴ کانسوننت وجود دارد:

نرم کامی	کامی	دندانی	لبی	کانسوننت	
k g[ɣ]	č [j]	t d[δ]	p b[β]*	بی واک واکدار	انسدادی
x ɣ	š [ž]	s z	f	بی واک واکدار	سایشی
		n	m	واکدار	خیشومی
h	y	[l],r	w		روان

\*b و d گونه‌های موقعیتی [β] و [δ] و [ɣ] گونه [g] پس از مصوت هستند

## پروسة تاريخی و اول در زبان فارسی میانه

### a و ā

فونیم a از \*a آریانی تکامل نموده است:

۱-۱: [st] ast « استخوان » > آریانی \*ast مقایسه شود در اوستا ast،  
سانسکریت asthi, asthma.

۱-۲: [kp] kaf « کف » > آریانی \*kafa مقایسه شود در اوستا kafa،  
سانسکریت kapha « آبدیده »، دری کف.

۱-۳: [tnʔ] tan « تنه » > آریانی \*tanū مقایسه شود در اوستا tanū، سانسکریت  
tanū، دری tan، اورمپی tana.

۱-۴: [kn-] kan « کندن » فرس باستان kan > آریانی -kan \* مقایسه شود  
در اوستا -kan، سانسکریت -khan، دری -kan، پشتو -kind.

در چند واژه محدود a آغازین فارسی میانه از \*u آریانی تکامل نموده است:

۱-۵: فارسی میانه قدیم apar، متأخر abar [مانوی br] « بالای »، فارسی  
باستان upari > آریانی \*upari مقایسه شود در اوستا upari، سانسکریت upari.

۱-۶: فارسی میانه قدیم apāyāét، متأخر abāyed [مانوی b yd] « باید » >  
آریانی -ay -upa \* مقایسه شود در اوستا -upa-ay « رفتن به چیزی »،  
نزدیک شدن به چیزی».

۱-۷: فارسی میانه قدیم opisar، متأخر abisar [مانوی bysr] « کلاه آهنی » >  
آریانی \*upa-sarah « کلاه » < \*upa-sarah < \*apa-sara < \*apisar <  
\*abisar < \*afisar دری افسر (Nyberg, ۱۹۷۴, ۲۷).

فونیم ā از \*ā آریانی تکامل نموده است:

۲-۱: [k'n] kam « کام، آرزو »، فرس باستان kam > آریانی -kāma \*

مقایسه شود در اوستا—kāma، سانسکریت kāma.

۲-۲: rān [l'n̄] «ران» > آریانی \*rāna، اوستا rāna، دری rān.

۲-۳: فارسی میانه قدیم āp، متأخر āb [مانوی b̄] «آب»، فارسی باستان āpi، آریانی \*āp مقایسه شود در اوستا ap، سانسکریت ap.

۲-۴: فارسی میانه قدیم stārak، متأخر stārag [مانوی str̄g] «ستاره» > آریانی \*stāraka از ریشه stār، دری sitara.

۲-۵: فارسی میانه قدیم pātixšā(y)، متأخر pādixšā(y)، [مانوی p'dxš'y] «دولت حکومت» از pati+xšāy\* «حکومت داشتن، زیر امر داشتن»، دری pādšā.

تکامل ā در ترکیبهای [avā]، [āva]، [āwi]، [āya] بدون تغییر است:

۲-۶: pāk «پاک» > آریانی \*pāvaka، \*pavāka مقایسه شود در سانسکریت pāvaka (در ریگویدا pavāka) «پاک کننده».

۲-۷: syā «سیاه»، آریانی \*syāva مقایسه شود در اوستا syāva، سانسکریت śyava «سیاه».

۲-۸: srāy [مانوی sr̄y] «سرایدن» آریانی srāvaya از ریشه srav- مقایسه شود در اوستا srav «شنیدن».

۲-۹: فارسی میانه قدیم bat، متأخر bād «بادا» > از \*bavāt > \*bavati مقایسه شود در اوستا bavāiti.

۲-۱۰: فارسی میانه قدیم aškarak / متأخر aškārag «آشکارا»، آریانی \*āviš- kārā مقایسه شود در اوستا aviškāra از ترکیب āviš «واضح» و kār از فعل

kar «کردن» مقایسه شود در سانسکریت

āviṣ kārā، «واضح، آشکارا».

۲-۱۱: bāš [مانوی b̄š] «باشد» آریانی \*bavis.

۱۲-۲: šāh [مانوی |š h] «شاه»، فارسی باستان xšāyaθiya.

۱۳-۲: wahār [مانوی |wh r] «بهار»، فارسی باستان vāhara «موسم بهاری» دیده شود θūravāhara «نام ماه است»، سانسکریت vāsara «روشن».

۱۴-۲: xvāhar «خواهر، بلوچی gvahār، سانسکریت svasāram، اوستا xva η harəm

در یک تعداد واژه ها **ā** فارسی میانه از **\*a** آریانی تکامل نموده است:

۱۵-۲: tār «تاریک» > آریانی tanθra مقایسه شود در اوستا taθra.

۱۶-۲: فارسی میانه قدیم māhik، متأخر māhig «ماهی» مقایسه شود در اوستا māsiya، سانسکریت matsya.

۱۷-۲: māl از فعل مالیدن فارسی باستان mard، آریانی \*marz مقایسه شود در اوستا marəza.

## فونیم i و ā

فونیم **i** فارسی میانه از **\*i** آریانی تکامل نموده است:

۱-۳: tigr [مانوی |tygr] «تیر»، فارسی باستان tigma، آریانی \*tigra / \*tigrī در واژه tigma xauda «کلاه نوک تیز، مقایسه شود در اوستا tiyra «تیر، تیز» در دری تیر tir.

۲-۳: فارسی میانه قدیم pit, pitar، متأخر pid / pidar، [مانوی |pyd / pidar] «پدر»، فارسی باستان pitar، آریانی \*pitar مقایسه شود در اوستا pitar، سانسکریت pitar، ارومیری pe.

۳-۳: mahist، [مانوی |mhyst]، فارسی باستان maθišta «عالی» در ماده فعل با پیشوند \*vi- فعل virextan به معنای گریختن از \*vi + raik مقایسه شود در اوستا raēk «ماندن، گذاشتن». دری gurextan و با پیشوند \*ni فعل nišastan «نشستن» (nšstn) «نشستن»، فارسی باستان \*ni + šad nišādaya، گذاشتن،



از ریشه ni+had مقایسه شود در اوستا nišad «نشستن».

**i** فارسی میانه از \*a آریانی تکامل نموده است:

۳-۴: srišk «قطره» مقایسه شود در اوستا sraska «آبدیده» از srask «کندن،

جریان دادن»، فارسی کلاسیک sirišk «قطره اشک».

۳-۵: bizišk [مانوی bzyšk] «طیب، دوکتور» آریانی \*bišaz-ka، فارسی

کلاسیک bizišk، pizišk.

**i**-فارسی میانه در ترکیب [ir] از [r] آریانی باستان تکامل نموده است:

۳-۶: kirm [مانوی krm] «کرم»، آریانی \*k r mi مقایسه شود در

سانسکریت k r mi، فارسی کلاسیک kirm.

۳-۷: kird مانوی «کرد»، آریانی \*k r ta از ریشه k r :kar به معنای

«کردن».

**il** فارسی میانه از rd فارسی باستان که از [r z] آریانی باستان گرفته شده، تکامل

نموده است:

۳-۸: dil [dyl] «قلب» > آریانی z r d مقایسه شود در اوستا zarəd،

سانسکریت h r d.

۳-۹: hil [مانوی hyl] «ماندن»، گذاشتن «آریانی h r d مقایسه شود در

اوستا harz -:hərəz، فارسی کلاسیک hil، مصدر hištan.

۳-۱۰: tišn [tyšn] «تشنه»، آریانی \*t r šna مقایسه شود در اوستا taršna،

سانسکریت t r š na، t r š a، دری tašna.

**i** فونیم آریانی باستان تکامل نموده است:

۳-۱۱: vīst, [wyst] «۲۰»، آریانی \*vīsat مقایسه شود در اوستا vīsaiti در

واژه vīsaitivant «بیست مراتب»، پشتو vīst بخش دوم ترکیب اعداد از ۲۱-۲۹.

۱۲-۳: šīr [مانوی šyyr] « شیر »، آریانی \*xšīra مقایسه شود در سانسکریت

. k. s. īra

فونیم i فارسی میانه در ترکیب صداهای [\*iva] [\*iya] و [\*ya] آریانی

نگهداشته می شود:

الف- ī فارسی میانه از [\*īva] آریانی:

۱۳-۳: zīnhār « دفاع، امن » jīvana-hāra « نگهداشتن زنده گی » از jīvana از

ریشه gay ماده زمان حال آن jīva « زنده گی، زنده بودن » و hāra از ریشه har

آریانی مقایسه شود در اوستا har « نگهداشتن، در امن قرار دادن » دری زنهار

. zinhār

ب- ī فارسی میانه از [\*īya] آریانی:

۱۴-۳: فارسی میانه قدیم ditkar، متأخر didīgar، dudīgar [مانوی dwdygr]

، فرس باستان dūvitīya « دوم »، آریانی dūvitīya-kara مقایسه شود در

سانسکریت dūvitīya، دری دیگر digar.

ج- ī فارسی میانه از [\*īya] آریانی:

۱۵-۳: فارسی میانه قدیم māhīk، متأخر māhīg « ماهی »، آریانی \*masya -

ka مقایسه شود در اوستا masya، سانسکریت matsya.

۱۶-۳: فارسی میانه قدیم kanīk، متأخر kanīg « دختر »، آریانی \*kanya-kā

مقایسه شود در اوستا kainī، kainya « دختر »، سانسکریت kanyā.

۱۷-۳: فارسی میانه قدیم īk، متأخر īg > آریانی \*ya-ka در فارسی کلاسیک ī

که در دستور امروزی یای نسبتی گفته میشود.

ī فارسی میانه در موقعیت های ذیل از [\*ī] آریانی تکامل نموده است:

۱۸-۳: فارسی میانه قدیم parīk، متأخر parīg « پری » مقایسه شود در اوستا

. pairika، فارسی کلاسیک pari.

۱۹-۳: فارسی میانه قدیم nārīk ، متأخر nārīg « زن، خانم »، مقایسه شود در اوستا nairikā.

۲۰-۳: čītan / متأخر čīdan « چیدن، چیدن » > آریانی \*kay مقایسه شود در اوستا kay ماده زمان حال آن čay.čīn است. با پیشوند-vi به معنای « از هم جدا کردن » فارسی کلاسیک čīdan.

### فارسی میانه [īr] از [r̥.ya] | [r̥.vial] \* آریانی:

۲۱-۳: [ pyr pīr ] « پیر، کهن سال »، فارسی باستان paruviya در واژه paruviyata « اولین » > آریانی \*p̥r̥.vya مقایسه شود در اوستا paouruya « اولین ».

## فونیم u

### فونیم u در اکثر کلمات از \*u آریانی منشأ میگیرد:

۱-۴: urvar: « سبزه » > آریانی \*urvarā مقایسه شود در اوستا urvarā « سبزه »، سانسکریت urvarā « میسه ».

۲-۴: pus [ pws ] « پسر »، فارسی باستان puça > آریانی puθra مقایسه شود در اوستا puθra، سانسکریت putra.

۳-۴: angušt: « انگشت » > آریانی \*angušta مقایسه شود در اوستا angušta.

۴-۴: suxr: « سرخ »، فارسی باستان θuxra از \*suxra آریانی مقایسه شود اوستا suxra، سانسکریت śukra « روشن »، فارسی کلاسیک سرخ surx.

### u فارسی میانه از \*a آریانی قبل از \*n:

۶-۴: nāxun « ناخن » > آریانی \*āxan از واژه \*naxan آریانی مقایسه شود در سانسکریت nakha.

۴-۷: tuvān «توان، قدرت» از \*tav آریانی مقایسه شود در اوستا tav «دارای قدرت و زور»، سانسکریت tav، فارسی کلاسیک tavān، tawān.

u فارسی میانه در ترکیبی [gu] از [vi] آریانی مشتق شده است:

۴-۸: gumān «گمان» > آریانی vi-manah\* مقایسه شود در اوستا vīmanō.hya، سانسکریت vīmanas «قهر، دق».

۴-۹: gumēxtan «آمختن»، آریانی vi - maik\* [Nyber, ۱۹۷۴, p. ۸۶, ۱۵] و یا vi -√maig [Henning, ۱۹۳۳, p. ۱۷۸].

u فارسی میانه از \*r:

الف- در ترکیب [ur] آریانی r:

۴-۱۰: murw «مرغ» > آریانی m r ga\* مقایسه شود اوستا mərəya «مرغ»، سانسکریت m r ga، اورمپی morga.

۴-۱۱: [pwr] purs «پرسیدن» > آریانی p r sa مقایسه شود در اوستا pərəsa، سانسکریت p r cchati «او می پرسد».

۴-۱۲: [gwlg] gurg «گرگ» > آریانی vrka مقایسه شود در اوستا vāhrka، سانسکریت vr ka.

۴-۱۳: vazurg «بزرگ، کلان»، فارسی باستان vaz r ka «بزرگ» > آریانی \*vaz r ka.

۴-۱۴: ātur، متأخر ādur «آتش»، فارسی باستان ātar > آریانی \*āθar، \*atar فارسی کلاسیک aθar.

ب- در ترکیب [ul] آریانی [ r d ]، [ r z ]:

۴-۱۵: [gw] gul «گل، گلاب» > آریانی \*vr d مقایسه شود arəda «نام گیاه است، ممکن گل گلاب باشد».

buland: ۴-۱۶ «بلند» > b r̥ dant > آریانی b r̥ zant مقایسه شود در اوستا  
b r̥ hant سانسکریت «بلند» bərəzant

ج - در ترکیب [ uš ] آریانی [ \*rš ] :

۴-۱۷ pušt «پشت» > آریانی \*pršti مقایسه شود در اوستا paršti ، paršta ،  
سانسکریت p r̥ s̥ ti ، p r̥ s̥ tha ، فارسی کلاسیک pušt .

۴-۱۸ buš (bwš) «یال» > آریانی \*b r̥ ša مقایسه شود در اوستا barəša  
«گردن، پشت، اسپ» .

فونیم  $\bar{u}$  فارسی میانه از  $\bar{u}$  آریانی مشتق شده است:

۴-۱۹ stūn (stwn) «مانوی stūn» «ستون» ، فارسی باستان stūnā ، آریانی  
\*stūna مقایسه شود در اوستا stūna ، stūnā ، سانسکریت sthū n ā .

۴-۲۰ bwm [ bwm ] «بوم، منطقه، زمین» ، فرس باستان bwmī > آریانی  
\*bwmī مقایسه شود در اوستا bwmī ، سانسکریت bhwmī ، اورمیری boma  
«زمین» .

۴-۲۱ dūr [ dwr ] «دور» ، فارسی باستان dūra > آریانی dūra مقایسه شود در  
اوستا dūra ، سانسکریت dūra .

در یک تعداد واژه های فارسی میانه از  $\bar{u}$  آریانی تکامل نموده است:

۴-۲۲ yātūk / متأخر j̄ ādūg «جادو» > آریانی yātu-ka \*مقایسه شود در  
اوستا yātu ، سانسکریت yātu «جادوگری» ، دری jādu .

۴-۲۳ pahlūk / متأخر pahlūg ، فارسی باستان parθu «پهلو» > آریانی  
\*parsuka مقایسه شود در اوستا parəsu ، سانسکریت parsu ، دری pahlu .

در یک تعداد افعال که صفت مفعولی و مصدر آن به t و d ختم شده باشد، فونیم  
 $\bar{u}$  آن عوض  $\bar{a}$  آریانی قرار گرفته است:

۲۴-۴: stūtan «ستودن» از -stu:-stav\* آریانی که صفت مفعولی آن stūta است.

۲۵-۴: nimūdan / nimūtan متأخر «نمودن» > آریانی ni-mā -ta از ریشه |mā «اندازه کردن، مقیاس کردن» مقایسه شود در فرس باستان و اوستا √mā(y) صفت مفعولی آن māta .

از همین ریشه آریانی با پیشوند fra- فعل فارسی میانه قدیم framūtan متأخر framūdan ساخته میشود.

### فونیمهای ē و ō

فونیم ē فارسی میانه در بسیاری واژه ها از [ \*ai ] آریانی تکامل نموده است:

۱-۵: ēv [ مانوی 'yw ] «یک»، فارسی باستان aiva > آریانی aiva\* مقایسه شود در اوستا aēva- پشتو yaw .

۲-۵: mēš [ مانوی myš ] میش > آریانی \*maiša ، \*maiši مقایسه شود در اوستا maēša «گوسفند» maēši «میش»، سانسکریت meṣa «گوسفند».

۳-۵: gēs [ gys ] گیسو > آریانی gaisa- مقایسه شود در اوستا gaēsa «مو» .

۴-۵: vēn [ wyn ] ، فارسی باستان vaina «دیدن» > آریانی vaina\* مقایسه شود در اوستا vaēna ، پشتو win-əm .

ē فارسی میانه از [ \*ayu ] ، [ \*ahya ] ، [ \*ahyu ] ، [ \*aya ] تکامل نموده است.

۵-۵: se «سه» > آریانی \*θrayah مقایسه شود در اوستا θrayo, θrī ، سانسکریت trī , traya h ، دری se .

۶-۵: شناسه سوم شخص مفرد ē- / متأخر ēd > آریانی aya-ti\* و سوم شخص جمع ēnd- > آریانی ayanti\* .

۷-۵: kē [مانوی ky]، فرس باستان ka «کی» > آریانی kahya حالت اضافی  
مفرد از ka- \*čē [مانوی čy] «چی» مقایسه شود در اوستا čahya حالت اضافی  
مفرد از ke «کی» کدام، دری čī.

۸-۵: [dyh] dēh «مملکت، قریه، منطقه»، فارسی باستان dahyu «مملکت،  
ولایت، قریه» از dahyu \*مقایسه شود در اوستا dahyu، دری، ده dēh.

۹-۵: [myx] mēx «میخ»، فارسی باستان mayuxa > آریانی mayuxa \*مقایسه  
شود در سانسکریت mayukha «میخ».

### ē فارسی میانه در ترکیب [ēr] از [arya] [irya] آریانی.

۱۰-۵: [yl] ēr آریایی «نیک بخت، نجیب، جوان مرد» > آریانی arya \*مقایسه  
شود airya، فارسی باستان ariya به معنای «آرین».

۱۱-۵: nērōk / متأخر nērōg «نیرو، قوه» > آریانی naryava \* از narya \*  
آریانی مقایسه شود در اوستا nairya، سانسکریت narya «مردانه و قوه مردانگی».

۱۲-۵: [čyr] čēr «فاتح، چیره دست» مقایسه شود در اوستا čīrya «قوی، دلیر،  
شجاع».

## فونیم ō

فونیم ō فارسی میانه در اکثر واژه ها از [au] آریانی منشأ گرفته است:

۱۳-۵: [gwš] gōš «گوش»، فارسی باستان gauša > آریانی gauša \*مقایسه  
شود در اوستا gaoša، سانسکریت ghoṣa «صدا، غالمغال».

۱۴-۵: rōč / متأخر roz [مانوی [rwz]، فرس باستان raučah «روز» > آریانی  
raučah مقایسه شود در اوستا raočah «روشنی»، سانسکریت rocas «روشنی».

۱۵-۵: [kwp] kōf «کوه» > آریانی kaufa \*مقایسه  
شود در اوستا kaofa «کوه».

۱۶-۵: gōv, [gw] go-, فارسی باستان gauba «گفتن».

۱۷-۵: pōst «پوست»، فارسی باستان pavasta > آریانی pavasta\* «پوش گلی».

۱۸-۵: frōt / متأخر frōd [مانوی prwd] «پایین، فرود» > آریانی fravata\*

مقایسه شود در اوستا و فارسی باستان fravata «به پیش».

۱۹-۵: nōk / متأخر nōg [مانوی nwg] «نو، جدید» > آریانی navaka, مقایسه

شود در اوستا nava «نو، تازه»، سانسکریت nava، دری نو naw.

۲۰-۵: ōzan «کشتن» > آریانی -j ana-ava\* مقایسه شود در اوستا و فارسی

باستان ava-jana ماده زمان حال فعل gan «کشتن، نابود کردن».

## پروسه تاریخی کانسونانتهای زبان فارسی میانه

### فونیم ب = β

۱-۱ : baxt «بخت، سرنوشت» > آریانی baxta\* مقایسه شود در

اوستا baxta.

۱-۲ : bun [bwn] «بن، تهداب» > آریانی buna, مقایسه شود در اوستا

buna.

۱-۳ : brūk متأخر brūg «ابرو» > آریانی brū-ka مقایسه شود در سانسکریت

bhrūka, bhrū-، دری ابرو abrū.

۱-۴ : abr [bl - pl] «ابر» > آریانی abra\* مقایسه شود در اوستا awra,

سانسکریت abhra، دری abr.

۱-۵ : xumb [مانوی xwmb] «خُم» > آریانی xumba\* مقایسه شود در اوستا

xumba، سانسکریت kumbha، فارسی کلاسیک xumb.

فونیم β در زبان فارسی میانه نظر به موقعیت در هجا یعنی بین دو مصوت و بعد از

مصوت و بعد از \*r / به صدای β که از \*P آریانی تکامل نموده باشد:



الف - b به حالت β که از \*p آریانی تکامل نموده است:

۱-۶: āpāt / متأخر [āβād] ābād «آباد» > آریانی pata - ā\* از ریشه  $\sqrt{pa}$  آریانی به معنای «نگهداشتن» مقایسه شود در اوستا  $\sqrt{pa}$  (y) صفت مفعولی آن pāta.

۱-۷: šap / متأخر [šab] «شب» > آریانی xšap مقایسه شود در اوستا و فارسی باستان -xšap.

۱-۸: čarp / متأخر [čarβ] «چرب» > آریانی čarf\* فارسی کلاسیک čarb.

## P = پ

فونیم P فارسی میانه از \*p آریانی منشأ میگیرد:

الف - در ابتدای واژه:

۱-۲: parr «پَر» و آریانی \*parna مقایسه شود در اوستا parəna، سانسکریت a pav n.

۲-۲: purr «پُر» > آریانی \*p r na مقایسه شود در اوستا parəna «پُر».

۲-۳: peš «قبلی، پیش»، فارسی باستان paišya.

۲-۴: pēm «شیر» > آریانی \*paiman مقایسه شود در اوستا paēmana «شیرمادر».

ب - در ترکیب sp در واژه های دخیل از گروپ زبانهای شمال غربی:

۲-۵: spāh «سپاه، عسکر»، فارسی باستان spāda > آریانی \*spāda مقایسه شود در اوستا spāda، فارسی کلاسیک sipāh.

۲-۶: spēt متأخر spēd «سفید» > آریانی \*spita مقایسه شود در اوستا spaēta، سانسکریت śveta.

gōspand [gwspnd] «گوسفند» > آریانی gau-spanta\* مقایسه شود در اوستا gaošpəhta از ریشه gav «حیوان بزرگ شاخ دار» و spənta «مقدس» در فارسی کلاسیک gosfand ، gōspand ثبت است.

## t = ت

فونیم t فارسی میانه از t آریانی منشأ میگرد:

۳-۱: tan [tn] «تن» > آریانی tanū\* مقایسه شود در اوستا و فارسی باستان tanū، سانسکریت tanū، دری تن tana, tan.

۳-۲: tāham «تخم» > آریانی tauxman\* مقایسه شود در اوستا taoxman «تخم، زاینده»، فارسی باستان taumā «تخم و تبار»، سانسکریت tokman، پشتو tokm.

۳-۳: stōr [stwr] «اسپ» > آریانی staura مقایسه شود در اوستا staora حیوان بزرگ خانه گی از قبیل «شتر، اسپ و خر».

۳-۴: uštur [wštr] «شتر» > آریانی uštra\* مقایسه شود در اوستا uštra، سانسکریت u.s tra.

۳-۵: haft «۷» > آریانی hafta\* مقایسه شود در اوستا hapta، سانسکریت saptā دری haft.

## فونیم k

فونیم k زبان فارسی میانه از k آریانی تحول نموده است:

الف- در ابتدای واژه قبل از واکه و قبل \*r آریانی:

۴-۱: kamar [kmr] «کمر» > آریانی kamara\*، مقایسه شود در اوستا kamarā، دری کمر kamar.

۴-۲: kēn [kyn] «کینه» > آریانی kaina\* مقایسه شود در اوستا kaēna

«جزا، کینه».

۳-۴: kũ [ مانوی kw ] «کجا، اگر، به این طور» > آریانی \*kũ مقایسه شود در اوستا kũ «کجا»، سانسکریت kũ .

ب- در ترکیب [ šk ] فارسی میانه از [ \*sk ]، [ \*sk ]، [ \*šk ] آریانی:

۴-۴: hušk «خشک»، فارسی باستان uska > آریانی \*hoška مقایسه شود در اوستا \*hoška، سانسکریت suska.

۴-۵: srišk «قطره» مقایسه شود در اوستا sraska «آبدیده» از srask «کندن، جریان دادن»، فارسی کلاسیک sirišk «قطره اشک».

ج- در حالت بین دو واکه و بعد از واکه k زبان فارسی میانه بدون تغییر است:

۴-۶: nēk [ مانوی nyk ] «نیک» > آریانی \*nēvak > naiba-ka، مقایسه شود در فارسی باستان niba «خوب».

۴-۷: tanuk «تنک» > آریانی \*tanuk-ka، مقایسه شود در سانسکریت tanu «تنک».

## فونیم d

فونیم d در زبان فارسی میانه طور ذیل تکامل نموده است:

۱. از \*d > آریانی (اوستا و فرس باستان d).
  ۲. از \*z > آریانی (اوستا z و فرس باستان d).
  ۳. از \*t > آریانی (اوستا و فرس باستان t).
  ۱. در ابتدای کلمه قبل از واکه و قبل از r:
- ۵-۱: dha [ dh ] «۱۰» > آریانی \*dasa مقایسه شود در اوستا dasa، سانسکریت dasa، اورمپی das، پشتو las.
- ۵-۲: dēn [ dyn ] «دین، مذهب» > آریانی \*daina مقایسه شود در اوستا

daēna، در تمام زبان معاصر آریانی din.

۳-۵: [dws] dōš «شانه» > آریانی \*dauš، مقایسه شود در اوستا daoš،  
سانسکریت do s ān.

۴-۵: [drpš] drafš «درفش، بیرق» > آریانی drafša، مقایسه شود در اوستا  
drafša، سانسکریت drapsá، دری درفش.

d فارسی میانه بعد از \*z، \*z̥، \*z آریانی:

۵-۵: [bnd] band «بند، بستن» آریانی \*banda مقایسه شود در اوستا banda.

۶-۵: azd «مشهور، آزاد» > آریانی \*azdā مقایسه شود در اوستا و فرس باستان  
azdā «مشهور».

۷-۵: [nzd] nazd «نزدیک، نزد» > آریانی \*nazdyah مقایسه شود در اوستا  
nazdyō.

۸-۵: [mzd] mizd «مزد، معاش» مقایسه شود در اوستا \*mižda، فارسی  
کلاسیک mužd، muzd.

d فارسی میانه آریانی \*z (اوستا z، فارسی باستان d):

۹-۵: [dst] dast «دست» > آریانی \*zasta مقایسه شود در اوستا zasta، فرس  
باستان dasta، سانسکریت hašta، دری dast، پشتو lās.

۱۰-۵: [dyl] del «قلب» > آریانی \*zr̥d مقایسه شود در اوستا zarəd،  
سانسکریت hr̥d.

۱۱-۵: [dwst] dost «دوست، رفیق» > آریانی \*zauštar، فارسی باستان  
dauštar مقایسه شود در سانسکریت jo s tar.

۱۲-۵: dān «دانستن» > آریانی  $\sqrt{zan}$  \* فارسی باستان dan ماده زمان حال  
dānā مقایسه شود در اوستا zan ماده زمان حال آن zān، zānā، سانسکریت

**d** فارسی میانه بعد از **n** \* از **t** \* آریانی منشأ میگیرد:

۵-۱۳: dandān «دندان» > آریانی dantān\*، اوستا dantān.

۵-۱۴: buland «بلند» > آریانی b r̥ zant ، اوستا bərəzant، سانسکریت b r̥ hant.

۵-۱۵: čand «چند» مقایسه شود در اوستا čavan, čavant «چقدر، چند».

**d** در یک تعداد واژه های محدود زبان فارسی میانه از **[dv]** \* آریانی منشأ میگیرد:

۵-۱۶: dar «در، دروازه» > آریانی dvar\*، فارسی باستان duvar مقایسه شود در اوستا dvar، سانسکریت dvār.

۵-۱۷: do [۲] > آریانی dva\* مقایسه شود در اوستا dva، سانسکریت duva, dva.

### فونیم g

فونیم g زبان فارسی میانه در حالت ذیل از g \* آریانی تکامل نمود است.

الف - در ابتدای واژه قبل از مصوت و قبل از r:

۶-۱: [gl]gar «کوه» > آریانی gairi\*، فارسی باستان garay, gairi، سانسکریت gar, giray.

۶-۲: garm «گرم» > آریانی garma\*، فارسی باستان garma، اوستا garəma، سانسکریت gharma.

۶-۳: gām «قدم، گام» > آریانی gāman\* مقایسه دور در اوستا gāman، فارسی کلاسیک gām.

۶-۴: grih «گره» > آریانی granθi\* مقایسه شود در سانسکریت granthi، فارسی کلاسیک girih.

ب- g فارسی میانه بعد از \*n و بعد از \*z .

۶-۵: angušta «انگشت» مقایسه شود در اوستا angušta ، سانسکریت angušta

añgu

۶-۶: rang «رنگ» > آریانی \*ranga مقایسه شود در سانسکریت rañga

۶-۷: [mzg]mazg «مغز» > آریانی \*mazga مقایسه شود در اوستا mazga

فارسی کلاسیک mayz .

g فارسی میانه از [\*k] آریانی تحول نموده است:

۶-۸: vazurg «بزرگ»، فارسی باستان vazraka > آریانی \*vazrka .

۶-۹: varg «برگ» > آریانی \*varka مقایسه شود در اوستا varəka [p. ۱۳۶۷]

[Bartholmae]

۶-۱۰: [mlg] marg «مرگ» > آریانی \*marka مقایسه شود در اوستا

mahrka, marak ، سانسکریت marka «نام دیو» .

g فارسی میانه در موقعیت بین دو مصوت و بعد از مصوت و بعد از ʾ:

۶-۱۱: nikāh متأخر nigāh «نگاه» > آریانی \*nikās از ریشه \*kas به معنای

«دیدن» مقایسه شود در پشتو kəsəm «من میبینم»، اوستا kas «دیدن» .

۶-۱۲: pārag / متأخر pārag «قرض» > آریانی \*pāraka مقایسه شود در

اوستا [p. ۸۸۹] [Bartholmae] «قرض» پشتو por ، فارسی کلاسیک pāra .

g فارسی میانه از \*v آریانی طور ذیل تکامل نموده است:

۶-۱۳: [gwlg]gurg «گرگ» > آریانی \*vr̥ka مقایسه شود در اوستا

vəhrka ، سانسکریت vr̥ka .

۶-۱۴: gušn «نر» > آریانی \*vr̥šna مقایسه شود در اوستا varšni

«گوسفند» .

۶-۱۵: gurtak / متأخر gurdag «گرده» > آریانی vr̥taka از ریشه \*vart

مقایسه شود در اوستا varət

«دور خوردن، تو خوردن»

### g فارسی میانه در ترکیب [gu] از [\*vi] آریانی تحول نموده است:

۱۶-۶: gukān / متأخر gugān «ویران کردن از بین بردن» > آریانی \*vi+kan

مقایسه شود در فارسی باستان و اوستا kān «کندن» باپشوند، vi «از بین بردن»

۱۷-۶: gukāy / متأخر gugāy «شاهد، گواهی دهنده» > آریانی \*vi-kava

ریشه \*kav «دیدن»، فارسی کلاسیک گواه guvāh.

۱۸-۶: gumān «گمان» > آریانی \*vi+man مقایسه شود در اوستا man

«فکر کردن».

تکامل \*vi به gu در زبان فارسی میانه در تعداد محدود واژه ها دیده شده در

بسیاری از واژه \*vi به حالت خود باقی مانده است.

### g فارسی میانه در ترکیب [gy] از [\*vy] و [\*viy] آریانی تحول نموده است:

۱۹-۶: gyān «جان، روان، روح» > آریانی āna + vi=، مقایسه شود در

سانسکریت vyāna «تنفس» از ریشه -van به معنای تنفس کردن.

۲۰-۶: gyāk / متأخر gyāg «جای» > آریانی \*viyak از \*vivāka-> vivāha-

ka) از ریشه \*vah مقایسه شود در اوستا vah، سانسکریت vas «جای، موقعیت»

## فونیم γ

این صدا در واژه های محدود دیده شده و اکثراً از صدای γ اوستایی که از \*g

آریانی تحول یافته، دیده شده است.

۱-۷: maγ [mγ] «چاه» مقایسه شود در اوستا maγa «گودال، عمق».

۲-۷: mēγ «ابر» > آریانی maiga، مقایسه شود در اوستا maēya «ابر، توفان»،

سانسکریت megha.

۷-۳: rōyn «روغن» > آریانی \*raugna، مقایسه شود در اوستا raoyna این صدابه صورت عموم در واژه‌های اوستایی دیده شده صدای دخیل اوستایی [Rastargueva V.S., ۱۹۸۱, p.۳۳].

## فونیم f

فونیم f زبان پارسی از \*f آریانی طور ذیل تحول نموده است:

۸-۱: [plm,n] framan «امر، فرمان» > آریانی \*framāna، فارسی باستان framānā، سانسکریت pramāna «اندازه، مقیاس»، فارسی کلاسیک farmān.

۸-۲: [plšn] frašn «سؤال» > آریانی frašna مقایسه شود در اوستا frašna «سؤال، دیالوگ، گفتگو»، سانسکریت prasna.

۸-۳: [kf] kaf «کف» > آریانی \*kafa مقایسه شود در اوستا kafa، سانسکریت kapha.

۸-۴: zo fr «ژرف، عمین» > آریانی z̄ afar، مقایسه شود در اوستا z̄ afra، در فارسی کلاسیک از زبانهای شمال غربی žafr، دری žarf.

۸-۵: škoft «وحشتناک، خوفناک»، مقایسه شود در اوستا skapta «حیرت انگیز» فارسی کلاسیک šigift.

۸-۶: [drpš] drafš «درفش، بیرق» > آریانی drafša، مقایسه شود در اوستا drafša، سانسکریت drapsá، دری درفش.

۸-۷: xuft «او خوابید» > آریانی \*xvafta مقایسه شود صفت مفعولی xvapta از xvāp «خواب».

۸-۸: haft «۷» > آریانی \*hafta مقایسه شود در اوستا hapta، سانسکریت sapta دری haft.



## فونیم ۷

فونیم ۷ فارسی میانه از ۷ آریانی تحول نموده است:

- ۹-۱: vafr «برف» > آریانی \*vafra\* مقایسه شود در اوستا vafra «برف».
- ۹-۲: vāt / متأخر vād «باد» > آریانی \*vata\* مقایسه شود در اوستا vāta، سانسکریت vāta.
- ۹-۳: āvāz «آواز» > آریانی \*ā-vāča\* از \*vak-: \*vač-\* مقایسه شود در اوستا vak «گفتن».
- ۹-۴: gav «گاو» > آریانی \*gav-\* مقایسه شود در اوستا gav-، سانسکریت gav.
- ۹-۵: kišvar «کشور، مملکت» > آریانی kṛšvar مقایسه شود در اوستا karšvar «بخشی از جهان».
- ۹-۶: در یک تعداد محدود واژه‌ها پرفکس \*vi\* آریانی به حالت خود باقی مانده است: از قبیل فعل virēxtan که در مرحله اولی فارسی میانه vireč / متأخر virez «گریختن» از \*vi + raik\* آریانی. مقایسه شود در اوستا raēk «ماندن، آزاد نمودن» فارسی gurēxtan.
- ۹-۷: vitūr / متأخر vidīr از مصدر vitaštan «گذشتن» > آریانی \*vi-tar\* مقایسه شود در اوستا، فرس باستان vi-tar، فارسی کلاسیک guḍar، گوداشتن gudaštan. پشتو gudar.
- علاوه بر آن ۷ فارسی میانه در حالت ذیل تکامل نمود است:
- الف- از \*b\* آریانی بعد از مصوت:
- ۸- ۹: nēw «خوب»، فارسی باستان naiba «خوب»
- ۹-۹: dātvar / متأخر dādvar «قاضی» > آریانی \*dāta-bara\* از واژه dāta «قانون» bar «بردن»، فارسی کلاسیک dādvar «حاکم، قاضی».

۹-۱۰: asvār «سوار کار»، فارسی باستان asabāra «سوار کار»، فارسی کلاسیک savār.

۹-۱۱: āvar «آوردن» > آریانی bara - \*ā- از bar «بردن»، فارسی کلاسیک āvar.

ب- از g آریانی و r او ستایی بعد از مصوت و بعد از r:

۹-۱۲: marv «سبزه» مقایسه شود در اوستا marəya «مرغزار».

۹-۱۳: murv «مرغ» > آریانی \*m r ga مقایسه شود در اوستا mərəya دخیل از اوستا.

۹-۱۴: marv «مرو»، فارسی باستان Margu, margiana, فارسی کلاسیک marv.

۹-۱۵: mōvpat / متأخر mōvbad «موبد» > آریانی \*magu-pati از واژه \*magu مقایسه شود در فارسی باستان magu «معلم خدمتگار در مذهب زرتشتی».

### فونیم č:

فونیم č فارسی میانه از č\* آریانی طور ذیل تکامل نموده است:

الف- در ابتدا واژه قبل از مصوت:

۱۰-۱: čašm «چشم» > آریانی \*čašman، فارسی باستان čaša، مقایسه شود در اوستا čašman سانسکریت čakṣas.

۱۰-۲: čarm «پوست» > آریانی čarman، فارسی باستان čarman، مقایسه شود در اوستا čarman، سانسکریت carman.

۱۰-۳: čer «دلیر، شجاع، دلداری» مقایسه شود در اوستا čiryā.

ب- بعد از حالت‌های بی واک:

۱۰-۴: vaččak «بچه، کودک» از \*vat- čak.

ت فارسی میانه در بین دو مصوت و بعد از مصوت در کلمات مرحله اولیه تکامل

زبان فارسی میانه بدون تغییر است:

۵-۱۰: hučašm «نظر نیک» hu به معنای خوب و čašm به معنای «چشم».

۶-۱۰: hučihr «خوش چهره» hu+ čihra.

۷-۱۰: pečidan «پیچیدن» > آریانی patiča\* مقایسه شود در اوستا paitiča

«برعکس» čitanay\* مقایسه شود در سانسکریت čin «گذاشتن» و تکامل آن در

زبانهای باستانی طور ذیل است:

Nyberg ], patiča-čitanay > paič(a)čitan > pēččitan > pečidan

[ ۱۹۷۴, p. ۱۶۰

### فونیم ژ

ژ در مرحله متأخر زبان فارسی در ابتدای کلمه قبل از مصوت از y\* تحول نموده

است:

۱-۱۱: /yām/ متأخر ā ṣ «جام» > آریانی yāma\* مقایسه شود در اوستا\* yama

«شیشه» pačik.yāmō. «داش برای آتش شیشه»

۲-۱۱: /yāvar/ متأخر ā r «دفعه، وقت، زمان» > آریانی yāva-vara از ریشه-

yav\* مقایسه شود در اوستا -yav «زمان»

۳-۱۱: /yakar/ متأخر ā g «جگر» > آریانی yakar\* مقایسه شود در

اوستا yākar, سانسکریت yak r t

فارسی میانه کتابی ژ مانوی z از ژ\* آریانی:

۴-۱۱: han ā aman : [مانوی hanzaman] «انجمن» > آریانی ā aman ṣ

han-a\* مقایسه شود در اوستا han-jamana .

۵-۱۱: han ā am : [مانوی hanzām] «انجام» > آریانی han- ā ama از ریشه

gam مقایسه شود در فارسی باستان و اوستا gam «آمدن» ماده زمان حال در اوستا  
jama ، jama یا jama «جمع شدند».

فارسی میانه کتابی z ، مانوی z ، آریانی \*č:

۶-۱۱: pan z [مانوی panz] «۵» > آریانی \*panča مقایسه شود در اوستا  
panča ، سانسکریت pañča .

۷-۱۱: pan z ah «۵۰» مقایسه شود در اوستا panča-samt ، سانسکریت  
pañčasat .

### S فونیم

s در زبان فارسی میانه از \*s آریانی (اوستا و فارسی باستان s) تکامل نموده است:

۱-۱۲: [stl] stār «ستاره» > آریانی \*stār .

۲-۱۲: stārak / متأخر stārag «ستاره» > آریانی stār-a-ka ، مقایسه شود در  
اوستا stār .

۳-۱۲: ast «است» > آریانی \*asti مقایسه شود در اوستا asti ، فارسی باستان  
astiy ، سانسکریت asti .

۴-۱۲: [spl] spar «سپر» > آریانی \*spar مقایسه شود در سانسکریت  
spharam .

s فارسی میانه در ترکیب [st] آریانی [\*st]:

۵-۱۲: ōpast / متأخر ōbast از مصدر ōpastan «افتیدن، فرود آمدن» > آریانی  
\*ava- pasta از ریشه pat مقایسه شود در اوستا و فرس باستان pat «پرواز  
کردن، افتیدن»، سانسکریت pat- و صفت مفعولی آن patita .

۶-۱۲: mast «مست، نیشه» > آریانی \*masta از ریشه \*mad مقایسه شود در  
اوستا mad «نیشه» صفت مفعولی آن masta ، سانسکریت mad صفت مفعولی

آن matsta و matta .

۷-۱۲: bast [bst] ماده زمان حال فعل *\*bastan* «بستن» از *band* آریانی مقایسه شود در اوستا و فرس باستان *band* «بستن، مسدود کردن» صفت مفعولی *basta* از *\*batsta* <*\*badzdha*، سانسکریت صفت مفعولی *baddha* از *bandh* .  
فارسی میانه s آریانی \*s (اوستا، میدی s، فارسی باستان θ) در ابتدای کلمه قبل

از مصوت:

۸-۱۲: *sāl* «سال»، فارسی باستان *θard* > آریانی *\*sard* مقایسه شود در اوستا *sarəd*، سانسکریت *śarad*  
«خزان» ریشه اندواروپایی *\*kel* «خنک، سردی».

۹-۱۲: *sard* «سرد» > آریانی *\*sarta* اوستا *sarəta* از همان ریشه اندواروپایی *\*kel* .

۱۰-۱۲: *sat* / متأخر *sad* «۱۰۰»، فارسی باستان *θata* > آریانی *\*sata* مقایسه شود در اوستا *sata*، سانسکریت *\*śata* . اورمپی *so*، ریشه اندواروپایی *\*kmt-om*

۱۱-۱۲: *suxr* «سرخ»، فارسی باستان *θuxra* مقایسه شود در اوستا *suxra*، سانسکریت *\*śukra* .

۱۲-۱۲: *sōz* / *sōč* «سوز»، فارسی باستان *\*θauča* از *θūčača* از ریشه *soak* سوختن > آریانی *\*sauča* از *-sauk* : *-suk* مقایسه شود در اوستا *-soak* «سوختن» ماده زمان حال *-saoča*، سانسکریت *\*śocati* «سوختن» .

۱۳-۱۲: *sar* «کله، سر»، فارسی باستان *\*θarah* از *θāramina*، [Hinz ۱۹۷۵]، *p. ۲۳۹* > آریانی *\*sarah* مقایسه شود در اوستا *sarah*، سانسکریت *\*śiras* .

فارسی میانه s، آریانی [sp] فارسی باستان s، اوستا و میدی [sp]، اریک [\*sv]  
۱۴-۱۲: *asvār* «سوار»، فارسی باستان *asa-bāra* که *asa* آن به معنای اسپ از

*aspa*\* آریانی است. مقایسه شود اوستا و میدی *aspa*، سانسکریت *asva*.  
 ۱۵-۱۲: *sak* / متأخر *sag* «سگ»، فارسی باستان *saka* > آریانی *\*s n-ka* از  
*spanka*\* آریانی مقایسه شود در اوستا *span* «سگ»، میدی *spaka*،  
 سانسکریت *śavan*.

فارسی میانه *s*، آریانی *s < |ss|*، آریک *[\*ss]*، اوستا و فارسی باستان *[s]*:

۱۶-۱۲: *tars* «ترس»، فارسی باستان - *sa* *\*t r* مقایسه شود در اوستا *tərəsa*.  
 ۱۷-۱۲: *ras* «رسیدن» > آریانی *\*rasa* از ریشه *-ar*: *√ r* مقایسه شود در اوستا و  
 فارسی باستان *rasa* از ریشه *-ar*.

۱۸-۱۲: *šnās* «شناختن» فارسی باستان *xšnāsa* مقایسه شود در اوستا *xšnāsa*.

فارسی میانه *[sp]*، آریانی *[\*sp]*، (اوستا و میدی *[sp]*)، فارسی باستان *s*:

۱۹-۱۲: *asp* «اسپ» > آریانی *\*aspa*، فارسی باستان *asa* مقایسه شود در اوستا  
 و میدی *aspa*، سانسکریت *asva*.

۲۰-۱۲: *spēd* / *spēt* «سفید» > آریانی - *\*spaita* مقایسه شود در اوستا *spaēta*

، سانسکریت *śveta*، اورمیری *spew*، پشتو *spin*.

۲۱-۱۲: *spihr* «سپهر، ملک، آسمان» > آریانی *spiθra* مقایسه شود در  
 سانسکریت *śvitra* «سفید».

فارسی میانه *s*، آریانی *[\*θr]*، آریک *[tr]*، فارسی باستان *[ϕ]*، اوستا *[θr]*:

۲۲-۱۲: *pus* «پسر»، فارسی باستان *pu ϕ a* > آریانی *\*puθra* مقایسه شود در  
 اوستا *puθra*، سانسکریت *putra*.

۲۳-۱۲: *pās* «محافظ، نگهبان»، فارسی باستان *pāça* > *\*pāθra* مقایسه شود در  
 اوستا *pāθra*، در واژه ترکیبی *pāθra-vant*.

۲۴-۱۲: *se* «سه» > آریانی *\*θrayah* مقایسه شود اوستا *θray* صورت فاعلی مفرد  
 از *θrayō*، سانسکریت *trayah*.



احاطه کردن «pairi daēza» باغچه، احاطه کردن زمین برای حاصل و زراعت»،  
سانسکریت dēhi دیوار.

۷-۱۳: [zwl]zūr (فره وشی zor ص. ۶۷۱) «دروغ، فریب» > آریانی \*zūrah\*،  
فارسی باستان zūrah «دروغ» مقایسه شود در اوستا zurah.

۸-۱۳: raz «رز، شراب، تاکستان انگور»، فارسی باستان \*raza\* آریانی \*raz\* مقایسه  
شود در اوستا razura «جنگل، باغچه» از ریشه raz به معنای «متوجه کردن  
معطوف کردن»

### فارسی میانه z > آریانی \*z\* :

۹-۱۳: zan «زن» > آریانی \*z̄ ani\* مقایسه شود اوستا ani z̄ ، ani z̄ ،  
سانسکریت z̄ ani .

۱۰-۱۳: [zn] zan «زندن» > آریانی \*z̄ an\* از ریشه \*gan\*، فارسی باستان gan  
ماده زمان حال an z̄ مقایسه شود در اوستا gan ماده زمان حال an z̄ ،  
سانسکریت han .

۱۱-۱۳: ziv «زنده گی» > آریانی \*z̄ iva\* از ریشه \*gi\* مقایسه شود در اوستا  
ماده زمان حال z̄ iva ، z̄ iva ، فارسی باستان z̄ iva ، سانسکریت - z̄ iv .

۱۲-۱۳: arz «قیمت، ارزش، قیمت، بها» > آریایی \*ar z̄ ah\* مقایسه شود در اوستا  
ar z̄ ah ، سانسکریت argha .

۱۳-۱۳: pērōz «پیروز، فاتح، موفق» > آریایی pari-au z̄ ah مقایسه شود در  
اوستا z̄ ah ao «قوه»، سانسکریت z̄ as o .

### فارسی میانه z > آریایی \*z̄\* :

۱۴-۱۳: mīzd «مزد، اجره، پاداش» > آریایی -mižda ، مقایسه شود در اوستا  
mižda ، سانسکریت mīd ha «تحفه نظامی».



۱۳-۱۵: *tēz/ž* «تیز، سریع، تند» > آریایی *taīza* مقایسه شود اوستا، *taēža* در واژه‌های ترکیبی:

• *brōiθrō. taēža* «با تیزی تیز».

• *tiži. aršti* «با نیزه تیز».

• *tižt dāta* «با دندان تیز».

۱۳-۱۶: *duz(d)* «دزد» در واژه *duzāpsth* «همکاری با دزد» مقایسه شود در اوستا (*duž-dā(y)*) «دارای فکر و اندیشه بد».

Z فارسی میانه متأخر در بین دو مصوت و بعد از مصوت از آریایی اولاً به *ž* یا *ž* بعداً به Z تکامل نموده است:

۱۳-۱۷: *rōč* / متأخر *rōz* «روز»، فارسی باستان *roučah* > آریایی *\*raučah* مقایسه شود در اوستا *raočah*، سانسکریت *rocas* «روشنی»

۱۳-۱۸: *hač* / متأخر *az* «از، به واسطه، در برابر»، فارسی باستان *hačā* > آریایی *hača* مقایسه شود در اوستا *hača*، سانسکریت *sača* «در اطراف یا نزدیک چیزی».

۱۳-۱۹: *taz/tač* «گریختن، به حرکت آوردن، جاری شدن» > آریایی *taca* - از ریشه *tak* مقایسه شود در اوستا *tad* : *tak* «گریختن».

۱۳-۲۰: *paz/pač* «پختن، پزیدن، جوشاندن» > آریایی *pača* - از ریشه *tak* مقایسه شود در اوستا - *pač* : *pak* ماده زمان حال، *pačah*.

### فونیم Š

فارسی میانه Š، آریایی \*š (اوستا و فارسی باستان Š ریشه اندواروپایی s):

۱۴-۱: *viša* «زهر» > آریایی *visa* - مقایسه شود اوستا *viša*، سانسکریت *viśa*.

۱۴-۲: *keš* «کیش، عقیده، مذهب» > آریایی *\*kaiša* مقایسه شود در اوستا

*ṭkaēša*، «دروس مذهبی» از *kaēs* اوستایی به معنای «آموختن، یاد گرفتن».

۱۴-۳: hušk «خشک» > آریایی \*huš-ka\* مقایسه شود در اوستا huška، فارسی باستان uška «خشک»، سانسکریت śu s ka .

۱۴-۴: goš «گوش، نام روز چهاردهم هرماه است، نام ایزد نگهبان چهار پایان است»، فارسی باستان gauša > آریایی \*gauša\* مقایسه شود در اوستا gaoša، سانسکریت gho s a ، «صدا».

۱۴-۵: kaš «زیر بغل، بغل، سینه، پهلو» > آریایی kaša مقایسه شود در اوستا - kaša، سانسکریت kak s a .

۱۴-۶: čašm «چشم»، فارسی باستان čaša > آریایی čašman مقایسه شود در اوستا čašmam، سانسکریت cak s cak s as «دیدن» چشم، دید».

### فارسی میانه š، آریایی \*š، اوستا، میدی و فارسی باستان [xš]:

۱۴-۷: šēt / متأخر šēd «درخشان، روشن» xšaita مقایسه شود در اوستا xšaēta.

۱۴-۸: šīr «شیر، حلیب» > آریایی xšīra، مقایسه شود در سانسکریت kṣīra «شیر».

۱۴-۹: šap / متأخر šab «شب»، فارسی باستان xšap > آریایی \*xšap مقایسه شود در اوستا xšap، سانسکریت k s ap، پشتو špa، اورمزی so.

۱۴-۱۰: āštīh «صلح، آشتی، توافق» > آریایی - \*āxšā مقایسه شود در اوستا - āxšā «حفظ کردن» āxšti «صلح، آشتی».

۱۴-۱۱: rošn «روشن، درخشان، باشکوه، صاف، تابان» > آریایی

\*rouxšna مقایسه شود در اوستا raoxšna، اورمزی ro s an .

### فارسی میانه [xš] آریایی [\*xš]:

۱۴-۱۲: vaxš «سود، فایده، منفعت» > آریایی \*vaxš مقایسه شود در اوستا vaxš.

۱۴-۱۳: baxš «تقسیم کردن، بخش، قسمت کردن» مقایسه شود در اوستا -

baxš «داشتن بخش، قسمت».

۱۴-۱۴: vaxš «حرف، سخن، کلام، پیام» مقایسه شود در اوستا vaxša «خبر، سخن».

۱۴-۱۵: tuxšāk / متأخر tuxšāg «کوشا، زرننگ، پشت کار» مقایسه شود در اوستا θwaxša «آرام».

### فارسی میانه در ابتدای کلمه š آریایی [\*fš]:

۱۴-۱۶: šarm «شرم، حیا، عفت، خجالت» > آریایی fšarma مقایسه شود در اوستا fšarəma.

۱۴-۱۷: šupān / متأخر šufān «چوپان، شبان» > آریایی fšu-pāna مقایسه شود در اوستا - fšu «گوسفند» pāna از ریشه pā(y) «نگهداشتن»، پشتو špun.

### فارسی میانه [fš] آریایی [\*fš]:

۱۴-۱۸: drafš «درفش، بیرق، علم» > آریایی drafša\* مقایسه شود در اوستا drafša، سانسکریت drafsa، دری drafš.

### فارسی میانه در ابتدای کلمه š آریایی [\*šy]:

۱۴-۱۹: šāt / متأخر šād «شاد، خوش، خرم» > آریایی šyāta مقایسه شود در اوستا šyāta šāta، فارسی باستان šiyata.

۱۴-۲۰: šaw «شو، فعل امر از مصدر شدن» > آریایی šyav مقایسه شود در اوستا šav-، šyav، فارسی باستان šiyav، سانسکریت cyaw.

### فارسی میانه [šk] آریایی [\*sk]:

۱۴-۲۱: arešk / فره وشی arišk / «رشک، حسد، کینه» مقایسه شود در اوستا araska «حسد».

۱۴-۲۲: srišk «قطره، اشک»، مقایسه شود در اوستا sraska، اشک.

۱۴-۲۳: šken «شکستن، خورد کردن، منفصل کردن» مقایسه شود در اوستا

.skand

فارسی میانه >š آریایی \*s :

۱۴-۲۴: šāk «شاخ، شاخه، شعبه» > آریایی sāxā sākā، آریک sākāhā.

۱۴-۲۵: āš «آش، خوراک» > آریایی \*as «خوردن»، سانسکریت - as.

### فونیم X

فارسی میانه X > آریایی X:

۱-۱۵: xar «خر» > آریایی \*xara مقایسه شود در اوستا xara، سانسکریت khara.

۲-۱۵: xrat / متأخر xrad «خرد، عقل، دانایی، هوش» مقایسه شود در اوستا kratav، سانسکریت xratav.

۳-۱۵: nāxun / فره وشی nāxūn «فاحش» > آریایی \*naxa مقایسه شود در اوستا nakha.

۴-۱۵: baxt «بخت، اقبال، تقدیر، سرنوشت» > آریایی \*baxta مقایسه شود در اوستا baxta.

۵-۱۵: darxt «درخت» > آریایی \*draxta «استاده قایم شده» مقایسه شود در اوستا darng «محکم نمودن».

فارسی میانه X آریایی h :

۶-۱۵: xēm «خوی، سرشت، خصلت، طبیعت، میل» > آریایی haiman مقایسه شود در اوستا -hya-, haya- «ویژه گی».

۷-۱۵: zōsrōv / xōsrōy «خسرو»، اوستا haosravah.

۸-۱۵: xup / متأخر rub «خوب، راحت، آسایش» > آریایی huvapah.

۹-۱۵: xuk «خوک» مقایسه شود در اوستا hū «خوک».

در یک تعداد واژه‌های فارسی میانه x دخیل از زبان اوستایی می باشد:

۱۰-۱۵: zarduxšt زرتشت مقایسه شود در اوستا zaraθuštra. «زرتشت».

۱۱-۱۵: ātaxš «آتش»، اوستایی ātarš از واژه ātar.

به وجود آمدن x در آغاز کلمه قبل از مصوت:

۱۲-۱۵: xišt «خشت» > آریانی \*išti مقایسه شود در اوستا ištya، فارسی باستان išti.

۱۳-۱۵: xešm «خشم، غضب» > آریانی aišma، مقایسه شود در اوستا aēšma.

فارسی میانه [xv] آریانی [\*xv] ، [\*hv] :

۱۴-۱۵: xvāhar «همشیره، خواهر» > آریانی \*xvahar مقایسه شود در اوستا xva, η har سانسکریت svasar، پشتو xor.

۱۵-۱۵: xvafs «خواب، استراحت» > آریانی \*xvafsa مقایسه شود در اوستا xvafsa ماده حال فعل xvap «خوابیدن، خفتن، استراحت کردن».

۱۶-۱۵: xvarrah «فر، شکوه، جلال» > آریانی \*hvarnah مقایسه شود در اوستا hvarənah «فرازیدی، جلال، شکوه».

۱۷-۱۵: xvēš «خویش، خود، از خود» مقایسه شود در اوستا xvaēpaiθya، فرس باستان h uvaipašiya.

۱۸-۱۵: āxvar «طوبله، آخور، اصطبل» > آریانی \*ā -xvar مقایسه شود در اوستا xvar «خوردن»، فارسی کلاسیک آخور āxur.

۱۹-۱۵: Fra x̄ «فراخ، وسیع، کشاد» > آریانی fraθahvant مقایسه شود در اوستا fraθah «فراخ، عریض، وسیع».

xrōs «خروس» > آریانی \*xraus مقایسه شود در اوستا xraos «صدا کردن»، سانسکریت kroś-:kruś.

## فونیم h

### فارسی میانه h > آریانی h :

۱- ۱۶: Hunar « هنر، مردانگی، مهارت، قدرت » > آریانی *\*hunara* مقایسه شود در اوستا *hunara*، سانسکریت *sūnara*.

۲- ۱۶: *haxt* « ران، کفل » > آریانی *\*haxt* مقایسه شود در اوستا *haxt*، سانسکریت *sakthan*.

۳- ۱۶: *anāhīd/anāhīt* « ناهید، پاک، بی آرایش، ستاره زهره، فرشته نگهبان آب » مقایسه شود در اوستا

*an-ātita*، دری ناهید *nāhid*.

۴- ۱۶: *māh* « ماه سی روز و نیز نام ایزد است که موکل است بر روز ماه » > آریانی *\*māha* مقایسه شود در اوستا *māha*، فارسی باستان *māha*، سانسکریت *māsa*.

### فارسی میانه h > آریانی θ\*:

۵- ۱۶: *gēhān* « کیهان، جهان، دینا، روزگار » > آریانی *\*gaiθā* مقایسه شود در اوستا *gaēθā* « جسم، ذیروح »، فارسی باستان *gaiθā*.

۶- ۱۶: *pahn* « پهن، عریض » > آریانی *paθana* مقایسه شود در اوستا *paθana*.

۷- ۱۶: *gāh* « گاه، مدت، زمان جا، مکان » > آریانی *gāθu* مقایسه شود در اوستا *gāθv-gātu* در سرود گاتها *gās*، فرس باستان *gāθu* « جای، تخت ».

۸- ۱۶: *čahār* « ۴ » مقایسه شود در اوستا *čaθwar*.

در فارسی میانه h بین دو مصوت و بعد از مصوت از *\*s* آریانی (اوستا *s*) فرس

### باستان (θ):

۹- ۱۶: *mahist* « بزرگترین، مهمترین، بالاترین، طویل ترین » > آریانی *\*masišta*

مقایسه شود در اوستا *masišta*، فرس باستان *maθišta* از ریشه *\*mas*.

۱۰-۱۶: pāh «چهارپا، گله، رمه، گوسفند» > آریانی \*pasu مقایسه شود در اوستا pasu، فارسی باستان \*paθu، سانسکریت paśu، پشتو psə.

۱۱-۱۶: dah «۱۰» > آریانی \*dasa مقایسه شود در اوستا dasa، سانسکریت dasa، اورمپی das، پشتو las.

فارسی میانه [hr] آریانی [\*θr] ( اوستا و میدی [θr] فارسی باستان )  
ی [tr] آریک [\*tr]:

۱۲-۱۶: šahr «شهر، کشور، قلمرو، حکومت، شاهی» > آریانی xšaθra مقایسه شود در اوستا xšaθra، فارسی باستان xšaça، سانسکریت ksatra\*.

۱۳-۱۶: mihr «مهر، میترا، مالک، ایزد روشنایی» > آریانی \*miθra مقایسه شود در اوستا miθra، سانسکریت mitra «عهد، پیمان، محبت و خورشید».

۱۴-۱۶: čihr «صورت، چهره، عدالت، نشان» > آریانی čiθra مقایسه شود در اوستا čiθra، سانسکریت čitra.

۱۵-۱۶: zahr «زهر» > آریانی \*j aθra.

فارسی میانه [hl] آریانی و فرس باستان [\*rθ]:

۱۶-۱۶: puhl «پُل» فارسی باستان p r θ u > آریانی \*p r θ u مقایسه شود در اوستا pərətav «راه».

۱۶-۱۷: pahlük / متأخر pahlüg «پهلو، کنار، دندهٔ سینه» > آریانی \*parθu- مقایسه شود در اوستا parəsu، فارسی باستان parθu «دنده، کنار، پهلو»، سانسکریت parsu.

h فارسی میانه در مصوت و بعد از مصوت در d، اوستا s:

۱۶-۱۸: sah از مصدر sah-ist-an «به نظر آمدن، به نظر رسیدن، مورد توجه قرار گرفتن» > آریانی \*sadaya از ریشهٔ \*sand مقایسه شود در اوستا sand ماده حال زمان sadaya، sadaya، فارسی باستان θa<sup>ud</sup> ماده زمان حال θadaya.

۱۶-۱۹: zrēh «زره، پوستین آهنین که هنگام جنگ می پوشند» > آریانی \*zrada  
مقایسه شود در اوستا Zrāda «زره، پوشیدن آهنین».

۱۶-۲۰: spāh «سپاه» > آریانی \*spāda مقایسه شود در اوستا spāda, spāda  
«سپاه».

در فارسی میانه به وجود آمدن h در ابتدای کلمه قبل از مصوت:

۱۶-۲۱: hoš «مرگ، هلاکت» > آریانی \*aušah مقایسه شود در اوستا aošah «مرگ، مردن».

۱۶-۲۲: hašt «۸» > آریانی \*ašta مقایسه شود در اوستا ašta, سانسکریت  
a.s.t.a

۱۶-۲۳: hēc «هیج» > آریانی \*aiva-s-čit

در فارسی میانه به وجود آمدن h در آخر کلمه:

۱۶-۲۴: noh «۹» > آریانی \*nava مقایسه شود در اوستا nava, سانسکریت  
nava.

۱۶-۲۵: dah «۱۰» > آریانی \*dasa مقایسه شود در اوستا dasa, سانسکریت  
dasa, اورمیری das.

## فونیم y

در فارسی میانه y در حالت ذیل از \*y آریانی تکامل نموده است:

الف- بین دو مصوت و بعد از مصوت:

۱۷-۱: dāyak / متأخر dāyag «دایه، پرستار» > آریانی \*dāyaka از ریشه

(dā(y) / مقایسه شود در اوستا dā(y) «پرستاری کردن»، دری dāya.

۱۷-۲: sāyak / متأخر sāyag «سایه» > آریانی \*sāyaka مقایسه شود در اوستا



a-saya « بدون سایه »، سانسکریت chāya « سایه » دخیل از زبان اوستا [Rastargueva, ۱۹۸۱, p. ۴۴]

۱۷-۳: vay « باد، دم، نفس، هوا، ایزد هوا، فضا » دخیل از اوستا و vāyav- « فضای خالی بین قلمرو اورمزد و اهریمن »، سانسکریت vāyav « باد »  
ب- بعد از \*n آریانی:

۱۷-۴: siyā « سیاه » > آریانی \*syāva، مقایسه شود در اوستا syāva، سانسکریت śyāva.

۱۷-۵: niyāk / متأخر niyāg « پدرکلان » > آریانی \*nyāka مقایسه شود در اوستا nyāka و فرس باستان niyakā پشتو nekə.

۱۷-۶: ziyān « زیان، ضرر، آسیب، ویرانی » > آریانی \*zyāni، مقایسه شود در اوستا zyānā، سانسکریت jyāni.

در فارسی میانه y بین دو مصوت و بعد از مصوت. در واژه‌های دخیل از زبان‌های  
گروپ شمال شرقی از d\* آریانی، (اوستا δ):

۱۷-۷: šuy [šwd] « گرسنگی » > آریانی \*šud مقایسه شود در اوستا šud « گرسنه گی ».

۱۷-۸: pāy « پای » > آریانی \*pād مقایسه شود در اوستا pād، سانسکریت pāda.

۱۷-۹: may « می، شراب » > آریانی \*madu- مقایسه شود در اوستا maḍav.

۱۷-۱۰: mayān « میان، وسط » > آریانی \*madyāna مقایسه شود در اوستا maiḍyāna « وسط میان ».

۱۷-۱۱: ayār « یار، رفیق » کمک رسان، یاور > آریانی ady-āvar مقایسه شود در اوستا aidyu, aisyu « کمک کننده ».

۱۷-۱۲: [bōd] bōy « بوی، عطر، بخور، درک، شعور، حس » > آریانی \*bauda مقایسه شود در اوستا -baoda.

### فارسی میانه y آریانی [\*vi]:

۱۷-۱۳: viyāpān / متأخر viyābān «یبابان، دشت، گمراه، فریب مفتون، دیوانه» > آریانی \*vivāpāna مقایسه شود در اوستا vī-vāpa «ویران کردن، خالی کردن، از بین بردن»، دری biyābān.

۱۷-۱۴: viyāk [giyāk] «جا» > آریانی \*vi- vaha-ka از vah- اوستایی به

معنای «واقع شدن» y بعد از i

فارسی میانه > آریانی \*g:

۱۷-۶: niyōš az مصدر niyōšītan «نیوشیدن، شنیدن، فرمان بردن» > آریانی

\*ni-gauš- مقایسه شود در اوستا \*gaoš «شنیدن»

### فونیم r

### فارسی میانه r آریانی \*r:

۱۸-۱: rang «رنگ» > آریانی \*ranga مقایسه شود در سانسکریت rañga.

۱۸-۲: rēš «ریش، درد، دردناک، رنج، زخم، جراحت» > آریانی raiša مقایسه

شود در اوستا raēša, raēšah, سانسکریت rera.

۱۸-۳: arešn [فره وشی arisn] «ارش، ذراع، آرنج» > آریانی \*aratan araθn

[kent R, ۱۹۵۳, p, ۱۷۰] مقایسه شود در اوستا arəθna, فرس باستان arāšan.

سانسکریت aratni.

۱۸-۴: nar «نر، مذکر» > آریانی \*nara مقایسه شود در اوستا nar «نر یا مرد».

۱۸-۵: drāz «دراز، طویل» > آریانی \*drā-j ah- مقایسه شود در اوستا drajah

«طویل، دراز».

۱۸-۶: vars «موی بدن» > آریانی \*tanqra مقایسه شود در اوستا taqra.

۱۸-۷: xar [فره وشی xvarak ص ۶۳۵] «شاد، خوشحال، شیرینی» > آریانی varsa

\*مقایسه شود در اوستا - varəsa «خوب، خوش، خوشحال».

### فارسی میانه r آریانی [\*θr] :

۱۸-۸: tār «تاریک، تار» > آریانی tanθra مقایسه شود در اوستا - taθra، آریک tantra .

۱۸-۹: xvār «خوار، سبک، آسان، محقر، تحقیرآمیز، پست، فرومایه» > آریانی xvāθra- \*مقایسه شود در اوستا - xvāθra.

۱۸-۱۰: hērpat / متأخر hērbad «پیشوای دین زرتشتی، خادم و خدمتگار آتشکده» > آریانی aiθra-pati \*مقایسه شود در اوستا - aēθra-pati .

### فاسی میانه [rr] آریانی [\*rn] و فاسی میانه [urr] آریانی [\*rn] :

۱۸-۱۱: parr «پر، بال» > آریانی parna \*مقایسه شود در اوستا - parəna «پر»، سانسکریت parna «پر».

۱۸-۱۲: karr «کر، ناشنوا» > آریانی karna \*مقایسه شود در اوستا - karəna، سانسکریت karna «گوش دراز».

۱۸-۱۳: purr «پر، کامل» > آریانی purna \*مقایسه شود در اوستا - parəna.

## فونیم L

فونیم I زبان فارسی میانه از ترکیب صداهای [rd] آریانی تکامل نمود است: اوستا [rz]، فارسی باستان [rd] :

۱۹-۱: gul «گل، گل سرخ، گلاب» > آریانی - vɽda \*مقایسه شود در اوستا - vorəda-

۱۹-۲: dil «دل، قلب، خاطر» > آریانی - zɽd \*مقایسه شود در اوستا - zərəd-، سانسکریت hɽd .

۱۹-۳: sal «سال» > آریانی sard \*مقایسه شود در اوستا sarəda، فارسی باستان - Øard .

۴-۱۹: bālist «بلندترین، ارتفاع، اوج، نقطه اوج، ستاره، ترفیع، علوم» > آریانی  
barzišta مقایسه شود در اوستا .barəzišta

۵-۱۹: buland «بلند، دراز» > آریانی - b r zant مقایسه شود در اوستا  
bərəzant

۶-۱۹: māl از مصدر māl-išn «مالش، صیقل، لمس، احساس» > آریانی mārz  
مقایسه شود در اوستا marəz .

### فارسی میانه I > آریانی \*r:

۷-۱۹: galōg / galōk «گلو» مقایسه شود در اوستا gal «گلو، گردن»،  
سانسکریت gala .

۸-۱۹: dālman «عقاب، عقاب سیاه، کرکس، لاشخوار» آریانی \*zarnu-mani .

## فونیم m

### فارسی میانه m آریانی m:

۱-۲۰: man «من» > آریانی \*mana مقایسه شود در اوستا mana، فارسی  
باستان manā «از من، به من» .

۲-۲۰: murv «علف، سیزه، چمن، مرغ» > آریانی - \*marga مقایسه شود در  
اوستا marəya «چمن» .

۳-۲۰: hamak / متأخر hamag «همه، تمام، کل» > آریانی - \*hama  
ka مقایسه شود در اوستا hama «همه» .

۴-۲۰: nēm «نیم، نیمه، نصف، میانه» > آریانی \*naima مقایسه شود در اوستا  
naēma، سانسکریت nema .

۵-۲۰: čarm «چرم، پوست» > آریانی čarman مقایسه شود در اوستا  
čarəman .

### فارسی میانه m > آریانی [\*mn]:

۶-۲۰: kam «کم، اندک، کوچک» > فارسی باستان kamna مقایسه شود در اوستا kamna.

۷-۲۰: mān «مان، خان و مان، مسکن، خانه، جا، خانواده» مقایسه شود در اوستا n̄māna .dəmana «خانه، مسکن، پشتو mena.

### فارسی میانه m آریانی [\*fn]:

۸-۲۰: šām «شام، غذای شب» مقایسه شود در اوستا xšāfīnya «شب، غذای شب».

## ن فونیم n

### فارسی میانه n > آریانی n:

۱-۲۱: nap / متأخر nab «نواسه، نوه» > آریانی napāt. مقایسه شود در اوستا و فارسی باستان napāt.

۲-۲۱: nun «اکنون، کنون، حالا» > آریانی nūman مقایسه شود در اوستا nūrəm ، فارسی باستان nūrəm.

۳-۲۱: vēnīg/vēnīk «بینی» > آریانی vainaka مقایسه شود در اوستا vaēna.

۴-۲۱: sēn «شاهین، عقاب، سیمرغ» > آریانی saina مقایسه شود در اوستا saēna «نام پرندۀ بزرگ شکاری».

۵-۲۱: band «بند، گره، پیوسته گی» > آریانی - banda مقایسه شود در اوستا banda.

۶-۲۱: danadān «دندان» > آریانی \*dantān مقایسه شود در اوستا dantān.

۷-۲۱: āšnāk / متأخر āšnāg «آشنا، مشهور، شناخته شده» > آریانی -ā+xšnā\* مقایسه شود در اوستا فرس باستان xšnā «شناخته شده، مشهور».

## فارسی باستان

زبان فارسی باستان نیای زبان فارسی امروزی، زبان قوم فارس بوده است که بعد از ورود به فارس در جنوب غرب آن (استان فارس کنونی) ساکن شدند و شاهنشاهی بزرگ هخامنشی را در ۵۵۰ ق.م. بنیاد نهادند.

زبان و خط اداری و نوشتاری در شاهنشاهی هخامنشی (۳۳۰-۵۵۹ ق.م.) زبان و خط آرامی بود. کاتبان آرامی اسناد اداری را بر پوست و یا پیپروس به خط آرامی مینوشتند و کاتبان خزانه داری که احتمالاً ایلامی بودند، اسناد خزانه کاخ شاهی را به زبان و خط میخی ایلامی و بر لوحهای گلی مینگاشتند. سنگ نوشته‌های شاهان هخامنشی تنها آثار مکتوب زبان فارسی باستان اند که خط مورد استفاده درین کتیبه-ها خط میخی است و علت این نامگذاری شباهت نویسه‌های این خط به میخ است. این خط احتمالاً از خط میخی بابلی گرفته شده است، اگرچه بابلی، هجایی است، یعنی هر نویسه معرف یک هجاست، ولی نویسه‌های خط میخی فارسی باستان به صورت الفبایی نیز به کار میرود.

خط میخی فارسی باستان که از ساده‌ترین انواع خط میخی به شمار میرود از چپ به راست نوشته میشود و تا پایان حکومت هخامنشیان به کار میرفته است. این خط دارای ۳۶ نشانه هجایی - الفبایی، هشت اندیشه نگار ideogram، دو کلمه جداکن و چند نشانه برای اعداد است. کلمه جداکنها در حد فاصل میان دو واژه قرار میگیرند و

اندیشه نگارها بیانگر مفاهیم مستقل هستند. خط میخی فرس باستان تنها برای کتیبه نگاری مورد استفاده بوده، حالانکه روابط اداری در شاهنشاهی هخامنشی به وسیله خط و زبان آرامی انجام میگرفت..

الفبای فارسی باستان

۱ 𐎠 a	۲ 𐎡 i	۳ 𐎢 u	۴ 𐎣 k <sup>a</sup>	۵ 𐎤 x <sup>a</sup>	۶ 𐎥 g <sup>a</sup>
۷ 𐎦 h <sup>a</sup>	۸ 𐎧 č <sup>a</sup>	۹ 𐎨 j <sup>a</sup>	۱۰ 𐎩 y <sup>a</sup>	۱۱ 𐎪 t <sup>a</sup>	۱۲ 𐎫 θ <sup>a</sup>
۱۳ 𐎬 d <sup>a</sup>	۱۴ 𐎭 n <sup>a</sup>	۱۵ 𐎮 s <sup>a</sup>	۱۶ 𐎯 r <sup>a</sup>	۱۷ 𐎰 s <sup>a</sup>	۱۸ 𐎱 š <sup>a</sup>
۱۹ 𐎲 z <sup>a</sup>	۲۰ 𐎳 p <sup>a</sup>	۲۱ 𐎴 f <sup>a</sup>	۲۲ 𐎵 b <sup>a</sup>	۲۳ 𐎶 m <sup>a</sup>	۲۴ 𐎷 v <sup>a</sup>
۲۵ 𐎸 l <sup>a</sup>	۲۶ 𐎹 g <sup>u</sup>	۲۷ 𐎺 t <sup>u</sup>	۲۸ 𐎻 d <sup>u</sup>	۲۹ 𐎼 n <sup>u</sup>	۳۰ 𐎽 r <sup>u</sup>
۳۱ 𐎾 m <sup>u</sup>	۳۲ 𐎿 k <sup>u</sup>	۳۳ 𐏀 d <sup>i</sup>	۳۴ 𐏁 m <sup>i</sup>	۳۵ 𐏂 v <sup>i</sup>	۳۶ 𐏃 j <sup>i</sup>

کلمه جداکن ها: ( 𐎠 ) ( 𐎡 )

ایدیوگرام فرس باستان

𐎠𐎡𐎣 xšāyaθiya شاه

𐎠𐎡𐎢 бага خدا

𐎠𐎡𐎳 būmi بوم

𐎠𐎡𐎴 a<sup>h</sup>uramazdā اهورامزدا

𐎠𐎡𐎴𐎵 a<sup>h</sup>uramazdā

𐎠𐎡𐎴𐎶 a<sup>h</sup>uramazdāha

𐎠𐎡𐎴𐎷 dahyu کشور

𐎠𐎡𐎴𐎸 dahyu

مهمترین کتیبه‌های زبان فرس باستان به رویت تحقیق کنت **,Old persain.** (Kent ۱۹۵۳، صص ۱۵۳-۱۱۶) قرارذیل است: قدیمترین کتیبه‌های زبان فارسی متعلق به آریارامنه پدر نیای داریوش بزرگ است که میبایست در حدود قرن ششم یا هفتم قبل از میلاد باشد. جدیدترین کتیبه متعلق به اردشیر سوم بوده و به قرن سوم قبل از میلاد باز میگردد. مهمترین و مفصل‌ترین کتیبه متعلق به داریوش بزرگ است که بر کوه بیستون حک شده است.

کتیبه آریارامنه (حدود ۶۴۰-۵۹۰ ق.م.)؛ کتیبه ارشام (۵۹۰-۵۵۹ ق.م.)؛ کتیبه کوروش (۵۵۹-۵۳۰ ق.م.)؛ کتیبه داریوش (۵۵۲-۵۳۰ ق.م.)؛ کتیبه‌های بیستون جمعاً ۱۱ کتیبه.

### کتیبه‌های فارس:

الف- در تخت جمشید هفت سنگ نوشته.

ب- در نقش رستم دو سنگ نوشته.

کتیبه‌های شوش: ۲۱ کتیبه.

کتیبه‌های سوئز: سه کتیبه.

کتیبه الوند: یک کتیبه.

کتیبه همدان، کتیبه‌های تخت جمشید، کتیبه‌های خشایارشا، کتیبه‌های اردشیر اول (۵-۴۶۴ تا ۴۲۵ ق.م.).

آواشناسی فارسی باستان: مصونتهای فارسی باستان عبارت اند از:

مرکب

ساده

بلند	کوتاه	بلند	کوتاه
āi	ai	ā	a
āu	au	ī	i
		ū	u





kaf	kafa	*kafa	kapha-	*kapha-	تف، کف
saf آسی	safa-	*safa-	sápha-	*śapha-	سم اسپ، خر
θ	θ	*θ	th	*th	
yaθā	yaθa-	*yaθa-	yathā	*yathā-	چطور
paθi	paθā	*paθa-	path-	*path-	راه
°raθa-	Raθa-	*raθa-	rátha-	*rátha-	عزاده
x	x	*x	kh	*kh	
°xara-	xara-	*xara-	khara-	*khara-	خر
haxā	haxa°	*haxā-	sákhā	*sakha-	رفیق
f	f	*f	p	*p	
fraθ-	fras-	*fras-	praś-	*pras-	پرسیدن
°dirafš-	drafšō	*drafša-	drapśa-	*drapsa-	درفش، بیرق
fra-	fra-	*fra-	prá-	*pra-	پیشایند
θ	θ	*θ	t	*t	
puθ <sup>r</sup> a-	puθra-	*puθra-	putra-	*putra-	پسر
xšaθ <sup>r</sup> a-	xšaθra-	*xšaθra-	kṣatra-	*kṣatra-	حکومت، دولت
θuvām-	θwam-	*θuvām-	tvam-	*tuām-	برای تو
x	x	*x	k	*k	
xšap-	xsšp-	*xšap-	k . s ap-	*kšap-	شب
xšay-	xšā(y)-	*xšāy-	k . s ay-	*kšay-	مالک، حاکم
θ	s	*s	ś	*ś	
°θafa-	safa-	*safa-	śapha-	*śapha-	سم اسپ و خر

θata-	sata-	*sata-	śata-	*ćata-	۱۰۰
	syāva-	*syāva-	śyāva-	*ćyāv-	سیاه
daθa-	dasa-	*dasa-	dáśa-	*daća-	ده
	āsu-	*āsu-	āsú-	*āću-	تیز، چالاک
θard-	sarəd-	*sard-	śarád-	*ćarad-	سال
	pasu-	*pasu-	paśú-	*paću-	گوسفند
d	z	*z	j	*j	
drayah-	zrayah-	*zrayah-	jrayas-	*jraya-	دریا
yad-	yaz-	*yaz-	yaj-	*yaj-	سر به تعظیم آوردن
	zantu-	*zantu-	jantú-	*jantu-	قوم، نسب
	zātō-	*zata	jātá ḥ -	*jāta-	متولد، تولد شده
	zarant-	*zarant	jarant-	*jarant-	آدم پیر
d	z	*z	h	*jh	
adam	azəm	*azam	aham	*ajham-	من
dasta	zasta-	*zasta-	hasta	*jhasta-	دست
	bərəzant-	*brzant-	b ṛ hant	*b ṛ jhant-	بلند
h	h	*h	s	*s	
	hapta-	*hapta-	sapta-	*sapta-	هفت
hačā-	hača-	*hača-	sacā-	*sačā-	از
āham-	ahmi-	*aham-	amis-	*asmi-	من هستم
haina-	haēnā-	*haina-	senā-	*saina-	سپاه دشمن

hindu-	hindu-	*hindu-	sindhu-	*sindhu-	هندوستان
° haitu-	haētu-	*haitu-	setu-	*saitu-	پُل

### جدول زبانهای آریانی

غربی		شرقی		
جنوب غربی	شمال غربی	جنوب شرقی	شمال شرقی	
فرس باستان	میدی	Avista اوستا، Saki ساکی		دوره باستان: شروع نگارش زبان‌ها الی ۳۳۱ ق م.
فارسی میانه یا (پهلوی ساسانی)	پارتی یا (پهلوی اشکانی)	سغدی، ختنی (ساکی) خوارزمی، باختری، آلانی		دوره میانه: از ۳۳۱ ق م الی گسترش دین اسلام.

<p>فارسی تاجکی دری گیگلی، آزی، مازندرانی، کمزاری سمنانی</p>	<p>بلوچی، کردی، تاتی، تالیستانی</p>	<p>اورموری پراچی</p>	<p>پشتو، اسی (آستی)، یغنایی وزیران های پامیری: اشکاشمی ، شغنی ، اروشانی، واخی، سنگلیچی، منچی، سرکلی، برتنگی، ، رُشروی، یزغلامی، زیباکی.</p>	<p>از شروع گسترش دین مقدس اسلام الی امروز</p>
---	---	--------------------------	---	---



## مآخذ:

۱. ابوالقاسمی، محسن. ماده های فعل های فارسی دری، ققنوس، تهران، ۱۳۷۳.
۲. ابوالقاسمی، محسن. زبان فارسی و سرگذشت آن، انتشارات هیرمند، تهران، ۱۳۸۲.
۳. ابوالقاسمی، محسن. تاریخ زبان فارسی، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۸۰.
۴. آریانا دایرة المعارف دور اول، (از جلد ۱-۶) ۱۳۲۸-۱۳۴۸.
۵. الهام محمد رحیم. روشی جدید در تحقیق دستور زبان دری، د کابل پوهنتون، ۱۳۴۹.
۶. بیرتلس ادوارد افگینوویچ. قاموس تاجکی- روسی، مسکو ۱۹۵۴.
۷. راسترگوییوا و. س. دستور زبان فارسی میانه، ترجمه ولی الله شادان، تهران، ۱۳۴۷.
۸. روان فرهادی. فارسی عامیانه افغانستان به زبان روسی مسکو ۱۹۷۴.
۹. روان فرهادی. زبان تاجکی ماوراءالنهر. مجله خراسان شماره ۳، سال ۱۳۶۰، و شماره ۴، ۱۳۶۰.
۱۰. عابدی عثمانجان. لهجه دری پروان کابل ۱۳۶۱.
۱۱. علی رواقی. زبان فارسی فراروردی (تاجکی) انتشارات هرمس، تهران ۱۳۸۳.
۱۲. عمید. فرهنگ فارسی، چاپ سی و ششم. موسسه انتشارات امیر کبیر، تهران ۱۳۸۷.
۱۳. فره وشى بهرام. فرهنگ زبان پهلوی، چاپ پنجم، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۶.
۱۴. کوروش صفوی. آشنایی با تاریخ زبانهای آریایی، نشر پژواک کیوان، تهران ۱۳۸۶.
۱۵. مهری، باقری. تاریخ زبان فارسی، انتشارات قطره، تهران، ۱۳۸۱ ش.
۱۶. محمد حسن دوست. فرهنگ ریشه شناختی زبان فارسی، زیر نظر دکتر بهمن سرکاراتی جلد اول (ا-ت)، تهران ۱۳۸۳.
۱۷. منصورى یدالله بررسی ریشه شناختی فعلهای زبان پهلوی (فارسی میانه زردشتی)، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران ۱۳۸۴.
۱۸. ناتل خانلری پرویز تاریخ زبان فارسی. در سه جلد. انتشارات نشر نو، تهران ۱۳۶۹.
۱۹. نگهت سعیدی م.ن. دستور معاصر زبان دری، پوهنتون کابل ۱۳۴۸.
۲۰. یمین محمد حسین. دستور معاصر زبان پارسی دری (فونولوژی و مورفولوژی؛ بخش دوم نحوه) پیشاور ۱۳۷۸.
۲۱. یمین محمد حسین. تحول تاریخیچه زبان پارسی دری "واقعیت ها" کابل ۱۳۸۲.

۲۲. Abaev, V.I. Istorico-etymologičeskij Slovar Osetinskogo jazyka, [ فرهنگ تاریخی ریشه شناسی زبان آسی ], Vol. ۱-۵, Moskva, ۱۹۵۸-۱۹۹۵.
۲۳. Bartolomae Chr. Altiranisches Wörterbuch Strassburg, ۱۹۰۴. (repr.: Asatir-Teheran, ۲۰۰۴).
۲۴. Brandenstein W., Mayrhofer M. Handbuch des Altpersischen. Wiesbaden, ۱۹۶۴.
۲۵. Compendium Linguarum Iranicarum, von Rudiger Schmitt, Wiesbaden, ۱۹۸۹
- ۲۶- Dorofeeva L.N. Jazyk farsi-kabuli, [ زبان فارسی کابلی ] Moskva ۱۹۶۰
۲۷. Elizarenkova, T. J. Grammatica Vediskova jzyka, [ دستور زبان ویدا ] Moskva, ۱۹۸۲.
- ۲۸- V.A.Efimov, V.S.Rastargueva, E.N.Shrova, Persidskii, Tadziksksii, Dari in: Osnovy iranskogo ۲۹ jazykoznanija [III] Novoiranskije jazyki [اساس زبان شناسی آریانی ج. ۳ فارسی. تاجکی، دری:] [ زبانهای ایرانی نو ] Moskva ۱۹۸۲.
۳۰. Kent R.G. old Persian Grammar Texts. Lexicon, New Haven ۱۹۵۳.
- ۳۱- Kiseleva L.N. Očerki po leksikologii jazyka dari, Moskva ۱۹۷۳. ۲۴ -
۳۲. Kiseleva L.N., Mikolajčik V.I. Dari-Russkii slovar, [ قاموس دری - ] [ Moskva روسی ۱۹
- ۳۳- Lazard G. La langue des plus anciens monuments de la prose persane. Paris ۱۹۶۳
- ۳۴- Lazard G. Pārsi in: Compendium Linguarum Iranicarum, Herausgegeben von RUDIGER SCHMITT, Wiesbaden ۱۹۸۹.
۳۵. Mackenzie David Neil: A concise Pahlavi dictionary, London ۱۹۷۱
۳۶. Nyberg A Manual of Pahlavi I-II Wiesbaden ۱۹۶۴-۱۹۷۴.
۳۷. Osnovy Iranskogo Jazykoznanija sredneiranskije Jazyki Moskava [اساس زبانهای آریانی] ۱۹۸۱
۳۸. Oranskij I.M. Iranskije jazyki v istoričeskom osveščennii [ زبان های آریانی از منظر تاریخی ] Moskva ۱۹۷۹.
- ۲۹ - Rawan Farhadi Razgovoney farsi v Afghanistan [ روان فرهادی. فارسی عامیانه افغانستان ] Moskva ۱۹۷۴.
- . Turner R.L. A comparative Dictionary of the Indo-Aryan Languages, ۴۰ vol. I-II, London, ۱۹۶۲-۱۹۶۶.



